

فضاهای باز شهری

تهیه و تنظیم:
معاونت آموزشی
پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی
سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضاهای باز شهری

نویسنده:

محمد نقی زاده



پژوهشگاه فرهنگ هنر و معماری



استاداری هم‌رنگان
معاونت امور عمرانی
دفتر امور شهری و شوراهای

وزارت کشور



سازمان شهرداری‌ها و دیپارتمانی کشور
پژوهشگاه مدیریت شهری و روستایی

سری منابع آموزشی شهرداری‌ها

سرشناسه: نقی زاده، محمد، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور: فضاهای باز شهری / مولف محمد نقی زاده؛ [برای] جهاد دانشگاهی، پژوهشکده فرهنگ و هنر، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، شهرداری کرمان.

مشخصات نشر: تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۸۶ص. :جدول، نمودار.

فروست: سری منابع آموزشی شهرداری ها.

شابک: ۴۸۰۰۰ ریال: ۸-۹۲-۸۴۶۶-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۵؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: فضاهای عمومی موضوع: شهرسازی -- طرح و برنامه ریزی

شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی. پژوهشکده فرهنگ و هنر

شناسه افزوده: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور

شناسه افزوده: شهرداری کرمان رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ن ۶ ف/ NA۹۰۵۳

رده بندی دیویی: ۷۱۱/۴ شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۷۱۲۳۴

عنوان: فضاهای باز شهری

ناشر: انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

تهیه و تنظیم: معاونت آموزشی پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی

مجری: استانداری هرمزگان - شهرداری کرمان - پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

مدیر پروژه: مهدی رضائی سردره، حسین رجب صلاحی

ناظر پروژه: ابوالفضل فانی، جواد نیکنام

نویسنده: محمد نقی زاده

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۰ قیمت: ۴۸۰۰۰ ریال

شابک: ۸-۹۲-۸۴۶۶-۹۶۴-۹۷۸

نظارت چاپ: عقیق ۴-۳-۸۸۹۳۲۴۰۳

حق چاپ و نشر برای انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور محفوظ است

پیشگفتار

گسترش شهرنشینی و مسائل و مشکلات خاص زندگی شهری، بیش از پیش ضرورت توجه همه جانبه به راهبردهای سودمند برای بهینه سازی زندگی ساکنان شهرها را لازم ساخته است. در میان عوامل تاثیرگذار در شهرها مانند محیط زیست شهری، حمل و نقل شهری، ایمنی شهری و برنامه ریزی شهری، یک عامل بسیار مهم که تاثیر فزاینده و تعیین کننده ای بر دیگر عوامل سازنده زندگی شهری دارد، مدیریت شهری است. هر فعالیت اجتماعی بدون وجود مدیریت سازمان یافته که اهداف و ابزارهای رسیدن به آنها را مشخص کند و فعالیتها را هماهنگ سازد - از هم می پاشد و به بی نظمی می گراید. شهرها نیز که پیچیده ترین و متنوع ترین جلوه های زندگی اجتماعی بشری را در خود دارند بدون وجود نظام مدیریت شهری که ضمن انجام برنامه ریزی های لازم برای رشد و توسعه آینده شهر به مقابله با مسائل و مشکلات کنونی آنها بپردازد بی سامان می گردند.

در نظریه های جدید مدیریت، به بالاترین سازمان از نظر کیفیت، سازمان متعالی می گویند. یک سازمان زمانی متعالی است که تمام اعضا به ماهیت ذاتی و درونی روابط خود اهمیت دهند، بدین معنا که هر فردی برای کارایی بیشتر از هیچ کوششی دریغ نرزد. بر خلاف یک رابطه متقابل خشک و رسمی که در آن طرفین به چگونگی تقسیم منافع علاقمندی نشان می دهند، اعضاء یک سازمان متعالی و برتر بیشتر مایل اند بدانند چگونه هر یک از آنان می توانند نفع بیشتری به سازمان ارائه دهند، افزون بر این، تمامی اعضا سازمان به این موضوع علاقمندند که چگونه می توانند برای افراد خارج از سازمان نیز مثمر ثمر باشند.

نظام مدیریت شهری نیز می باید به جایگاه متعالی خود برای خدمات رسانی بهتر به منظور رضایتمندی هر چه بیشتر شهروندان کشور دست یابد. مهمترین راه برای رسیدن به این هدف برای نظام مدیریت شهری دست یابی به جریان دانش و اطلاعات بهتر در جهت اخذ تصمیم مناسب و کاهش خطاها در تصمیم گیری و اجرا می باشد. داشتن دانش و اطلاعات از عدم قطعیت در روند تصمیم گیری ها می کاهد. مهمترین ابزار دست یابی به اطلاعات در جهان امروز متون نوشتاری یا الکترونیکی می باشد که اگر حاصل تلفیق علم و عمل باشند تاثیر گذاری آن به مراتب بر مخاطبین بیشتر خواهد بود. به منظور انتشار دست آوردهای جدید علمی و عملی در زمینه های مختلف مدیریت شهری پژوهشگرده مدیریت شهری و روستایی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور با همکاری دفتر امور شهری و شوراهای

استانداری هرمزگان اقدام به انتشار کتب آموزشی ای با عناوین زیر نموده است تا گامی هر چند کوچک در ارتقاء سطح علمی شهرداری ها کشور برداشته شده باشد .

- ۱- اصول برنامه ریزی فضای سبز شهری .
- ۲- اصول و مبانی برنامه ریزی فرهنگی .
- ۳- ارزیابی و مکانیابی دفن بهداشتی مواد زاید جامد شهری .
- ۴- شیوه نامه های امور مالی و معاملات شهرداری ها .
- ۵- آشنایی با محدوده های شهری .
- ۶- آشنایی با طرح های توسعه شهری در ایران (ساختاری راهبردی) .
- ۷- فضاهای باز شهری .
- ۸- مدیریت طرح های عمرانی در شهرداری ها .
- ۹- راهبردهای توسعه شهری .
- ۱۰- نحوه طراحی پارکینگ های خیابانی در گره های شهری .
- ۱۱- برنامه ریزی و طراحی محیطی امنیت در محیط زیست شهری .
- ۱۲- آشنایی با درآمد و روش های افزایش آن در شهرداری ها .

کتاب حاضر با عنوان فضاهای باز شهری از کتب این مجموعه می باشد که در شش فصل تهیه گردیده فصول این کتاب عبارتند از: فصل اول: در چیستی فضا و موضوعات مرتبط، فصل دوم: آشنایی با موضوعات مربوط به زندگی جمعی و فعالیت های عمومی، فصل سوم: در چیستی فضاهای باز شهری و مصادیق آنها، فصل چهارم: در اهمیت فضاهای باز شهری و عملکرد آنها فصل پنجم: فضاهای باز شهری در تجارب شهرسازی و فصل ششم: ویژگی های فضای شهری مطلوب .

در پایان از همکاری صمیمانه آقایان مهدی رضائی سررده معاون امور عمرانی استانداری هرمزگان، حسین رجب صلاحی معاون آموزشی پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی سازمان شهرداری ها و دهیاری کشور و ابوالفضل فانی مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری هرمزگان که در تهیه، تدوین و نشر این کتاب تلاش فراوانی نمودند نهایت تقدیر و تشکر به عمل می آید .

حسین هاشمی
استاندار هرمزگان

محمد رضا بمانیان
رئیس پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی
سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	أ
فصل اول: در چیستی فضا و موضوعات مرتبط.....	۱
اهداف.....	۲
۱-۱. کلیات.....	۳
۲-۱. ویژگی‌های معنایی و کیفی فضا.....	۶
۳-۱. وجه مادی و کمی فضا (کالبد).....	۱۲
۴-۱. واژگان مرتبط.....	۱۴
۱-۴-۱. مکان.....	۱۵
۲-۴-۱. حجم.....	۱۵
۳-۴-۱. زمان.....	۱۸
۵-۴-۱. محله.....	۲۰
۶-۴-۱. قرارگاه.....	۲۲
۷-۴-۱. قلمرو.....	۲۳
۸-۴-۱. جا.....	۲۴
۹-۴-۱. سایر واژه‌ها.....	۲۴
خلاصه.....	۲۴
خودآزمایی.....	۲۶
فصل دوم: آشنایی با موضوعاتی مربوط به زندگی جمعی و فعالیت‌های عمومی.....	۲۵
اهداف.....	۲۶
مقدمه.....	۲۹
۱-۲. رابطه جهان‌بینی، فرهنگ و تمدن.....	۳۰
۱-۱-۲. اجمالی در مورد جهان‌بینی و مراتب آن.....	۳۲
۲-۱-۲. اجمالی در مورد فرهنگ و وجوه آن.....	۳۳

۳۷ ۲-۱-۳. اجمالی در مورد تمدن و اجزاء آن
۴۰ ۲-۲. مدنیت و جامعه مدنی
۴۲ ۲-۳. شهروندی و شهر
۴۵ ۲-۴. جهانی شدن و جهانی سازی
۵۰ ۲-۵. توسعه پایدار
۵۳ ۲-۶. شهر سالم
۵۶ ۲-۷. مشارکت عمومی
۵۷ ۲-۸. سرمایه‌های اجتماعی
۶۰ خلاصه
۶۱ خودآزمایی
۵۹ فصل سوم: در چيستی فضاهای باز شهری و مصادیق آن
۶۰ اهداف
۶۴ مقدمه
۶۴ ۳-۱. طبقه‌بندی محیط مصنوع
۶۷ ۳-۲. فضاهای باز شهری و شیوه‌های طبقه‌بندی آنها
۶۹ ۳-۲-۱. فضای شهری
۷۳ ۳-۲-۲. مصادیق فضاهای شهری
۷۷ ۳-۲-۳. فضاهای عمومی
۷۹ ۳-۲-۴. فضاهای سبز
۸۱ ۳-۲-۵. فضاهای طبیعی
۸۱ ۳-۲-۶. فضاهای باز خصوصی
۸۲ ۳-۳. مقایسه فضاهای مختلف
۸۴ خلاصه
۸۴ خودآزمایی
۸۳ فصل چهارم: در اهمیت فضاهای باز شهری و عملکرد آن
۸۴ اهداف

۸۸مقدمه
۸۸۱-۴. اهمیت فضاهای باز شهری
۹۰۲-۴. عملکردهای اصلی فضاهای باز شهری
۹۱۱-۲-۴. عالی ترین عملکرد: ظهور وحدت جمعی و اجتماعی
۹۴۲-۲-۴. انواع اطلاع رسانی
۹۷۳-۲-۴. عملکرد هنری در فضاهای باز شهری
۱۰۰۴-۲-۴. رفع نیازهای انسانی
۱۰۱۵-۲-۴. پیاده محوری و پیاده مداری
۱۰۳۶-۲-۴. امکان برپایی آیین ها
۱۰۴۳-۴. مصادیق فضاهای باز شهری
۱۰۴۱-۳-۴. خیابان ها
۱۰۷۲-۳-۴. میدان ها
۱۰۸۳-۳-۴. جلوخان ها و ورودی ها
۱۰۹۴-۳-۴. میدانچه ها و مراکز محلات
۱۱۰۵-۳-۴. پارک ها
۱۱۱۶-۳-۴. محوطه های باز کاربری های عمومی
۱۱۱۷-۳-۴. باغ ها و مزارع
۱۱۳۸-۳-۴. زمین های ساخته نشده
۱۱۴۹-۳-۴. فضاهای باز خاصّ خودرو
۱۱۴۱۰-۳-۴: قبرستان ها
۱۱۵۱۱-۳-۴. آب ها
۱۱۵خلاصه
۱۱۵خودآزمایی
۱۱۳فصل پنجم: فضاهای باز شهری و تجارب شهرسازی
۱۱۴اهداف
۱۱۹مقدمه

۱۱۹ ۱-۵. تجارب تاریخی
۱۲۰ ۱-۱-۵. نمونه‌هایی از تمدن ایرانی
۱۲۳ ۲-۱-۵. نگاهی به تجارب غیرایرانی
۱۲۵ ۲-۵. تجارب معاصر
۱۲۶ ۱-۲-۵. تجربه‌های ایرانی
۱۳۷ ۲-۲-۵. نگرشی کوتاه به تجارب غیرایرانی
۱۳۹ خلاصه
۱۳۹ خودآزمایی
۱۳۷ فصل ششم: ویژگی‌های فضای شهری مطلوب
۱۳۸ اهداف
۱۴۴ مقدمه
۱۴۴ ۱-۶. مراتب ادراک انسان از فضا
۱۴۸ ۲-۶. درجه‌های ارتباط انسان با پیرامونش
۱۴۸ ۱-۲-۶. حس لامسه (بساوایی)
۱۴۹ ۲-۲-۶. حس شامه (بویایی)
۱۵۰ ۳-۲-۶. حس سامعه (شنوایی)
۱۵۱ ۴-۲-۶. حس باصره (بینایی)
۱۵۴ ۳-۶. زمینه‌ها و عوامل تحلیل و ادراک انسان از پیرامونش
۱۵۴ ۱-۳-۶. سابقه ذهنی
۱۵۴ ۲-۳-۶. تداعی معانی
۱۵۵ ۳-۳-۶. ویژگی‌های فرهنگی
۱۵۵ ۴-۳-۶. خاطره‌های جمعی
۱۵۶ ۴-۶. صفات اصلی فضای باز شهری مطلوب
۱۵۶ ۱-۴-۶. زیبایی
۱۵۷ ۲-۴-۶. جاذبه
۱۵۷ ۳-۴-۶. روزآمدی

۱۵۸ ۴-۴-۶. ایمنی و امنیت
۱۵۸ ۵-۴-۶. راحتی، آسایش و آرامش
۱۵۹ ۶-۴-۶. دسترسی آسان
۱۵۹ ۷-۴-۶. مقیاس انسانی
۱۶۰ ۸-۴-۶. هویت
۱۶۲ ۹-۴-۶. پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی جمعی
۱۶۳ ۱۰-۴-۶. تقویت حس وحدت در جامعه
۱۶۶ ۱۱-۴-۶. حضور انسان
۱۶۶ ۱۲-۴-۶. مجاورت‌های فرهنگی تفریحی
۱۶۷ ۱۳-۴-۶. دلپذیری
۱۶۷ ۱۴-۴-۶. ارتباط منطقی فضاهای شهری یک شهر
۱۶۷ ۱۵-۴-۶. پیاده‌مداری
۱۶۹ خلاصه
۱۶۹ خودآزمایی
۱۷۱ فهرست منابع و مراجع
۱۸۰ به همین قلم

فهرست جداول و نمودارها

صفحه	عنوان
۱۳.....	نمودار شماره ۱-۱: اجزاء اصلی شکل‌دهنده فضای شهری.....
۱۳.....	نمودار شماره ۲-۱: اجزاء اصلی فضای شهری و موضوعات مرتبط با هر کدام.....
۱۷.....	جدول شماره ۱-۱: مقایسهٔ اجمالی ویژگی‌های "فضا" و "مکان".....
۳۱.....	نمودار شماره ۱-۲: فرآیند عام ظهور یک تمدن از فرهنگ و جهان‌بینی خاص.....
.....	نمودار شماره ۲-۲: مثالی از فرآیند ظهور یک تمدن (در سرزمین ایران) از جهان‌بینی توحیدی و فرهنگ متکی و مبتنی بر آن.....
۳۹.....



فصل اول

در چیستی فضا و موضوعات مرتبط

اهداف

هدف از مطالعه این فصل، آشنایی با مطالب زیر می‌باشد:

۱- ویژگی‌های کیفی و کمی فضا

۲- برخی از واژگان مرتبط با فضا

۳- تمایزات اصلی فضا و مکان

۱-۱. کلیات

واژه "فضا"، از واژه‌هایی است که علاوه بر کاربردش در علم نجوم و در آنچه که به قلمرو خارج از جو زمین مربوط است، در بسیاری از علوم و زمینه‌های فعالیت‌های اجتماعی نیز واژه‌ای کاملاً متداول است. امروزه، معنای "فضا" نسبت به گذشته (از نظر فلسفی و فیزیکی) دگرگون شده، و علاوه بر آن، با رواج ترجمه‌های متون مرتبط، بار معنایی و فرهنگی این واژه^۱ نیز به فرهنگ ایرانی وارد شده است.

یکی از موضوعات مهم در ارتباط با مفهوم "فضا" این است که علاوه بر ویژگی‌های کمی، می‌توان صفات کیفی را نیز برای آن مطرح نمود. به بیان دیگر، ادراک فضا و یا مراتبی از فضا که توسط انسان ادراک می‌شود، تابع مباحث فلسفی و مأخوذ از جهان‌بینی و تفکری می‌باشد، که مفهوم و حقیقت فضا (مکان) را بیان می‌کنند.^۲ به هر حال، "فضا"ی شهری و معماری با "فضا"ی مورد نظر ریاضی‌دانان و فیلسوفان، فقط از نظر لفظ مشترک‌اند، اما از جهت ادراکی و معنوی ارتباط زیادی با یکدیگر ندارند.

آنچه که هنرمندان و معماران از لفظ و مفهوم فضا اراده می‌کنند با آنچه که منظور فیزیک‌دانان یا فیلسوفان (افلاطون تا ابن‌سینا و دکارت و انیشتین) می‌باشد و حتی با معنای‌ای که در زبان برای آن ذکر شده است، تفاوتی ماهوی دارد. البته اگر معماری و بسیاری از معماران امروز را که متمرکز بر خردگرایی^۳ و نه عقلانیت^۴، در پی

^۱ مقصود ویژگی‌های واژه space است.

^۲ قابل توجه است که در متونی که از حکمای مسلمان به‌جای‌مانده است، واژه "مکان"، شامل مفهوم "فضا" به معنای امروزی آن نیز هست؛ و به همین دلیل در مطالعه این متون، این موضوع را باید مد نظر قرار داد.

^۳ Rationalism

^۴ Intellectualism

علم^۱ و نه حکمت^۲، به دنبال تجربه^۳ و نه دانش^۴ و از آن بالاتر در جستجوی تحصیل جنبه نازلی از کمیت (درآمد) هستند در نظر بگیریم، شاید بتوان بین فضای معماری و فضای ریاضی (فضای کمی) قرابتی دید. در حالی که از نظر معماران و جوامع متکی بر تفکر دینی و مرتبط و معتقد به ماوراءالطبیعه فضا و یا مکان علاوه بر جنبه‌های کمی، واجد مختصات کیفی نیز هستند.

امروزه به تبع تفکر و فلسفه حاکم بر جوامع مدرن، به ویژه در آنچه که از سوی تأثیرگذاران و تصمیم‌سازان و القاکنندگان شیوه‌های رایج زندگی ارایه می‌شود، اگر چه در مبانی این شیوه زیست و نوع نگرش به پدیده‌ها، بارقه‌ای از واقعیات وجود دارد، اما همه حقیقت و همه آن چیزهایی نیستند که برای حیات جامع و طیب انسان کاربرد دارند. نه تنها همه لوازم و موضوعات ضروری نیستند، که فقط به جنبه خاصی از حیات انسان توجه شده است. درباره فضا هم، همین وضعیت صادق است. برای نمونه، در حالی که در تبیین مختصات فضا، بر ادراک فضا توسط حواس (بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه) تأکید می‌شود (Hall, 1966)، معمولاً ویژگی‌های کیفی (معنوی) آن مغفول می‌ماند.

در دوره معاصر حتی وقتی از فضا صحبت می‌شود، فضایی کمی و مکانیکی مد نظر است و این امری طبیعی می‌باشد، زیرا معماری و ساختمان و خانه و شهر، چیزی جز یک ماشین قلمداد نمی‌شوند. گاهی مختصات فضاهای متشکله فضای معماری را، فضای اعمال فیزیکی، فضای ادراک مستقیم، فضای هستی (تصور ثابت انسان از محیط)، فضای مجرد

1. Science
2. Wisdom
3. Experience
4. Knowledge

روابط هندسی و فضای معماری، می‌نامند (Schulz, 1971). فضا در معماری عملکردگرا^۱ عبارت از مکانی سه‌بعدی است. سه بعدی که در سه جهت ریاضی امکان امتداد دارد. با عنایت به تعریفی که از معماری ارایه می‌شود چنین برمی‌آید که می‌توان معماری را به طور عام "تعریف فضا از طریق شکل دادن به ماده در جهت فراهم آوردن امکان تأمین شرایط مطلوب برای تحصیل نیازهای انسان به منظور دستیابی وی به اهداف غایی حیاتش" دانست. این تعریفی ظاهراً خنثی است که وضوح، شفافیت، معنا و جهت‌گیری آن نیازمند مشخص شدن تعریف فضا، مراد از ماده، معرفی نیازهای انسان، و تبیین اهداف غایی حیات وی (همگی بر اساس باورها و جهان‌بینی‌اش) خواهد بود. همچنان که جمله "معماری پیش از آن که حرفی برای گفتن داشته باشد، باید فضایی برای زیستن فراهم آورد" (وینترز، ۱۳۷۹، ص ۲۷)، نیز برای وضوح نیازمند وضوح تعریف "زیستن" می‌باشد. نیازی به اثبات نیست که هر کس بنا به باورها و جهان‌بینی‌اش غایت و آرمان‌هایی برای حیات خویش قایل بوده و نیازهای انسانی‌اش را بر اساس همین غایت حیات تعریف نموده و در پاسخ‌گویی به آنها اهتمام می‌ورزد. نکات باقی‌مانده نیز عبارت از تعریف رابطه فضا با باورهای جامعه می‌باشد.

برای فضاهای موجود و قابل‌درک در محیط انسانی (و شهر)، که مدنظر این نوشتار است، ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی را می‌توان برشمرد که در دو گروه اصلی "ویژگی‌های کیفی" و "ویژگی‌های کمی" قابل طبقه‌بندی هستند. علاوه بر اینها، نکته بنیادینی در این زمینه وجود دارد، و آن نکته این است که وقتی از فضای شهری صحبت می‌کنیم موضوعاتی چون

^۱. Functionalist

زمان، انسان و فعالیت‌ها نیز در تعریف و تبیین آن ایفای نقش می‌کنند؛ که با عنایت به شرح آنها در مرجعی دیگر، از تکرار آن مباحث احتراز می‌شود (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ ب).

۱-۲. ویژگی‌های معنایی و کیفی فضا

معنادار بودن فضا و تأثیری که فضا از طریق حواس بر ذهن انسان می‌نهد، و بالنتیجه معنایی که از تماس با فضا یا قرار گرفتن انسان در فضایی به او القاء یا به ذهن او متبادر می‌شود و نهایتاً تحولات فرهنگی و رفتاری ناشی از تأثیرات فضا، موضوعاتی هستند که نه تنها از طریق استدلال منطقی تأیید می‌شوند، بلکه این فرآیندها با روش‌های تجربی نیز به اثبات رسیده‌اند. بارزترین ویژگی‌های تأثیرگذار فضا بر انسان عبارت از نمادها، نشانه‌ها، تناسبات، صدا، نور، عملکردها و منشأ آنها می‌باشند؛ که اینها، وجهی از تأثیرات فضا بر انسان بوده و اثرات ناشی از آنها را در مقولات دیگری چون هویت، تشخیص، احساس تعلق به مکان، احساس راحتی، احساس امنیت، احساس حقارت و تذکر معانی معنوی و روحانی نیز می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد.

بارزترین وجهی از فضا که می‌تواند این عوامل ظاهری و اثرات ناشی از آنها را توأمآ معرفی نماید، کیفیت فضا است. کیفیت فضا، موضوعی است که از نظر حکما و فلاسفه به جد مطرح بوده و همواره در مطالعات آنها جایگاه ویژه‌ای را دارا بوده است؛ به نحوی که تأثیرات ناشی از کیفیت فضا (مکان) به انسان، هم می‌تواند ارزش‌هایی را به او القا کند و هم قادر است وی را به ورطه انحطاط و تباهی سوق دهد. در راستای همین تفکر است که ایده کیفی بودن فضا مطرح می‌شود^۱ که یکی از وجوه بارز آن در تعریف و ایجاد فضای قدسی

^۱. برای مطالعه در مختصات کیفی محیط و مباحث مرتبط با فضا (یا مکان) قدسی، ر.ک: گنون، ۱۳۶۱ و نقی‌زاده،

تجلی می‌یابد. در واقع، فضا می‌تواند با القاء ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، جهت‌گیری فرهنگی جامعه را تعیین و هدایت نماید. فی‌المثل، فضا می‌تواند هم امکان بروز وحدت جامعه را فراهم نماید و هم این که امکان بروز آن را تقلیل داده و جامعه را به فردگرایی و تفرقه ترغیب و متمایل کند.

”فضا“، یا به عبارتی آن گونه که در کلام حکما آمده است ”مکان“، پدیده‌ای است که می‌تواند به خودی خود، بار معنایی خاصی را برای گروه‌های مختلف انسانی داشته باشد. مروری اجمالی بر ادبیات متذکر به مکان و رابطه انسان با آن این موضوع را روشن‌تر می‌نماید. مثلاً ”از نظر اخوان مکان دارای حقیقت مستقلی از این عالم نیست؛ بلکه یکی از شرایط وجود جسمانی است. مکان و آنچه در آن جای دارد خود جنبه‌ای از عالم جسمانی است. از لحاظ علم فیزیک مکان همان سطح بین دو جسم است چنان که ارسطو و حکمای مشائی اسلامی تعریف کرده‌اند، ولی از لحاظ نفس انسانی صورتی است مجرد و بسیط که از ماده انتزاع شده و در فکر و وجدان انسان موجود است“ (نصر، ۱۳۵۹، صص ۱۰۷-۱۰۶).

در تفکر بودیسم، هر یک از هنرهای سنتی، به هر شیوه‌ای که ارایه شوند، متمایل به ترکیب مکان (فضا) و زمان هستند (Burckhardt, 1967)؛ همچنان که تأسیس خانه، معبد یا شهر در یک محیط طبیعی نیز بر مبنای قواعدی است که آموزش‌های چینی ”فنگ‌شویی“^۱ آن را وضع کرده است. این هنر صورتی از جغرافیای قدسی است که بر پایه یا زمینه جهت‌یابی استوار شده و نهایت آن ایجاد دگرگونی در محیط به نحوی است که کیفیات مثبت آن متجلی شده و تأثیرات نحس ناشی از ساحت مغشوش‌هاویه‌گون طبیعت خنثی شوند (Burckhardt, 1967).

^۱. Feng-shui

در تفکر قدسی هندوان مثلاً، با تجلی و تمکن روح قدسی آدمی (روح اعظم) در مکان، شهر و به تبع آن تمدن پدید می‌آید (ریخته‌گران، ۱۳۷۸، ص ۱۰). یعنی در واقع، ظهور تمدن با تمکن روح در مکان ارتباط دارد (ر.ک: شایگان، ۱۳۷۵). نظم بخشیدن به مکان (فضا) در هندویسیسم، با ساخت معبد (به عنوان مرکز عالم) آغاز می‌شود. فرم معبد با نمایش جهات اصلی به شکل برجسته، گویای این معنی است که «اینجا» و «لان» خدا برای انسان حضور دارد (Burckhardt, 1967). در واقع، بنای معبد با شکل خاص خویش کیفیتی خاص از فضا را به نمایش می‌گذارد که به وضوح محسوس بوده و نامتجانس بودن فضا را القا می‌نماید.

مروری اجمالی بر نظرات جهان‌بینی‌ها و ادیان مختلف گویای این حقیقت است که مهم‌ترین ویژگی کیفی فضا از نظر انسان تقدس آن، بالاخص در مکان‌های عبادی و معابد بوده است. از همان زمانی که عناصر طبیعی (مثل کوه‌ها و درختان و غارها) موضوعات عبادت بودند (ر.ک: Cooper, 1978)، نظریه در مرکز جهان بودن یکی از عمیق‌ترین معانی مکان (فضای) مقدس بود (ر.ک: Eliade, 1959). جملگی تمدن‌های گذشته به نحوی به ریشه‌های موضوعات کیفی‌کننده و تقدس‌بخشنده به فضا توجه داشتند. از جمله ایده این که فضاهای مقدس، بیانی از کاینات هستند، در واقع، مهم‌ترین شاخص در معماری و شهرسازی تمدن مایا بود (ر.ک: Kubler, 1962 & Millon, 1992).^۱

در اینجا ممکن است این موضوع به ذهن خطور کند که مباحث کیفی بودن و یا تقدس مکان، به معابد و فضاهای مذهبی و عبادی تعلق داشته است. این سخن در مورد مباحث مربوط به فضای قدسی سخن درستی است، اما درباره بحث کیفیت فضا (یا قایل بودن ویژگی‌های کیفی برای فضا) مصداق ندارد. در عین حال، وقتی زندگی جوامع سنتی دینی

^۱ برای مطالعه در مفهوم تقدس و رابطه آن با فضا، ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ آ و همو، ۱۳۸۹ ب.

مطالعه می‌شود معلوم می‌گردد که تأثیر تفکرات و هنرهای قدسی و دینی بر همه زندگی آنها سایه افکنده و تفسیرشان از جهان، تفسیری مقدس بود. این سخن در این زمان نیز به گونه‌ای دیگر ظهور یافته و آن تسلط مادیت بر سراسر زندگی انسان معاصر است.

در تفکر اسلامی فضا و مکان (عالم) از آن جهت که محضر خداست تقدس می‌یابد. مضافاً این که احاطه خداوند بر موجودات عالم هستی آن را به مثابه تجلی مادی کیفیتی معنوی و روحانی مطرح می‌نماید. علاوه بر آن، جهت "قبله" به عنوان جهت مقدس برای مسلمانان مجموعه‌ای از خطوط نامریبی را به وجود می‌آورد که عامل قطبی شدن و جهت‌دار بودن فضا، و به عبارتی نوع خاصی از کیفیت برای فضا می‌شود.

وجود مکان و فضای قدسی و مبارک و بامعنا و قابل شدن ویژگی‌های معنوی برای فضا و مکان، موضوعی است که در میان جوامع سنتی و دینی و متکی بر فرهنگ معنوی و مقید به آداب و آیین‌ها به شدت رایج بوده است. در حالی که امروز این امر به غفلت سپرده شده است.^۱ اگر امروزه این وجود و یا معنا و روحانیت مکان و فضا نفی می‌شود، دلیل آن، تضعیف سیطره معنویت از کلیت حیات انسان و خلاصه شدن آن در برخی مقولات زندگی خصوصی است. دلیل آن (که حتی برای متدینین) نیز تقسیم زندگی به دو مقوله معنوی و مادی مصداق دارد، نیز انحصار و تحدید دین و معنویت در موضوعات شخصی و فردی است. در واقع، تدین شخصی و فردی جایگزین تفکر دینی شده است. و به این ترتیب، خلق فضا به ایجاد سرپناه یا مکان‌هایی برای فعالیت‌هایی خاص که کمیت تعیین‌کننده مختصات آن می‌باشد، تبدیل شده است.

^۱ در باب تقدس مکانهای مکه مکرمه، مدینه منوره و بیت‌المقدس و تمایز آنها از سایر مکان‌ها، رک: ابن‌خلدون، ۱۳۵۹، صص ۶۸۹-۷۰۶.

اگر چه از خنثی بودن مکان، و امکان مسلمان و معتقد و موحد و متدین بودن در هر مکانی بسیار گفته می‌شود. اما باید توجه داشت که در تعالیم دینی ارزش و اعتبار مکان‌ها متفاوت است. مثلاً کوه طور وادی مقدس نامیده شده (نازعات: ۱۶)؛ مکه حرم امن الهی و سرزمین مبارک مقرر گردیده (تین: ۳ و آل عمران: ۹۶)؛ بیت‌المقدس سرزمین مبارک نامیده شده (بنی اسرائیل: ۱)؛ و خانه به عنوان حرم مؤمن معرفی شده است. همه این موضوعات در عین حالی است که حتی تجربیات و خرد معاصر^۱ یا عقل جزیبی و حسابگر نیز علی‌رغم این که بر تجربه (کمیت) استوار است، بر رابطه و تأثیر کیفی متقابل انسان و محیط قایل است. اجمالاً، می‌توان گفت، در حالت نگرش مادی و کمی به فضای سه بعدی، هیچ نقطه‌ای از فضا نسبت به نقاط دیگر از نظر کیفی رجحان و برتری و تمایز ندارد، در حالی که در تفکر معنوی، نقاطی از سایر نقاط متمایز می‌شوند، و اصولاً مکان و فضا قفس روح است.

نکته دیگر این که واژه‌های "حضور" و "محضر" و "مقام" و "حرم" و "حریم" که در ادبیات عرفانی جایگاه ویژه‌ای دارند، دقیقاً از کیفیت فضا و یا فضای کیفی سخن می‌گویند (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۸). یکی از بارزترین مختصات فضای کیفی خاصیت آگاهی‌دهندگی و یادآورندگی و ضد غفلت بودن آن است. به این ترتیب، حضور، عامل آگاهی و ضد غفلت است. همین موضوع نیز می‌تواند به عنوان تأکیدی بر وجه کیفی فضا مطرح شود. همان گونه که فرموده‌اند: "عالم محضر خداست". و این سخن، به واقع، تفسیر کلام الهی است که می‌فرماید: *أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَرَى: آيا ندانست که خدا می‌بیند (علق: ۱۴)*. همین جمله والاترین و اصلی‌ترین کیفیت را به فضا بخشیده بارزترین وجه آن را از نظر تفکر دینی متذکر می‌شود. و در نتیجه، فضای زندگی نیز باید به تبعیت از ویژگی‌های فضای کیفی، نه-تنها تضعیف‌کننده فضای طبیعت نبوده و در تغییر آن از یک فضای کیفی به فضای مادی

^۱. Ratio

عمل نکنند، که از آن بالاتر کیفیت فضای طبیعی را به همراه ویژگی‌های حیات مطلوب و معقول انسان در فضا متجلی نماید.

اگر فضای طبیعی (طبیعت) فضای تذکر و فضای آیه‌ای است، اگر فضای تعادل است، اگر فضای توازن و آرامش و امن است، فضاهای انسان‌ساخت نیز بی‌شک باید مقوم این کیفیات باشند. به عبارت دیگر، فضای ساخته‌شده نیز باید همچون طبیعت باشد؛ و باید دانست که با ابزار و با فضای مادی (به تنهایی) نمی‌توان به این مهم نایل آمد. در واقع، "امروزه هرگاه از فضا صحبت می‌شود، چه فضای مستقیم فیزیک نیوتونی مطرح باشد چه فضای منحنی فیزیک نسبیت، مقصود صرفاً همان عالم زمان و مکان مادی است که با واقعیت یکی دانسته می‌شود. در غرب، دیگر تصویری از فضا و مکان "غیرمادی و غیرجسمانی" وجود ندارد و اگر سخنی نیز از چنین فضایی پیش آید آن را نتیجه توهم بشری دانسته و برای آن جنبه وجودی قایل نیستند. تصور فلسفه اروپایی از واقعیت، دیگر جایی برای فضایی واقعی لکن غیرمادی باقی نگذاشته است. ولی درست با یک چنین فضایی است که هنر تمدن‌های دینی به طور کلی، و مخصوصاً هنر ایرانی، سر و کار دارد" (نصر، ۱۳۷۹، ص ۳۲).

همان‌گونه که هر پدیده‌ای دارای معنی و کیفیاتی است، هر فضایی نیز معانی یا کیفیاتی را به انسان القا می‌کند و فراتر از آن، بسیاری از فضاها کیفیاتی را دارا هستند که این کیفیات، هم ارزش فضا را ارتقا می‌بخشند و هم این که با تأثیرگذاری بر انسان، او را به کیفیات و معانی خاص و حیاتی معنوی متذکر می‌شوند. توجه کنیم که واژه "معنی" در زبان فارسی، هم به "معنی" (به معنای اصطلاحی آن) اشاره می‌کند و هم به "معنویت" دلالت دارد. به این ترتیب، بحث معنا و معنی یک موضوع (مثل معنای یک فضا)، به ویژه

اگر "معنویت" نیز، به عنوان وجهی از "معنا" مدنظر قرار گیرد، در طیفی وسیع و تحت عناوین متنوعی قابل طرح و بررسی است.

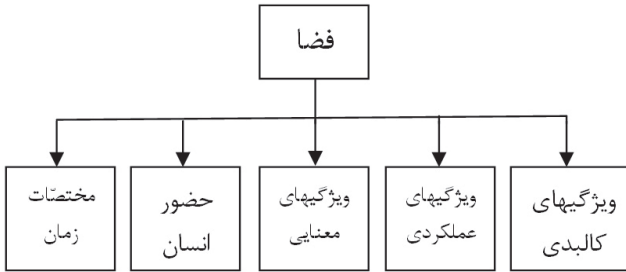
۳-۱. وجه مادی و کمی فضا (کالبد)

هر فضا (و هر پدیده محسوس)، علاوه بر معنا، متشکل از دو جزء اصلی دیگر "شکل" (هندسه یا کالبد) و "فعالیت" (یا عملکرد) می‌باشد که این دو مورد، عموماً بار فیزیکی و مادی قوی‌تری دارند. به این ترتیب، ویژگی‌های فضای باز شهری، در سه گروه اصلی قابل طبقه‌بندی هستند: "ویژگی‌های کالبدی"، "ویژگی‌های عملکردی" و "ویژگی‌های معنایی". البته در مورد "فضای شهری"، دو عنصر "انسان" و "زمان" را نیز باید به عناصر تشکیل‌دهنده و تعریف‌کننده فضا اضافه کرد. عناصر و اجزاء پدیدآورنده و شکل‌دهنده فضای شهری در نمودار ۱ نشان داده شده‌اند؛ که با عنایت به توضیح مفصل آنها در مرجعی دیگر، از توضیح مجدد آنها احتراز می‌شود (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ ب).

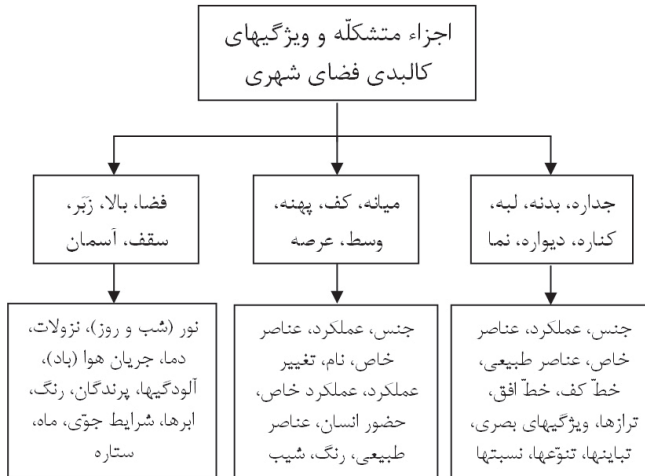
اصلی‌ترین ویژگی‌های ظاهری هر فضا که عموماً می‌توانند مستقل از فرهنگ و محیط،^۱ به عنوان ویژگی‌های فضای باز شهری معرفی شوند، ویژگی‌های کالبدی هستند. هر فضا (که فضای باز شهری نیز نوعی از آن است) از نظر کالبدی و هندسی به سطوحی محدود می‌شود که این سطوح در نمودار شماره ۱-۲ معرفی شده‌اند.^۲

^۱. بدیهی است که منظور ما، استقلال محتوایی نیست، بلکه مقصود استقلال رسمی است.

^۲. برای مطالعه در جزئیات این سطوح و سایر موارد مربوط به توصیف و تعریف فضا، ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ ب.



نمودار شماره ۱-۱: اجزاء اصلی شکل‌دهنده فضای شهری



نمودار شماره ۱-۲: اجزاء اصلی فضای شهری و موضوعات مرتبط با هر کدام

توجه کنیم که علاوه بر عناصر دائمی فضا، که عمدتاً عناصر معماری هستند و "سخت-فضا" نیز نامیده می‌شوند، عناصر تغییر یابنده‌ای نیز در یک فضا وجود دارند که در دو گروه طبیعی و مصنوع قابل دسته‌بندی می‌باشند، و به تعبیری "نرم‌فضا" نیز نامیده می‌شوند. عناصر غیر ثابت و تغییر یابنده طبیعی، عمدتاً شامل آن دسته عناصر طبیعی می‌شوند که به صورت ادواری (روزانه، ماهیانه، فصلی یا سالیانه) تغییر می‌یابند. این تغییرات در شکل، در

عناصر، در رنگ و در اندازه آنها رخ می‌دهد و به تبع آن، مناظری که در مقابل ناظر قرار می‌گیرند متفاوت خواهند بود. برخی از جلوه‌های این تغییرات عبارتند از: شدت نور (روشنایی و تاریکی)، رنگ گیاهان، اندازه گیاهان و شکل گیاهان، میزان رطوبت، دما، بارندگی، جریان هوا و امثالهم.

عناصر متغیر دیگر، عناصر مصنوعی یا الحاقات هستند؛ که اینها نیز بنا به تصمیمات (عموماً) مقطعی (و تحت تأثیر عوامل عدیده‌ای همچون مدها و مصرف کالاها و خدمات) توسط مدیران شهر و شهروندان پدید می‌آیند، تغییر می‌کنند و حذف می‌شوند. اهم این عناصر عبارتند از: تابلوهای مغازه‌ها، تابلوهای تبلیغاتی، بیل بوردها، پل‌های عابر پیاده، نرده‌های جداکننده، موانع موقت و امثالهم. بیل بوردها و تابلوهای تبلیغاتی از دو جهت تغییر می‌کنند، یکی از نظر سازه و شکل عمومی‌شان که ثبات بیشتری دارند؛ و دیگری از نظر ویژگی‌های گرافیکی و موضوعی که آن را نمایش می‌دهند. موضوعات روی تابلوها، که از نظر رنگ و شکل و پیام دارای تنوع فراوانی هستند، طی مدت کوتاهی تغییر می‌کنند و به تبع این تغییر، فضا یا به عبارتی ادراک انسان از فضا، نیز تغییر می‌نماید. موانع موقت نیز که به دلایل مختلفی از جمله انجام انواع تعمیرات و هدایت‌های ترافیکی در فضاهای شهری به کار گرفته می‌شوند، جزء عوامل متغیری هستند که هر از گاهی در فضاهای شهری ظاهر می‌شوند.

۱-۴. واژگان مرتبط

مفاهیم و تعابیر متعددی هستند که با واژه "فضا" مرتبط می‌باشند. برخی از آنها جلوه‌ها یا جزیی از فضا هستند؛ بعضی دیگر به نحوی در تعریف فضا ایفای نقش می‌کنند؛ برخی نیز گاهی به عنوان مترادف آن کاربرد دارند و گروهی دیگر، ضمن در بر داشتن مفهوم فضا، به

بعضی از عوامل شکل دهنده آن اشاره دارند. علی‌رغم این تنوع، در این مجال، فقط به برخی از این واژه‌ها اشاره می‌شود.

۱-۴-۱. مکان

در مورد مکان که در گذشته از سوی حکمای مسلمان، به آن "چیز"ی نیز اطلاق می‌شد، که امروزه به آن "فضا" می‌گویند، مواردی قابل ذکر است، تا برخی از وجوه تمایز آنها را در دوران حاضر تعریف، (یا به عبارت بهتر: قرارداد) کنیم. در مقایسه فضا و مکان و ارتباط و تشابه و تمایزات آنها موضوعات عدیده‌ای قابل طرح هستند، که با عنایت به توضیح مشروح آنها در جای دیگر، ضمن احاطه مطالعه آن مرجع، به درج جدول خلاصه آن مباحث (جدول شماره ۱-۱) بسنده می‌شود. علاوه بر اینها، موضوعاتی چون "روح مکان"، "حس مکان"، "تعلق به مکان" و "مکان و زمان" نیز موضوعاتی قابل مطالعه‌اند، که توجهی در خور را طلب می‌کنند؛ و در همان مرجع توضیح شده‌اند (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ب و همو، ۱۳۸۶).

۱-۴-۲. حجم

خلط معنا و مفهوم فضا با مفهوم حجم زمینه‌ای است که نزد بسیاری افراد محتمل است. برخی اصولاً حجم یک عنصر معماری را بر فضایی که در درون و به خصوص در بیرون خویش (به همراه سایر عناصر) خلق می‌نماید، به عنوان شاخص اصلی مد نظر قرار می‌دهند. این تفکر، در واقع، معماری را به مثابه مجسمه و تندیس منتهز از سایر عناصر شهری و در فضای بی‌کرانی که در آن اجزا دیگر نیستند تلقی می‌نماید و میل دارد که این تندیس برای ناظر خوشایند باشد. در حالی که در رابطه با یک عمارت، مسایل بسیار دیگری از جمله

تحوّلی که در فضای اطراف ایجاد می‌کند، میزان هماهنگی‌اش با سایر عناصر، معانی و ارزشهایی را که از طریق رنگ و شکل و ابعاد و تناسبات و حتی عملکرد خویش به ناظر القا می‌کند، هویتی که برای ساکنین و محلّ خویش به همراه می‌آورد، و به طور اجمال، تأثیرات کیفی باید مدّ نظر قرار گیرند.

جدول شماره ۱-۱: مقایسهٔ اجمالی ویژگی‌های "فضا" و "مکان"

اصلي‌ترين ويژگيهاي "مکان"	اصلي‌ترين ويژگيهاي "فضا"
"مکان" تجلی عینی آن دسته از ارزشها و فعالیتهای انسانی است که انسان خود در تعریف ویژگیهای آنها دخیل باشد.	تجلی ذهنی اتفاقات عام یا انتظار القائات در یک مقطع زمانی، مثل صفات امنیتی، ترسناکی، شادی-بخشی یا اضطراب می‌باشد.
تحوّلات "مکان" به تغییر نگرش انسان به ارزشها بستگی دارد.	تحوّلات "فضا"، به تغییر عملکردهای گروهیهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی مربوط است.
"مکان" تعلقاتی را در انسان پدید می‌آورد.	"فضا"، موضوعاتی را به ذهن متبادر می‌کند.
"مکان" جزئی تعریف‌شده و محدود از فضا است.	"فضا" دربردارندهٔ مکانهای متنوعی، هم برای یک نفر، و هم برای افراد مختلف یک جماعت است.
روابط عناصر و اجزاء و ویژگیهای "مکان" محدودتر و عینی‌تر هستند.	روابط عناصر و اجزاء و ویژگیهای "فضا"، عام‌تر، گسترده‌تر و ذهنی‌تر هستند.
حدّ (یا حدود) یک "مکان" مشخص است؛ هم-پوشانی مکانها (از نظر یک نفر) حدّ اقل است؛ و حدود مکانها تعریف‌شده هستند.	حدود یک "فضا" هاله‌ای است که به مرور به حدود فضاهای مجاور متصل می‌شود و در نتیجه فضاهای مجاور هم‌پوشانیهایی با یکدیگر دارند.
عوامل انسانی در شکل‌گیری یک "مکان" نقش اصلی را ایفا می‌کنند؛ و در نتیجه، "مکان" (به دلیل تعلق آن به فرد یا گروهی خاص)، ماهیتی عینی و مشخص دارد.	در شکل‌گیری "فضا"، عوامل ذهنی مثل عوامل عملی، طبیعی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حالات روحی و ادراکی انسان (مثل غفلت و آگاهی و آرامش) نقش مؤثری ایفا می‌کنند.
دگرگونی و تحوّل در ارزشهای فرهنگی و رفتاری جامعه ابتدا "مکان" و سپس "فضا" را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	تحوّلات فضایی عموماً ناشی از تحوّل فرهنگی و رفتاری و ارزشی جامعه است که به تحوّل مفهوم مکان منجر شده‌اند.
ساختار "مکان" عینی، کالبدی و محسوس است. عوامل هویتی "مکان" عمدتاً عوامل کالبدی و محسوس هستند.	ساختار "فضا"، ذهنی، معنایی (معنوی) و ادراکی است. عوامل هویتی "فضا" عموماً عوامل ذهنی و معنایی هستند.
تاریخ "مکان"، خاص و برای عموم به صورت جزئی مطرح است.	"فضا" واجد تاریخی است که به صورت کلی شناخته می‌شود.
"مکان"، عالمی عینی است که از جهت معنوی به مقدّس و نامقدّس (یا خنثی) تقسیم می‌شود. از نظر ادراک و تصوّر، سطح یا مجموعه‌ای از سطوح (عموماً مسطح و امکاناً منحنی) مبتنی "مکان" هستند.	"فضا" عالمی ذهنی است که از جهت معنوی به روحانی، شیطانی یا خنثی قابل تقسیم‌بندی است. از نظر هندسی (یا تصوّر و ادراک ذهنی)، "فضا" منحنی است؛ که هالهٔ حریم پیرامونی آن به مرور رقیق می‌شود تا به فضای بعدی برسد.
"مکان"، عموماً جایی است که اشیاء و پدیده‌ها در آن جای گرفته و مستقر شده‌اند.	"فضا" محدودهٔ حرکت خیال است و زمینه‌ساز حضور یا عدم اشیاء، پدیده‌ها و مقابله در آن می‌شود.
"مکان"، عمدتاً خاص معماری و شهر است.	"فضا"، در بسیاری از علوم و هنرها همچون نجوم و فیزیک و شعر و قصّه و معماری کاربرد دارد.

مأخذ: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ ب

مضافاً این که یک حجم، بسته به موقعیت ناظر، فضاهای بسیار متفاوت و متنوعی را به نمایش می‌گذارد و این (همسان‌پنداری فضا و حجم) مشکلی است که تا حدّ زیادی در میان معماران و حتی محیط‌های آموزشی رایج است. در واقع، در این مباحث از حجم و اهمّیت و

تصور آن صحبت می‌شود، از لزوم طراحی حجم ساختمان قبل از توجه به بسیاری از موضوعات مرتبط با درون ساختمان که در ارتباط مستقیم با انسان است سخن به میان می‌آید، بدون آن که معنایی از عناصر و اشکال و احجام مد نظر باشد. فقط خوشایند یا بی-سابقه بودن و یگانه بودن و گاهی تقلید از نمونه‌ای که برتر قلمداد می‌شود، و حتی درآمدی که در نهایت کسب می‌شود، ملاک انتخاب احجام و اشکال و اجزاء و عناصر معماری هستند. تمرکز بر حجم و غفلت از فضا، علی‌رغم آن که در بسیاری از جملات معماران از واژه "فضا" استفاده می‌شود، معضلی است که شاید یکی از ریشه‌های آن فرهنگی باشد.

خلاصه این که باید توجه داشت که حجم‌ها (به عنوان یکی از عوامل تعریف‌کننده ویژگی‌های کمی فضا) در کناره (جداره) یا میانه فضا ظاهر می‌شوند. احجام، در عین ایفای نقش در تعریف فضا، خود فضا نیستند. آنچه که انجام می‌دهند، تأثیرگذاری بر سایر حجم‌ها و تأثیر بر تعریف فضا است. بنابراین، باید مراقبت کرد، تا مجموعه حجم‌هایی که یک فضا را تعریف می‌کنند، به وحدت و تعادل و هماهنگی و توازن فضا بینجامند و نه این که عامل تفرق و ناهماهنگی باشند.

۱-۴-۳. زمان

اگر چه از قدیم‌الایام، نقش زمان در ظهور و دوام و تعریف هویت فضا (و به ویژه فضای شهری یا جمعی) نقشی شایان توجه بوده است، اما با ظهور آراء جدیدی که اصولاً فضا را مستقل از زمان قابل‌ظهور ندانسته و عموماً از تعبیر "فضا- زمان" استفاده می‌کنند، این نقش اهمیت بیشتری یافته؛ و برای دست‌اندرکاران ملموس‌تر و توجه به آن جدی‌تری شده است. بدون دخول در مباحث فلسفی و فیزیکی مربوط به فضا و زمان که هر کدام بحث‌های مستقل و مستوفایی را طلب می‌کنند، در این فرصت بر ساده‌ترین ویژگی‌های زمان که بر

تحوّلات و دگرگونی و تعریف و هویت و عملکرد فضای شهری تأثیر دارند، اشاره خواهد شد. یکی از اصلی‌ترین تأثیرات ناشی از ویژگی‌های زمان بر فضای شهری، تأثیر شب و روز است که با تواتر زیاد به دنبال هم می‌آیند. این آمد و شد، بر فعالیت‌ها (و تعطیلی‌ها)، بر جمعیت حاضر در فضا، بر صورت ادراکی و تشخیص ویژگی‌های فضا از قبیل رنگ و بافت و مصالح در ذهن مردم، بر تمایز فعالیت‌های روزانه و شبانه، بر نوع نورپردازی و هویت‌های متفاوت و شبانه فضا و بر سایر ویژگی‌های آن، با شدت و ضعف متفاوت تأثیرگذار هستند. در این زمینه، قابل ذکر است که طراحان و مدیران باید به گونه‌ای عمل کنند که اگر تمهیدات و عناصری را برای ارتقای کیفیت یک فضا برای زمانی خاص (مثلاً شب) در نظر می‌گیرند، این تمهیدات و عناصر به گونه‌ای نباشند که در طول روز از کیفیت و ارزش و زیبایی فضا بکاهند؛ مثلاً پایه چراغ‌ها و نورافکن‌ها به گونه‌ای نباشند که در روز به عنوان زشت‌کننده فضا عمل کنند؛ مثل آنچه که با نورپردازی‌های شلنگی یا پایه‌های زشت فلزی چراغ‌ها در بسیاری فضاهای شهری رایج شده است.

عوامل دیگری که با تغییر زمان بر کیفیت فضا تأثیرگذار هستند، عوامل و اتفاقات جوی ناشی از تغییرات فصول هستند که می‌توان آنها را در بارندگی‌ها، مه‌گرفتگی‌ها، بادهای، گرد و غبارها و شدت و زاویه تابش نور جستجو نمود. هر یک از این عوامل که به هر حال، حاصل تحوّلات و تغییرات زمان هستند، بر دگرگونی فضای شهری و به تبع آن، بر رفتار مردمان و ظهور سیما و چهره‌ای جدید برای شهر تأثیرگذار می‌باشند.

گذشته از همه تغییراتی که به دنبال تغییرات ادواری زمان (روز و ماه و فصل و سال) در فضا ظاهر می‌شوند، گذر زمان و تاریخ نیز به لحاظ تغییرات در فن‌آوری، افول و ظهور

سبک‌ها و مدها، ابداعات فنی، تعاملات فرهنگی، شیوه زیست و امثالهم، بر ظهور فضای جدید و تحولات آن تأثیرگذار هستند.

تأثیر زمان در شکل‌گیری، تکامل، تعریف، هویت بخشیدن و معروفیت فضا از اهمیت شایان توجهی برخوردار است و این یکی از دلایل اصلی جذابیت و هویت و زیبایی فضاهای شهرهای تاریخی و فضاهایی است که از زمان‌های دور ایجاد شده‌اند. در واقع، تأثیر، یا به عبارتی، گذر زمان یکی از ادله احراز هویت و زیبایی فضاهای شهری از نظر مردم است. اجمالاً رابطه فضا با زمان را (که مورد تأکید افراد بسیاری بدون آن که ماهیت آن را توضیح دهند می‌باشد) در مقولات زیر می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یک راه آن است که “زمان” را مترادف با دوران و عصر تلقی نماییم.

یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که همواره به همراه واژه فضا ذکر می‌شود و ویژگی‌های روانی و ادراکی فضا را به ناظر القا می‌کند، ذهنیات، ادراکات ذهنی، فعالیت‌ها یا تبعات برخی شیوه‌های زیست و فعالیت است که به “فضا” اضافه می‌شود، و آن را تعریف می‌کند. بارزترین مصادیق این موضوع، فضای “امن”، فضای “نامن”، فضای “دوستی”، فضای “رعب-انگیز”، فضای “انسانی”، فضای “ریا”، فضای “آموزش”، فضای “پلیسی”، فضای “مقدس” و... می‌باشد که ممکن است بر برخی فضاها، محلات و حتی شهرهایی خاص اطلاق شود، و به عنوان اصلی‌ترین عامل هویت ذهنی آنها ایفای نقش کند. توضیح این نکته نیز لازم است که برخی از این ویژگی‌ها نتیجه مشاهدات و وجود برخی اشکال و اجزاء در فضاست (مثل ابزاری که به آموزشی بودن یا تجاری بودن فضا) اشاره دارند. اما برخی دیگر نتیجه احساس یا تداعی معانی یا حاصل دریافت اطلاعات و شنیده‌ها هستند.

محلّه یکی از واژه‌هایی است که ذکر آن به ویژه در مشرق زمین و بالاخص به دلیل برخی از عوامل پدیدآورنده آن (از قبیل دین، قومیت، شغل و امثالهم)، "فضا" و محدوده‌ای با ویژگی‌های خاص و حتی عناصر مخصوص و ویژه را به ذهن متبادر می‌کند. اندیشه و بحث در مورد واژه و مفهوم محلّه در طیف گسترده‌ای قابل طرح است که محدوده‌های این طیف را فرهنگ و باورهای جامعه، موقعیت جغرافیایی، زمان و شیوه زیست و رابطه مردمان با یکدیگر تعریف و تعیین و تحدید کرده و ویژگی‌های آن را تبیین می‌کنند. محلّه در اصطلاح و به خصوص در ادبیات شهرسازی طیف وسیعی از تعابیر و مفاهیم را در خویش مستتر داشته یا به ذهن متبادر می‌نماید. علی‌رغم این، هر کسی، با هر فرهنگ، در هر محدوده جغرافیایی و در هر زمانی، در مورد محلّه و مفهوم آن بررسی و اظهار نظر کند، ناچار به پذیرش فرضیاتی است که بدیهی‌ترین آنها اطلاق مفهوم مکان به "محلّه" است. به این ترتیب معلوم می‌شود که محلّه جلوه و مفهومی از مکان است. این مکان متشکل از فضاهایی برای انجام فعالیت‌های انسانی است که در آن محلّه زندگی می‌کنند یا برای انجام امری یا دریافت خدماتی به آن مراجعه می‌نمایند. سایر عوامل (انسان، فرهنگ، زمان، تاریخ و محیط) بقیّه ویژگی‌های محلّه را تعیین می‌کنند.

در ابتدای کار باید این موضوع روشن شود که کدام مفهوم (از محلّه) معیار اصلی مطالعه است؟ آیا مفهوم محلّه مطابق آنچه که در شهرهای تاریخی ایران مصداق داشته‌اند مدّ نظر است؟ آیا منظور الگوبرداری و تکرار آن چیزی است که در غرب معرفی می‌شود؟ آیا تداوم روند فعلی مدّ نظر است؟ یا این که بهره‌گیری از تجارب و اندوخته‌ها و سوابق تاریخی فرهنگ ملی (و البته روزآمد نمودن آن به همراه بهره‌گیری از تجارب دیگران) در دستور کار قرار دارد؟ در جهت یافتن پاسخ مناسبی برای این سؤالات و به منظور انتخاب راه صحیح و

همین طور برای وضوح بحث، باید سعی بر آن قرار گیرد تا مبانی فرهنگی و تجلیات کالبدی مفهوم محله و ویژگی‌های هویتی آن به همراه اشکالات احتمالی این تعبیر در تمدن و فرهنگ ایرانی معرفی و شناسایی شوند. تحصیل این موضوع یعنی دریافت صحیحی از مفهوم محله و هویت و ویژگی‌های آن در فرهنگ ایرانی، متضمن فوایدی است که اهم آنها عبارتند از: اتکای به خود (خودباوری)، در دست بودن معیار ارزیابی الگوهای وارداتی، انتخاب آگاهانه مسیر آینده و نهایتاً رستن از احساس حقارت در مقابل بیگانه و پیشگیری از ابتلا به از خود بیگانگی.^۱

۱-۴-۶. قرارگاه

”قرارگاه رفتاری“^۲ تعبیری است که در روانشناسی اکولوژیک به عنوان معادل ”فضای فعالیت“ مورد استفاده قرار گرفته است (لنگ، ۱۳۸۳). به این ترتیب، فضاهایی را که فعالیت‌ها یا رفتارهای خاصی در آنها به وقوع می‌پیوندد قرارگاه رفتاری می‌نامند، که طبیعتاً برای این محدوده، حدی در نظر گرفته می‌شود. این حد در طیف وسیعی از ساختمان، یک فضا، دیوار، پرچین، نرده و حتی خط قابل تقسیم‌بندی است. حریم‌های قرارگاه‌ها را می‌توان محدوده‌ای دانست که نفوذ صدا و دید و بو از قرارگاه‌های دیگر در آن به صفر می‌رسد.

توجه کنیم که در فضاهای شهری و به ویژه فضاهای چندمنظوره یا فضاهایی که فعالیت‌های مختلفی در آنها انجام می‌شود، اگر حدود و حرایم به نحو مناسبی رعایت نشوند، تراحم و مزاحمت‌هایی برای مردمان ایجاد می‌شود؛ مثل سروصدا، آلودگی، تداخل مراجعین

^۱. برای مطالعه بیشتر در باره موضوعات مربوط به محله، ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۷.

^۲. Behavior setting

و امثال اینها. در عین حال، بسیاری از مکان‌ها (فضاها یا قرارگاه‌های)، رفتارهای متنوع و متفاوتی را سبب می‌شوند یا در خویش جای می‌دهند. اصلی‌ترین عوامل مؤثر در تعریف و ظهور مختصات قرارگاه‌های رفتاری در فضاها شهری در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف عبارتند از: مرتبهٔ عمومیت یا خصوصیت مکان، فضاها مشرف یا مرتبط با قرارگاه مورد نظر، جنسیت استفاده‌کنندگان از مکان، زمان استفاده از مکان، تنوع عملکردهای جاری در مکان، تواتر عملکردهای جاری در مکان، ویژگی‌های کالبدی (کف، دیوار، سقف) و شرایط اقلیمی حاکم بر مکان، تداخل عملکردها، تداخل قرارگاه‌ها، نظام سلسله‌مراتبی، تمایلات مردم برای حضور در قرارگاه‌های خاص، ساختارهای اجتماعی، میزان علاقهٔ مردم به تماس با دیگران، اخلاق حاکم بر جامعه (آداب معاشرت)، شیوهٔ زیست و مبانی فکری و فرهنگی.

۱-۴-۷. قلمرو

واژهٔ قلمرو که مفهوم حدّ و مرز را برای فضا یا مکان در خویش مستتر دارد بنا به موضوعات مختلفی مصداق می‌یابد. اصلی‌ترین طبقه‌بندی قلمرو به گروه استفاده‌کننده از قلمرو یا گروه مجاز به ورود در آن ظاهر می‌شود؛ که از آن به طور کلی با عنوان قلمرو عمومی و قلمرو خصوصی، و به عبارت بهتر با عناوینی چون قلمروهای عمومی، خصوصی، نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی قابل شناسایی است. طبیعی است که اگر این قلمروها را در رابطه با خانواده مطرح کنیم، قلمرو خصوصی و حتی نیمه‌خصوصی از حوزهٔ مطالعات شهری خارج می‌شود. نوع دیگر از تقسیم‌بندی قلمرو، به نوع عملکرد و فعالیت‌هایی که در آن انجام می‌شود بستگی دارد، مثل قلمروهای حرکتی، تجاری آموزشی و امثالهم. طبقه‌بندی دیگری قلمرو را مستقیماً به استفاده‌کننده منتسب می‌کند؛ مثل قلمرو اتومبیل، پیاده، دانش‌آموز و از این

قبیل. به هر حال، مفهوم قلمرو که در فضاهای باز شهری مصداق دارد متعلق به گروه‌های خاص، عامه مردم، برای فعالیت‌های خاص و نوع استفاده‌کننده می‌باشد. ملحوظ داشتن قلمرو، رعایت اصولی را ضروری می‌گرداند که اهم آنها عبارتند از: سلسله‌مراتب، رعایت حریم‌ها، تجانس و هماهنگی فضاهای مجاور، توجه به حدود و مرزها و سایر موضوعاتی که این اصول را بارز و متجلی می‌سازند.

۱-۴-۸. جا

واژه “جا”، در واقع، هم‌معنای “مکان” است، که اصولاً توجه به شی‌ای که در آن قرار گرفته است نیز اشاره می‌کند. به بیان دیگر، ذکر “جا”، وجود شی‌ای نیز که در آن قرار گرفته است را در خویش مستتر دارد؛ و می‌توان گفت که برای هر شی‌ای “جا”یی قابل‌تصور است.

۱-۴-۹. سایر واژه‌ها

سایر واژه‌هایی که با مفهوم و واژه “فضا” مرتبط می‌باشند، واژه‌هایی چون “منظر” و “محیط” هستند که با توجه به توضیح آنها در مراجعی دیگر، با احاطه مطالعه موضوع در آن مراجع، از تکرار آنها احتراز می‌شود (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ ب و همو، ۱۳۸۶).

خلاصه

در این فصل به برخی از مباحث بنیادین در مورد فضا (به طور عام) و معرفی ویژگی‌های کیفی و کمی آن و همین‌طور به مقایسه مصادیق آن در علوم مختلف اشاره می‌شود. علاوه بر آن، از آنجایی که برای هر واژه (و از جمله برای فضا) می‌توان واژه‌هایی را سراغ گرفت که ضمن ارتباط با آن واژه در وصف آن نیز مؤثر هستند؛ گاهی به جای آن استفاده می‌شوند؛

گاهی جزیی از آن هستند و گاهی در بردارنده آن می‌باشند، در این فصل به واژه‌های مرتبط با "فضا" نیز اشاره خواهد شد و تمایزات آن با "مکان" به عنوان نزدیک‌ترین واژه به "فضا" معرفی می‌شوند.

خودآزمایی

- ۱- در تبیین ویژگی‌های کمی "فضا" توجه به چه موضوعاتی ضرورت دارد؟
- ۲- در توضیح ویژگی‌های کیفی "فضا" چه مباحثی حایز اهمیت بیشتری هستند؟
- ۳- اصلی‌ترین تمایزات "فضا" و "مکان" کدامند؟
- ۴- نقش حجم در تعریف "فضا" چیست؟
- ۵- اصلی‌ترین اجزاء تشکیل‌دهنده فضای شهری کدامند؟
- ۶- چه واژه‌هایی را می‌شناسید که به کیفیت "فضا" اشاره دارند؟
- ۷- واژه‌های مرتبط (یا مترادف) با مفهوم "فضا" کدامند؟ توضیح دهید.
- ۸- برای ارائه تعریفی ایرانی از محلّه چه شیوه‌ای را پیشنهاد می‌کنید؟ و از چه مراجعی استفاده می‌نمایید؟
- ۹- وجوه تمایز و تشابه قلمرو و قرارگاه و عوامل تعریف‌کننده آنها کدامند؟



فصل دوم

آشنایی با موضوعات مربوط به زندگی
جمعی و فعالیت‌های عمومی

اهداف

هدف از مطالعه این فصل، آشنایی با مطالب زیر می‌باشد:

- ۱- رابطه جهان‌بینی، فرهنگ و تمدن
- ۲- مدنیت و جامعه مدنی و رابطه آنها با شهر و زندگی جمعی
- ۳- برخی از تعبیر معاصر از قبیل "شهر سالم" و "توسعه پایدار"
- ۴- اهمیت مشارکت عمومی در شکل‌گیری فضای شهر
- ۵- بحث جهانی شدن و تعبیر مشابه آن
- ۶- سرمایه‌های اجتماعی

مقدمه

در کنار آشنایی با موضوعاتی که به طور مستقیم به فضاهای باز شهری (به عنوان فضای فعالیت‌ها و زندگی عمومی در جمع) می‌پردازند و علاوه بر مباحث عام و واضح و کاملاً مرتبط و مستقیم، مباحث بنیادینی نیز وجود دارند که عنوان موضوعات یا “مباحث روز” برای آنها انتخاب شده است. این مباحث، که به هر حال، در عالم و در میان ملل و دانشگاهیان و مدیران و آحاد جامعه مطرحند و هر کدام اهمیت و جایگاه خود را دارند، نیازمند شناسایی و تدقیق و بومی‌سازی هستند که در این مجال، به برخی از آنها اشاره می‌شود. اهمّ این مباحث که در دو محدوده “مباحث نظری” و “موضوعات روز” قابل طبقه‌بندی هستند عبارتند از:

- رابطه جهان‌بینی، فرهنگ و تمدن^۱
- مدنیت و جامعه مدنی
- شهروندی و شهر
- جهانی شدن
- توسعه پایدار
- شهر سالم
- مشارکت عمومی
- سرمایه‌های اجتماعی

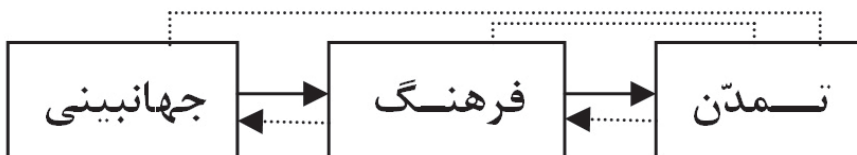
چهار مورد اول، عموماً مباحث نظری و چهار مورد بعدی عمدتاً مباحث روز هستند.

^۱. تبیین این رابطه از آن جهت اهمیت دارد که “شهر” و “فضای شهری” یکی از اصلی‌ترین ارکان و جلوه‌های تمدن هستند.

هنجارهایی رخ می‌نمایند که آن فضا را “فرهنگ” می‌نامیم. به بیان دیگر، فضایی که همه فعالیت‌ها و اعمال انسان‌ها، با اتکا به فضای اندیشه یا جهان‌بینی‌شان در آن فضا رخ می‌دهند، “فضای فرهنگی” است. طبیعی است که یک جهان‌بینی واحد، در جوامع و مکان‌ها و زمان‌های مختلف، ظهور جلوه‌های فرهنگی متنوعی را سبب خواهد شد.

• پس از اندیشه و اجرای عمل، آثاری پدید می‌آیند، که مجموعه این آثار را که به جهان‌بینی و فرهنگ متأثر از آن منسوب هستند، “تمدن” می‌نامیم؛ تمدنی که خود و همه اجزایش، و از جمله شهرهایش منتسب به آن جهان‌بینی و فرهنگ است. توجه کنیم که اگر آثار، اصالت داشته باشند، حاصل کار، تمدنی اصیل و به عبارتی، به صورت واقعی نیز تمدن خواهد بود و اگر “آثار”، آثاری تقلیدی باشند، حاصل کار نیز تمدنی اصیل نبوده و به عبارت بهتر، اصلاً تمدن نیست. همان‌گونه که یک جهان‌بینی واحد موجد و پدیدآورنده جلوه‌های فرهنگی متنوعی است، فرهنگ نیز با توجه به علوم و فنون و هنرها و امکانات رایج و در دسترس جلوه‌های تمدنی متفاوتی خواهد داشت.

نمودار ۱-۲، خلاصه فرآیند فوق‌الاشاره را نمایش می‌دهد. با این توضیح که بین این سه موضوع، رابطه معکوس ضعیفی نیز برقرار است؛ به این معنا که “آثار انسانی” (یا تمدن)، جلوه‌ها و تبعات “فرهنگی” داشته، یا بر فرهنگ تأثیر دارند، و تغییر فرهنگ‌ها نیز بر “جهان‌بینی”ها (تقویت، تضعیف یا استحاله آنها) مؤثرند. اینک به اجمال جهان‌بینی، فرهنگ و تمدن معرفی و تعاریف مورد نظر از آنها ارایه می‌شود.



نمودار شماره ۱-۲: فرآیند عام ظهور یک تمدن از فرهنگ و جهان‌بینی خاص

۲-۱-۱. اجمالی در مورد جهان‌بینی و مراتب آن

جهان‌بینی حاکم بر انسان، بنیادی‌ترین موضوعی است که فضای تفکر و اندیشه و بنیاد فرهنگ و جهت‌گیری‌های اعمال انسان‌ها و جوامع را شکل می‌دهد و در آن نحوه نگرش به موضوعات اساسی و مهمی همچون انسان، هستی، غایت هستی، حیات و مراتب آن، غایت و آرمان‌ها و اهداف انسان، روابط اجزاء عالم وجود و سایر مفاهیم بنیادین تبیین شده‌اند و به عنوان پایه اصول و ارزش‌ها و آرمان‌ها و سیاست‌ها و برنامه‌های متّخذه برای وصول به آنها ایفای نقش می‌کند. در جهان‌بینی مورد باور انسان، پاسخ به سؤالات اصلی حیات، از قبیل: از کجا آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟ و چگونه باید این مسیر را طی کنم؟ ارتباط من با هستی و اجزاء آن چگونه تعریف می‌شود؟ و جایگاه من در هستی چیست؟ تعریف شده‌اند. به این ترتیب، هر جهان‌بینی، فضای تفکر پیروان خویش است؛ و به عبارت دیگر، هر انسانی بر پایه اصول مأخوذ از جهان‌بینی خویش، در زندگی مشی می‌کند. تبیین رابطه جهان‌بینی و شهر و شناسایی نقش جهان‌بینی در جهت‌دهی شهرسازان و مدیران شهر و شکل‌گیری سؤالات آنان و هدایت علم و همچنین آگاهی به تفاوت‌های هر یک از شاخه‌های علوم در جهان‌بینی‌های گوناگون بحث بنیادینی است که تجزیه و تحلیل آن، گام اول شناخت مباحث مرتبط با هر تحقیقی است.^۱

۱. برای مطالعه نقش جهان‌بینی در تنظیم و جهت‌دهی سؤالات انسان‌ها و از جمله دانشمندان، ر.ک: گلشنی، ۱۳۷۷؛ حکیمی، ۱۳۵۷؛ نصر، ۱۳۵۹؛ همو، ۱۳۵۹؛ همو، ۱۳۶۱ و نقی‌زاده، ۱۳۸۶.آ.

۲-۱-۲. اجمالی در مورد فرهنگ و وجوه آن

تمرکز و تأکید بر (یافتن و یا حداقل فرض) مفهومی مورد توافق برای فرهنگ به آن دلیل است که تقریباً عملی از فرد یا جامعه را نمی‌توان یافت که متأثر از فرهنگ نبوده و بر فرهنگ اثر نگذارد. هر جامعه و مکتبی برای فرهنگ تعریفی ارائه می‌کند که تعداد این تعاریف را بالغ بر ۱۶۴ ذکر کرده‌اند (جعفری، ۱۳۷۳)؛ و مرور اجمالی بر آنها نشان از ریشه‌ی تقریباً واحدشان دارد (جعفری، ۱۳۷۳). "فرهنگ" در لغت معانی وسیع و گسترده و جامعی را در خویش مستتر دارد که بسیار فراتر از برداشتهای سطحی مصطلح می‌باشد. از جمله، در لغت‌نامه دهخدا آمده است: "تعلیم و تربیت، عقل و خرد، آموزش و پرورش، فرهنگ". "فرهنگ" نیز چنین معنا شده است: "فرهنگ، علم، فضل، دانش، عقل و ادب" (دهخدا، ۱۳۷۸). تعامل فرهنگی و ادبی با سایر جوامع نیز بر گستردگی معنای این واژه افزوده است. در فرهنگ آکسفورد، در معنای این واژه^۱ آمده "عبادت، تعظیم و کرنش محترمانه، حسن اداره کشت و زرع، کشت یا تربیت درخت و گیاه، توسعه آزمایشگاهی بافت‌های میکروسکوپی، تربیت بدن انسان، تربیت یا توسعه قوای ذهنی و حرکات، تربیت و توسعه فکر و قوای ذهنی و رفتار، چگونگی و وضعیت تربیت و تهذیب بعد معنوی یک تمدن، کارهای بزرگ هنری و رسوم یک تمدن به ویژه در یک مرحله از تاریخ یا توسعه خویش، پیگیری و ممارست یک موضوع یا حرفه با توجه و مطالعه خاص".

فرهنگ نیز همانند بسیاری از مفاهیم هم‌سنخ خود واجد معانی و مراتبی است که متضمن هنجارها، آداب، سنن، ذهنیت، الگوها، روش زیست، نوع نگرش، قواعد ارتباطات

^۱. Culture

انسانی، تبیین نگرش و ارتباطات انسان با محیط (اعم از طبیعی و انسان‌ساخته) است، که انواع آن نزد افراد و جوامع مختلف، ارزشمند یا فاقد ارزش می‌باشند.

در واقع، فرهنگ فضای زیستن و فعالیت و مبین ارتباطات انسان با جهان خارج است؛ و به این ترتیب، در معنای فرهنگ می‌توان گفت که فرهنگ، فقط به معنای شیوه زیستن نیست؛ بلکه فرهنگ معنای زندگی است. اگر فعالیت‌های انسانی و فرآورده‌های عینی انسان، کالبد زندگی و تجلیات عینی و محسوس آن باشند، فرهنگ “جان” زندگی خواهد بود. فرهنگ با هدایت و جهت دادن فعالیت‌های انسان، به مثابه بستر و فضا و معنای زندگی ایفای نقش می‌نماید. حال، اگر این فضا، فضایی معنوی باشد، تجلیات کالبدی زندگی نیز معنایی معنوی خواهند داشت؛ و بالعکس، فضای مادی و کمی فرهنگ، تجلیات کالبدی و معنای زندگی را نیز دنیازده و مادی خواهد نمود. در هر یک از این حالات دوگانه، فرهنگ است که به زندگی و جزئیات آن معنا می‌بخشد و نوع رضایت انسان از زندگی را تعریف می‌نماید.

در فراهم آوردن امکان تلقی هم‌هنگ از فرهنگ، توجه به سه نکته (یعنی جامعیت، همه‌گیری و معیارهایی که برای ارزیابی تکامل فرهنگ مورد نیاز هستند) ضرورت دارد. بنابراین، با توجه به نقش فرهنگ در حیات جامعه و در معرفی هویت و در تکامل مادی و معنوی آن، به نظر می‌رسد که نمی‌توان (و نباید) حیطة عمل فرهنگ را به موارد خاص محدود نمود؛ بلکه بایستی به فرهنگ به عنوان فضایی برای حیات فرد و جامعه نگریست؛ فضایی که حیات در آن جریان داشته و هدایت‌کننده اصلی مادی و معنوی انسان است. علاوه بر آن، جامعیت فراگیری فرهنگ، گویای آن است که نمی‌توان تشکیلات ویژه‌ای را مسئول امور فرهنگی دانست؛ و بقیة تشکیلات و نهادها را از مسئولیت داشتن در قبال امور فرهنگی معاف یا منع نمود؛ و نکته آخر این که برای دستیابی به هویت ملی و تکامل



اجتماعی، مطابق ارزش‌های منبعث از اعتقادات جامعه، ارایهٔ "تعاریف ملی" برای واژه‌ها و تعابیر و اصطلاحات، به ویژه آنهایی که از سایر تمدن‌ها اخذ می‌شوند، ضرورت دارد، تا جامعه از تکرار و تقلید ایده‌ها و الگوهای بیگانه و ابتلا به از خود بیگانگی و احساس حقارت، و نهایتاً از استحالهٔ فرهنگی مصون نگاه داشته شود.

علی‌ایحال، فرهنگ عبارت از مجموعهٔ باورها، دانش‌ها، معارف، آداب، رسوم و ارزش‌هایی است که جامعه‌ای بر مبنای اعتقادات خود آن را تکامل بخشیده و بر اساس آن مجموعه مشی می‌نماید؛ و در این مشی، هدف او رسیدن به تعالی و تکاملی است که جهان‌بینی‌اش برای او تعریف و تبیین نموده است. در نتیجه، فرهنگ عبارت از فضا و محیطی است که جامعه‌ای در آن زیست می‌کند و بر مبنای معیارها و ارزش‌ها و موازینی که آن فرهنگ خاص برایش تعیین نموده، عمل می‌نماید. فرهنگ، ابداً و اصلاً موضوعی جدای از سایر علوم و فنون و هنرها و حتی هم‌عرض و هم‌ردیف با آنها نیست. فرهنگ، فضای رفتار است. فرهنگ، عالِم و دانشمند را هدایت می‌کند تا چگونه به جهان بنگرد، چگونه به مسایل علمی و تجربی بیندیشد، چگونه ارتباط اجزاء یک کل را با یکدیگر و رابطهٔ کل را با اجزاء مورد بررسی قرار دهد. فرهنگ به جامعه القا می‌کند که چگونه زیست و مصرف و فعالیت کند. فرهنگ، روابط پزشک و بیمار، معلّم و شاگرد، خریدار و فروشنده، کارمند و ارباب‌رجوع، پیاده و سواره، اعضاء خانواده و سایر روابط دو یا چندگانهٔ موجود در جامعه را تعریف و تبیین نموده و حقوق و وظایف هر فرد و هر گروهی را مشخص می‌کند.

به این ترتیب، جدا کردن فرهنگ از سایر مقولات جامعه نتیجه‌ای جز از خود بیگانگی و یا دوگانگی هویت نخواهد داشت. این جدایی سبب خواهد شد تا جامعه‌ای که از فرآورده‌های وارداتی استفاده می‌کند، خویشتن و به ویژه فرهنگ خود را در مقابل آنها کوچک احساس نماید؛ ضمن آن که فرآورده‌های وارداتی، مروج فرهنگ بیگانه نیز خواهند

بود. در واقع، غفلت از تأثیرات فرهنگی فرآورده‌ها و محصولات (به ظاهر) غیرفرهنگی (به ویژه محصولات و الگوها و ایده‌های وارداتی از سایر جوامع)، یکی از بزرگ‌ترین مصایب مستوری است که حیات و ارزش‌های فرهنگی جوامع واردکننده و مقلد را تهدید و حتی نابود می‌کند. جملگی این عناصر (از جمله هنرها، معماری، شهر، خودرو، لباس، غذا، روش‌های تعلیم و تربیت، ورزش‌ها و تقریباً همه آنچه که به روش زیست و عناصر مرتبط با آن مربوط می‌شوند) واجد تأثیرات فرهنگی هستند که غفلت از این تأثیرات سبب می‌گردد تا حتی کسانی که به دنبال حفظ و ترویج فرهنگ خودی و مقابله با ضد ارزش‌های وارداتی هستند، در نهایت، با شکست مواجه شوند.

با عنایت به رابطه غیرقابل انکار “جهان‌بینی” با “فرهنگ” و تأثیرپذیری “فرهنگ” از عوامل دیگری چون تاریخ و محیط و زبان و شرایط فنی، اقتصادی، سیاسی و امثالهم، در تعریف “فرهنگ” می‌گوییم: “فرهنگ” عبارت است از: “کنش‌های” مشترک و موردقبول و پسند یک جمع، که منبعت از “دانش‌های” ارزش یافته در پرتو “بینشی” خاص بوده و به صورت “منش” جامعه نهادینه شده باشند” (نقی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۳۵). به این ترتیب، فرهنگ به مثابه “ادب زندگی” و “ادب زیستن” ظاهر می‌شود. این آداب که در هر تمدن و ملتی ویژگی‌های خاص خود را دارد،^۱ به مثابه معنا و جان زندگی آن ملت و تمدن ظاهر می‌شود. در حقیقت، این بینش انسان است که ارزش‌هایی را به عنوان معیار زیستن و تفکر و عمل، برای او تعریف می‌نماید. این ارزش‌ها، به نوبه خود، نوع سؤالات، شیوه دستیابی به پاسخ سؤالات و چگونگی تولید دانش و نشر آن را برای وی تعریف نموده، و در واقع، به تحقیقات و افکار و اعمال وی جهت می‌دهند و آنها را هدایت می‌کنند. این ارزش‌ها، خوی و

^۱ هر عملی را ادبی است، که جمع آن “آداب” است؛ مثل آداب معاشرت، آداب سفر، آداب آموختن، آداب دوستی، آداب زیارت و امثالهم.



اخلاق وی را نیز شکل داده و بالنتیجه شیوه زیستن را در جمیع جهات معرفی می‌کنند که آن را “فرهنگ” می‌نامیم.

۲-۱-۳. اجمالی در مورد تمدن و اجزاء آن

“تمدن” در لغت به معنای “تخلّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و همجیه و جهل، به حالت ظرافت و انس و معرفت؛ در شهر بودباش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه، اقامت در شهر کردن، شهرنشینی، تربیت و ادب” آمده است (دهخدا، ۱۳۷۸). “تمدن داشتن” نیز، به “دارای تربیت بودن، شهرنشین بودن و در مرحله کامل اجتماعی قرار داشتن، و خلاف بربریت” معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۸). علی‌ایحال، آنچه که به تمدن تعبیر می‌شود عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها (جامعه) که با اتکا به جهان‌بینی و عقاید و فرهنگ هماهنگ و غالباً همسان، اجتماع و محیط و فضایی را به وجود آورده باشند که هویت هر جزء آن، با هویت کل هماهنگ و هم‌سو بوده و در جامعه جهانی به آن نام شناخته می‌شود. اگر چه تسمیه تمدن‌ها به وجوه مختلف مرتبط با آنها از جمله مکان جغرافیایی (هندی، یونانی، مصری، ایرانی و ...)، نژاد و قومیت (مایا، اینکا، عرب، سامی، آریایی و غیره)، دین و مذهب (اسلامی، مسیحی، هندو، بودایی، یهودی و از این قبیل)، عقیده اجتماعی و سیاسی (کمونیستی، سوسیالیستی، سرمایه‌داری، لیبرالیستی و امثالهم) می‌باشد، اما آنچه که وجه بارز هویت هر تمدنی بوده وجه فکری و فرهنگی آن است، که البته این تفکر و فرهنگ (با شدت و ضعف متفاوتی که از تأثیرپذیری از سایر فرهنگ‌ها ناشی می‌شود) در بسیاری از مقولات زندگی افراد جامعه از جمله نظام‌دهی محیط زندگی و شهرسازی‌شان مؤثر و دخیل است.

عوامل متعددی در شکل‌گیری و تعالی و تداوم و یا انحطاط و افول و زوال یک تمدن دخالت دارند؛ و آنچه که بیشترین نقش را در همه این مراحل داشته و به عبارت دیگر، در تعریف و احراز هویت یک تمدن نقشی بنیادین ایفا می‌نماید “وجه فکری و فرهنگی” آن تمدن است. وجه فکری و فرهنگی هر جامعه‌ای، طبیعتاً جملگی آراء و عقاید و دانش‌ها و معارف رایج و موجود در جامعه را، که علوم و هنرها نیز بخشی از آن هستند در بر می‌گیرد. علوم و هنرها در قلمروهای مختلف یک تمدن ایفای نقش می‌کنند؛ از جمله در تهیه عوامل تعالی تمدن و عوامل و ابزار معنوی و مادی تفوق و تأثیرگذاری آن بر سایر تمدن‌ها، عوامل رفاه و عوامل هنری و کالبدی.

هر تمدن تجلی ظاهری و عینی جهان‌بینی و تفکری است که به تبع هنرها و علوم خاصی که تولید نموده، روش زیست ویژه‌ای را نیز معرفی کرده؛ یا بالعکس، به دنبال روش زیستی که جهان‌بینی آن برای پیروانش تعریف نموده، به دنبال دست یافتن به علم خاصی بوده و آن را تحصیل نموده است. به این ترتیب، تبیین رابطه هر تمدن با علوم و هنرهای منسوب به آن تمدن از جهت معرفی یا تدوین آرمان‌های آن تمدن و علوم و هنرهای مورد نیاز برای تحصیل آن آرمان‌ها، موضوعی اساسی است که شناخت آن ضرورت دارد. با عنایت به آنچه گذشت، هر تمدنی را می‌توان متشکل از سه عنصر اصلی و اساسی دانست.

• عنصر اول “انسان”‌هایی که آن تمدن را به وجود آورده‌اند و متعلق و منسوب به آن هستند (اهل مدینه یا تمدن مورد نظر، که البته در دو گروه اصلی “اهل” یا “شهروندان” و “مدیران” شهر قابل طبقه‌بندی‌اند)،

• دوّم “جهان‌بینی” و تفکری که بر جامعه انسانی خاص حاکم بوده و عاملی است در تنظیم روابط آحاد جامعه، تعریف‌کننده ویژگی‌های روابط آن جامعه با سایر جوامع، تعیین‌کننده

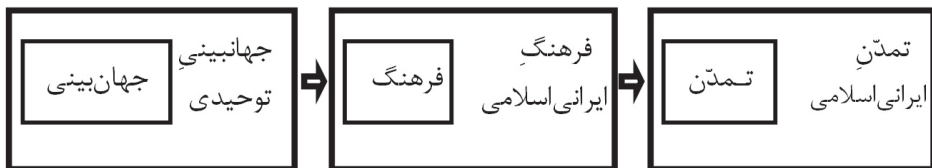


ویژگی‌های محیط زندگی، تعریف‌کننده نحوه نگرش جامعه به محیط طبیعی و محیط مصنوع، تنظیم‌کننده روابط نهادهای اجتماعی، تبیین‌کننده راه و روش زیست، هویت‌بخش آن جامعه در میان جهانیان و معرف بسیاری عوامل دیگر، و

• سوّم: "مدینه"، شهر (یا ظرفی) که انسان‌های متعلّق به آن تمدن در آن می‌زیند، به اضافه همه آثار هنری و علمی و فنی اهل آن تمدن.

طبیعی است که جهان‌بینی در قالب فرهنگ ظاهر شده و به عنوان فضای عمل اهل تمدن ایفای نقش می‌کند؛ و ظرف تمدن (یا شهر) که حاصل این فرهنگ است مشتمل بر همه اجزاء خویش (و از جمله همه هنرها) بوده و به عنوان اصلی‌ترین عامل کالبدی و هویت عینی تمدن ایفای نقش می‌کند.

تذکر این نکته اساسی نیز ضرورت دارد که همه موضوعاتی که معمولاً در مورد تمدن‌ها، طرح و مطرح می‌شوند، ظواهر و تجلیات تمدن‌ها هستند، و باطن (یا جان) هر تمدن جهان‌بینی‌ای است که این ارکان را شکل داده و تعریف نموده است. با عنایت به این باور که "جهان‌بینی" فضای فکر، و "فرهنگ" فضای عمل و رفتار است، در تعریف تمدن می‌گوییم که تمدن تجلی کالبدی و عینی یک جهان‌بینی است، که در پی رفتار و عمل جامعه‌ای ظهور پیدا می‌کند، و به این ترتیب، و برای نمونه، با عنایت به نمودار ۲-۲، در جامعه‌ای با تفکر و جهان‌بینی توحیدی اسلام، فرهنگ ایرانی مبتنی بر آن جهان‌بینی، نمودار ۲-۳ قابل طرح است.



نمودار شماره ۲-۲: مثالی از فرآیند ظهور یک تمدن (در سرزمین ایران) از جهان‌بینی توحیدی و فرهنگ

متکی و مبتنی بر آن

خلاصه این که تمدن به معنای مجموعه آثار یک جامعه، مشتمل بر هنرها، علوم، شهرها، آیین‌ها، رفتارها، آداب، سنن، شیوه زیست، لباس، غذا، نظام اداری، سامانه آموزشی و سایر موضوعات مرتبط با زندگی اجتماعی (به شرط اصالت و تقلیدی نبودن آنها) است که همه اینها به مثابه دانه‌های یک تسبیح، وحدتی را به نمایش می‌گذارند که به عنوان هویت شاخص جامعه (که اینک تمدن نیز می‌تواند نامیده شود) در میان جهانیان ایفای نقش می‌کند.

۲-۲. مدنیت و جامعه مدنی

در تعریف مدنیت و شقوق مختلف آن می‌توان از جنبه‌های متنوعی مثل مدنیت اجتماعی، مدنیت سیاسی و مدنیت فرهنگی سخن گفت. مدنیت اجتماعی روابط بین افراد و گروه‌ها با یکدیگر و گروه‌ها با افراد را تعریف می‌نماید. مدنیت سیاسی به رابطه بین حکومت (دولت) و مردم می‌پردازد. مدنیت فرهنگی، باور جامعه و روح سایر انواع مدنیت را مد نظر قرار می‌دهد. در واقع، مدنیت فرهنگی با پذیرش اصول و قوانین حیات فردی و جمعی که بر پایه جهان‌بینی و پایه فرهنگ جامعه شکل گرفته‌اند، هدایت مدنیت سیاسی و اجتماعی را عهده‌دار بوده و به عنوان پشتوانه تجلی و بقای پایدار آنها عمل می‌نماید. به بیان دیگر، قوانین و مقررات و مدنیت سیاسی و اجتماعی و همه قراردادهای اجتماعی ممکن است به طرق مختلف امکان ظهور بیابند، ولی بدون مدنیت فرهنگی و به عبارتی بدون باور جامعه به آنها و تمایل به مرعی داشتنشان در خلوت و جلوت امکان دوام و تکامل نخواهند داشت. به طور اجمال می‌توان گفت که انواع مدنیت با رابطه تنگاتنگ و محوریت مدنیت فرهنگی،



تأثیرات متقابلی بر رشد و یا انحطاط یکدیگر دارند. برای نمونه، مدنیت سیاسی با بهره‌گیری از نهادهای جامعه مدنی میسر می‌گردد، و این در حالی است که این نهاد جز با رشد افراد و ارتقاء تربیت مدنیت اجتماعی و فرهنگی آنها ممکن نیست.

اصطلاح جامعه مدنی^۱ از تعبیری است که کاربردش به یونان و روم باستان برمی‌گردد (سلامی، ۱۳۸۰). ارسطو جامعه مدنی را جزیی از دولت-شهر می‌دانست که همه ابعاد زندگی شهروندان را در بر می‌گرفت. بسیاری از متفکرین همچون سیسرون (۱۰۶-۴۳ ق م)، آگوستین (۴۳۰-۳۵۴ م) و آکویناس (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) با اندک تفاوت‌هایی جامعه مدنی را جامعه‌ای می‌دانند که اهل آن تحت لوای تشکّل و سازمانی قرار گرفته‌اند که "قانون" پیونددهنده آنهاست که البته برخی (مثل افلاطون) به تطابق این قانونمندی بر نظام ربّانی و قوانین الهی اشاره دارند. هابس (۱۶۷۹-۱۵۸۸ م) جامعه مدنی را حاصل قرارداد اجتماعی می‌داند که این قرارداد به جهت ترس از بروز خشونت تدوین شده و جامعه کنترل خویش و ایجاد صلح و آرامش را به دولت می‌سپارد. پس از آن نیز بسیاری از متفکران غربی از جمله جان لاک، آدام فرگوسن، منتسکیو، هگل، مارکس، کانت و دیگران از جامعه مدنی نام برده‌اند که مهم‌ترین وجوه مشترک جامعه مدنی از دیدگاه متفکران غربی را در ۸ مقوله زیر می‌توان خلاصه کرد: "حرمت انسان و حقوق او و ارزش و اهمیت فرد و شهروند، اختیار و آزادی انسان و شهروندان برای تعیین سرنوشت خویش، توافق و قرارداد شهروندان با همدیگر، عقلانیت و عقل‌باوری، مشارکت خودجوش و داوطلبانه شهروندان و نظارت بر سیستم سیاسی، امنیت و قانون، تبادل آراء و تساهل و مالکیت و بعد اقتصادی" (سلامی، ۱۳۸۰). مطالعات نشان می‌دهد که تفکر دینی نه تنها با این مقولات به طور اصولی مخالف نیست؛ بلکه فراتر از آن، جزییات موضوع را به نحوه بارزتری تشریح و توضیح نموده است.

۱. یا Society civil

(سلامی، ۱۳۸۰). در واقع، اگر به طور ساده و ابتدایی جامعه مدنی را جامعه‌ای بدانیم که قانون بر آن حکومت نماید، منشأ قوانین مربوطه به عنوان صفت معرفی‌کننده جامعه مدنی ایفای نقش می‌نماید. به بیان دیگر، وجه تمایز و عامل هویتی هر نوع جامعه مدنی، برخاسته از مکتب فکری و جهان‌بینی‌ای خواهد بود که منشأ تدوین قوانین مربوط به آن جامعه است.

۲-۳. شهروندی و شهر

واژه «شهروند» از واژگانی است که در سال‌های اخیر به عنوان معادل «سیتی‌زن^۱» در زبان فارسی معمول شده است. طبیعی است که این معادل‌گزینی و رواج آن نمی‌تواند و نتوانسته همه بار معنایی و فرهنگی آن را منتقل نماید. معمولاً هم غالب افرادی که آن را به کار می‌برند در پی دریافت همه معنای آن نبوده و به عبارتی به نقص آگاهی خویش از مفهوم واژه «شهروند» توجه ندارند. چرا که هم واژه شهروند و هم سایر واژگان مصطلح در زبان فارسی (که به اهل یک شهر یا جامعه دلالت دارند) علاوه بر تعریف حقوقی خویش، محمل بار معنایی و فرهنگی خاص خود نیز هستند. در مورد سابقه مفهوم شهروندی که قدمت آن حدّ اقل به دوران یونان باستان برمی‌گردد، به طور اجمال می‌توان گفت که در یونان این تفکر وجود داشت که انسان‌ها تنها در کشورهای کوچک می‌توانند حالت انسانی و آزادگی خویش را حفظ نموده و به عنوان یک شهروند شناخته شوند.

واژه‌هایی که برای معرفی کسی که در محلی (هرگونه مجتمع زیستی و حتی یک خانه) زندگی می‌کند ذکر می‌شوند عبارتند از: ساکن، اهل، مقیم، تبعه و رعیت. این در حالی است که برخی از شهرسازان (در مقایسه با واژه ساکن) چنان شیفته واژه «شهروند» (به عنوان مفهومی خاص دنیای مدرن و نه به عنوان تعبیری اصیل و ایرانی) هستند و به عبارتی از

^۱. Citizen



معنای تعبیر اصلی ایرانی غفلت می‌کنند که راه نجات و کمال و اصلاح شهرها و راه شهر شدن شهرهای جدید را در این می‌دانند که "ساکنین" آن تبدیل به "شهروندان" بشوند؛ و البته این بر مبنای تعاریفی است که خود از "ساکن" و "شهروند" ارایه می‌نمایند. در حقیقت این تفکر بدون توجه به معنای "اهل" و "ساکن" و با توجه به آنچه که در غرب می‌گذرد می‌پندارد که لفظ "شهروند" چون معادل سیتی‌زن است احترام به حقوق انسان، احترام به آزادی، مشارکت دادن انسان در سرنوشت و اداره شهر خویش و اعطای سایر حقوق انسانی را در خود مستتر دارد. این تفکر فلاح را در آن می‌بیند که "ساکن" به "شهروند" تبدیل شود. این تفکر می‌پندارد که "ساکن" یعنی کسی که از خانه و شهر به عنوان خوابگاه استفاده می‌کند و "شهروند" به دنبال مشارکت در اداره شهر است.

توجه کنیم که: "سکونت" در زبان‌های فارسی و عربی و حتی در زبان عبری به معنای سکینه و آرامش است. "کلمه عبری که کلمه عربی سکینه از آن اخذ شده است،^۱ در اصل به معنای مجد و جلال الهی است" (ریخته‌گران، ۱۳۷۸، ص ۱۵). "کلمه سکینه از ماده سکون است، که خلاف حرکت است، و این کلمه در مورد سکون و آرامش قلب استعمال می‌شود، و معنایش "قرار" گرفتن دل و نداشتن اضطراب باطنی در تصمیم و اراده است" (طباطبایی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۸).^۲ به این ترتیب، مفهوم و معنای کلمه "ساکن"، علاوه بر آن که به بُعد مادی زندگی اشاره دارد، بر حیات معنوی و روانی انسان یا به عبارتی به وجه بنیادین زندگی انسان نیز متمرکز و ناظر است.

بنابراین، سخن در این است: اولاً آنچه را که خود داریم به دقت و با جزییات و مبانی نظری و فکری بشناسیم. زیرا اگر چنین باشد به دلیل آگاهی و شناخت خویش و فرهنگ

^۱. Shakhina

^۲. برای مطالعه در معنای "سکینه" در فرهنگ قرآنی، ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۸ و همو، بی‌تا، ج ۳۶.

خود در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها نیز نوعی اعتماد به نفس در جامعه بروز نموده و در مقابله و اخذ آراء دیگران سعی در انتخاب و تکامل بخشیدن به فرهنگ ملی رخ خواهد داد و نه اضمحلال و شیفتگی. ثانیاً معیارهایی برای ارزیابی الگوها و آراء وارداتی در دست داشته باشیم تا امکان تقلید کورکورانه الگوهای بیگانه منتفی شود.

باید از نگرش موضوعات با عینک بیگانه و به بیان دیگر از ارزیابی موضوعات با عینک و معیارهای برآمده از جهان‌بینی و فرهنگ دیگران احتراز شود که اگر چنین شود هر آنچه که با نگاه و با معیارهای بیگانه مطلوب یا نامطلوب است مطلوب یا نامطلوب انگاشته خواهد شد، در صورتی که ممکن است آنچه که مطلوب پنداشته می‌شود با آراء و ارزش‌های بومی ناهماهنگ باشد، و بالعکس آنچه که با معیارهای دیگران نامطلوب پنداشته می‌شود تضادی با ارزش‌های فرهنگ ملی نداشته باشد. ثالثاً در بومی کردن دانش‌ها و علوم جامعه بشری نیز که ضرورت و توصیه جهان معاصر است، نیاز به معیارهای بومی و آگاهی به جهان‌بینی و فرهنگ ایرانی ضرورتی است که نمی‌تواند منکری داشته باشد.

”پیدایش و تکوین هر اجتماعی مولود هدف و غرض واحدی است که مشترک بین تمام افراد اجتماع می‌باشد. این هدف به منزله روح واحدی است که در تمام جوانب اجتماع حلول نموده و یک نوع وحدتی به آنها می‌دهد. [این هدف] در غیر اجتماعات دینی عبارت است از ادامه حیات و زندگی دنیوی به طور دسته‌جمعی و به هم‌پیوستگی، به طرز انفرادی و تنهایی“ (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۸۰). برای کار و زندگی و فعالیت این روح واحد باید به خلق فضایی پرداخت که برای این روح واحد مناسب باشد. به این ترتیب، شناسایی اهدافی که جهان‌بینی و فرهنگ ایرانی برای جامعه تعریف می‌نماید از اهم و اولی‌ترین مراحل است که باید به انجام برسد، تا بر اساس آن بتوان به تنظیم و تقنین قوانین که ضرورت بقا و دوام جامعه و راه تحصیل اهدافش می‌باشد، اقدام نمود. برای نمونه، در حالی



که هدف اجتماعات متمدن که عبارت از وحدت هدف است، در تفکر مادی منحصر به زندگی این دنیاست، تفکر دینی اسلام هدف حیات را برگشت به توحید می‌داند که تحصیل آن جز در پرتو یک زندگی اجتماعی میسر نیست (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۸۳). بنابراین، قانون‌گذاری در جامعه‌ای با این بینش باید در جهت تحصیل این هدف باشد. چرا که "اصولاً قانون برای تعدیل اراده‌ها و اعمال مردم است و با همین محدودیت است که تزامم و تضاد از بین می‌رود. افراد در خارج از مرز قانون، از آزادی کامل برخوردارند" (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا، ج ۷، صص ۲-۱۸۱). به این ترتیب، تمرکز بر قوانین مادی صرف که نمی‌توانند (و نباید) متعرض معارف و اخلاق باشند به تنهایی رافع مشکلات جامعه نخواهد بود.

۲-۴. جهانی شدن و جهانی سازی

از دیرباز تعابیری همچون "جهانی بودن"، "جهان‌شمولی"، "جهانی"، "عالمگیر"، "عمومیت" و مشابه اینها، و اخیراً نیز تعابیر "جهانی شدن" و "جهانی‌سازی" موضوع مورد توجه مکاتب فکری و جوامع مختلف بوده‌اند. اضافه شدن صفت "جهانی" به برخی موضوعات، منجر به ابداع اصطلاحاتی مثل "دین جهانی"، "اخلاقی جهانی"، "دهکده جهانی"، "فرهنگ جهانی"، "هنر جهانی"، "نظم جهانی"، "شهر جهانی"، "سبک جهانی" و امثالهم شده است. نظرات و موضوعات مختلف را می‌توان تحت دو عنوان "جهانی بودن" (به عنوان یک اصل وحدت-گرایانه) و "جهانی شدن" (به عنوان یک روند که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف با شدت و ضعف متفاوتی مطرح است) طبقه‌بندی نمود.

اگر چه ایده جهان‌شمولی و نظریات جهانی از هزاران سال پیش در میان جوامع رایج بوده است، ولی جهانی شدن،^۱ مفهومی است که در سال‌های اخیر رواج یافته و چهره‌ای جدید به خود گرفته است. علت اصلی بروز این وضعیت نیز، این نکته است که این موضوع از بحثی علمی و نظری و فکری و انسانی به عنوان ابزاری صرفاً اقتصادی و سیاسی توسط زورمندان و صاحبان قدرت اقتصادی و سیاسی ترویج و تبلیغ شده و ظهور آن با معنایی متفاوت از گذشته پیگیری و پی‌جویی می‌شود. با مطرح شدن ایده‌های "جهانی شدن" و "جهانی‌سازی" بدون آن که معنای روشن و متفق‌القولی در مورد آنها وجود داشته باشد، و در پی ظهور برخی عواقب منفی آنها بر ارزش‌ها و نُرم‌های فرهنگی جوامع و با استناد به این که نتایج مترتب بر رواج فرهنگ واحد جهانی است، عده‌ای با استناد به این که فرهنگ و دین و باورهای خویش و جامعه خود را در معرض خطر و استحاله و نابودی می‌بینند، مخالفت خویش را با جهانی شدن و جهانی‌سازی ابراز می‌دارند. این در حالی است که عده‌ای دیگر امکانات فراهم‌آمده توسط روند جهانی شدن را برای گسترش و توسعه و استحکام مبانی فکری و فرهنگی و دینی مفید می‌دانند.

در باره خاستگاه و ویژگی‌های جهانی شدن، نکات قابل ذکری وجود دارد؛ از جمله این که عده‌ای جهانی شدن را با توجه به زمینه‌هایی مثل از بین رفتن مرزهای ملی بازارها، تسلط شرکت‌های فراملیتی بر تولید، گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی که از نهادهای مشخص و محدودی تغذیه می‌شوند و هم‌گرایی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جوامع و ملت‌ها تعریف می‌کنند. نظریه جهانی شدن با ادعای گسترش وسیع ارتباطات و رسانه‌ها، در پی متجلی ساختن فرهنگ جهانی واحدی است، و سعی جدی در القاء این تفکر دارد که ملل و تمدن‌ها و اجتماعات و حتی فرد انسان‌ها جز پیوستن به روند جهانی شدن (طبق

^۱. Globalization



تعریفی که ارائه می‌دهند) راهی ندارند. "جهانی شدن" که به دنبال متحدالشکل نمودن جهان می‌باشد، به پی افکندن و ترویج فرهنگ جهانی تمایل دارد تا به این وسیله بتواند زمینه مصرف بیشتر تولیدات مروّجان خویش (یا شرکت‌های چندملیتی) را فراهم نماید. همان‌گونه که مصلحان در پی رفع (و نه حلّ موضعی) مشکلات جهان بوده و بر این باور هستند که رفع مسایل جهانی مشروط به پدیدآمدن آدمی دیگر (آدمی با تفکرات انسانی و الهی) است. مبلّغان و مروّجان جهانی شدن نیز از این موضوع مهم و بنیادین غافل نیستند که برای یافتن بازار کالاهای خویش باید آدمی دیگر را پدید آورند و این ممکن نیست مگر با دگرگونی فرهنگی و یکسان‌سازی جهان‌بینی و روش و منش و تفکر و شیوه زیست جهانیان مطابق الگویی که آنها برای بشریت ارائه می‌دهند (داوری اردکانی، ۱۳۷۹). اجمالاً می‌توان گفت که از اشکالات جوامع جهان سوّم یا در حال توسعه در دوران معاصر در بهره‌گیری از تجارب ممالک توسعه‌یافته و پیشرفته صنعتی که تحت عنوان علمی بودن مطرح می‌شوند آن است که:

- به مبانی نظری و فرآیند پدیده‌ها و موضوعات مورد تقلید توجه نمی‌شود،
- به آراء و نظریات بومی و ملی خویش در رابطه با موضوع مورد نظر واقعی ننهاد و در واقع به شناسایی نسخه بومی موضوع مورد نظر توجهی ندارند،
- اهمّی در بومی کردن دانش‌ها و تجارب جوامع دیگر به عمل نمی‌آورند،
- ارزیابی موضوعات و مفاهیم ملی با عینک و معیارهای بیگانه انجام می‌شود و در واقع، در ارزیابی موضوعات، آن چیزی مطلوب شمرده می‌شود که به معیارهای رایج در غرب پاسخ مثبت بدهد. بالنتیجه حلقه‌های اتصال‌دهنده بین نظر و عمل یا به عبارتی سلسله‌مراتب عینیّت‌دهنده آراء و نظریات مورد غفلت قرار می‌گیرند.

جدای از این موضوع که جهانی شدن موافقان و مخالفان متنوعی دارد، و این که در مورد امکان اتفاق افتادن آن نیز نظرات متفاوت و حتی متضادی وجود دارد، بدون مطلق‌انگاری می‌توان عواملی را شناسایی نمود که مقوم جهانی شدن بوده و امکان وقوع آن را تقویت می‌کنند. این در عین حالی است که در میان جوامع و ملل عواملی وجود دارند که به مثابه سدّی در مقابل جهانی شدن ایفای نقش می‌نمایند. بدون تمرکز بر یک جنبه و نفی جنبه‌های دیگر می‌توان گفت که یک نوع جهانی شدن به عنوان خواسته عده‌ای مطرح می‌باشد. مهم این است که خواسته این عده تعدیل شده و جهانی شدن از اهداف صرفاً مادی و غیرانسانی و ظالمانه و یک‌سویه خویش عدول نموده و به سمت جهانی بودنی که خواسته مصلحان بوده است هدایت شود.

• عوامل تقویت‌کننده جهانی بودن عبارتند از: جهان‌بینی الهی، وحدت جامعه بشری، فطرت انسان و قدرت طلبی؛

• عوامل تضعیف‌کننده جهانی شدن عبارتند از: طبیعت، زبان، اسطوره‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها، تاریخ، سنن، هویت ملی و میل به انتخاب و آزادی.

آنچه که ویژگی‌های ایده جهانی شدن کنونی را برجسته و متفاوت می‌نماید این است که اولاً نتایج و پیامدهای مفید این گونه جهانی شدن در اختیار عده‌ای خاص قرار می‌گیرد، ثانیاً قسمت عظیمی از مردم باید به سوی همانند شدن با عده‌ای کمی که قدرت و ثروت را در دست دارند مشی نمایند. به این معنا که تصمیمات و فعالیت‌های انجام‌شده در یک قسمت کوچکی از جهان دارای عواقب و پیامدهای مهم و اساسی برای افراد و جوامع دیگر در سایر نقاط جهان شود. خلاصه این که، این نوع از جهانی شدن، همسان شدن^۱ و تقلید^۲

^۱. Uniformity

^۲. Imitation



را مدّ نظر دارد و نه وحدت^۱ را که از بدو خلقت مورد خواست و نیاز بشر بوده و ادیان الهی و مصلحان آن را ترویج و توصیه نموده‌اند.

در ارتباط با موضوع جهانی شدن، هر جامعه‌ای که مایل به حفظ هویت اجتماعی و ملی و دینی خویش است، باید توجه داشته باشد که در مرآمده و تماس و تعامل با سایر تمدن‌ها مجهّز شدن به حدّ اقل تولیدات - فکری و ذهنی بر اساس جهان‌بینی و باورهای خویش ضرورت دارد. زیرا ظرف فرهنگ و هنر هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند با خلاء پر شود. اصولاً موضوعات از خلاً گریزان می‌باشند. فرهنگ‌هایی که با خلاً تولیدات ملی مواجه شوند، اولین پدیده‌های در دسترس را به خویش جذب می‌نمایند. علی‌اّتحال، اگر ملت و جامعه و انسانی به جهان‌بینی و باور و دین و فرهنگ به عنوان مبنای مشی خویش معتقد است، برای دخول در دهکده جهانی، نکات بنیادینی را باید مورد توجه قرار دهد:

- مبانی باورهای خویش را به خوبی بشناسد.

- مبانی هویت خویش را بشناسد و آنها را تقویت و حفظ نماید.

- برای مرآمده با سایرین و ارزیابی آراء و نظرات و فرآرده‌های آنها معیارهایی خودی و ملی در اختیار داشته باشد، نه این که دنیا (و از آن فراتر خویش) را از نگاه دیگران ببیند و ارزیابی کند.

- برای سوآلات خویش و پرسش‌های دیگران، پاسخ‌های صریح و روشنی را شناسایی و ارایه نماید.

- از دام‌هایی که او را به احساس حقارت و از خود بیگانگی و خودباختگی و شیدایی مبتلا می‌کنند بپرهیزد.

³. Unity

- بهتر آن است که به جای اهتمام در یکی شدن، یا به عبارت بهتر به جای همسان شدن، از وحدت (در کثرت) بحث شود. در این جهت، در واقع، باید به اصول واحدی دست یافت که می‌توانند با توجه به بسیاری مختصات هر ملت و جامعه و تمدنی، تجلیات خاص خویش را داشته باشند.^۱

۲-۵. توسعه پایدار

یکی از ایده‌های نسبتاً جدید که معمولاً موضوع روز نیز هست نظریه توسعه پایدار می‌باشد. جنبه‌های مختلف مرتبط با توسعه پایدار را در شقوق مختلفی می‌توان دسته‌بندی و مورد بررسی قرار داد که اگر توسعه پایدار به عنوان خط‌مشی و سیاستی در رابطه با انواع فعالیت‌های انسان فرض شود، معلوم می‌شود که این سیاست طی یک سلسله‌مراتب منطقی، از یکسو به "جهان‌بینی" و از سوی دیگر به "مصادیق" مرتبط است. به عبارت دیگر این جهان‌بینی است که باید ویژگی‌های توسعه پایدار برای هر جامعه‌ای را تعریف و تبیین نماید و آنگاه برنامه‌ریزی مصادیق در قالب توسعه پایدار انجام می‌پذیرد.

موضوعات اصلی مطرح در توسعه پایدار عبارت از اقتصاد و جامعه و محیط زیست هستند و به این ترتیب در معرفی نسخه بومی توسعه پایدار برای هر کشوری، توجه به دو موضوع "فرهنگ" و "محیط" که تعریف‌کننده ویژگی‌های اقتصادی و جامعه و محیط زیست و رابطه انسان با آنها در هر جامعه‌ای می‌باشند، از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. اصول اساسی توسعه پایدار در عناوین اصلی زیر قابل تلخیص‌اند: تغییر الگوی مصرف در

^۱ - برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: گلشنی و غلامی، ۱۳۸۷ و نقی‌زاده، ۱۳۸۵.



جهت کم مصرف کردن و دوباره مصرف کردن، ارتقای آموزش و بهداشت عمومی، تأمین امکانات مناسب زیست (مسکن و غذا و آموزش) برای انسان‌ها، ارتقای آموزش، مبارزه با فقر، حفاظت از جو و آب و جنگل‌ها، تقلیل و کنترل انواع زباله‌ها، توجه به گروه‌های جمعیتی خاص (کودکان، زنان و کارگران) و سایر موضوعات مرتبط (دستور کار ۲۱، به نقل از: سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۹) همه اینها بیانگر و یا به عبارتی متأثر از انسان و تفکر او می‌باشد و به این ترتیب باید دید که کدام تفکر، کدام اصل را پیشنهاد و یا آن را تقویت می‌نماید. به بیان دیگر ملاحظه می‌شود که در تعریف موضوعات، انسان نقش اصلی را ایفا می‌نماید. انسان است که برنامه‌های خاص اقتصادی را تهیه و اجرا می‌کند، انسان است که تشکیل‌دهنده جامعه می‌باشد و بالاخره انسان است که با تعریف رابطه خویش با محیط زیست چگونگی بهره‌گیری و یا حفاظت آن را برنامه‌ریزی می‌کند. به این ترتیب در مقوله هدایت موضوعات مطرح در توسعه پایدار به سمت اهداف مورد نظر نیز نیاز به حضور "انسان پایدار" خواهد بود.

مراجعه به متون اسلامی نشان می‌دهد که تفکر اسلامی منادی تداوم کمال اشیاء است، و این ندا در بسیاری اصول و مفاهیم مطرح می‌باشند که به صورت اصولی حاکم بر افعال انسان مطرح است. شناسایی این اصول و معیارهای حاکم بر فعل انسان با تدقیق در دو مقوله امکان‌پذیر می‌گردد: "صفات فعل الهی" و "وظیفه انسان در زمین." با عنایت به آنچه گذشت در رایه نسخه ایرانی توسعه پایدار توجه به نکات زیر را می‌توان توصیه کرد:

- توجه به وحدت قلمروهای حیات: وقتی که جنبه‌های مختلف حیات و نیازهای انسان به معنویت و مادیت تفکیک شده و انسان به عنوان یک کلیت واحد مد نظر نباشد، آن می‌شود که اکنون دنیا با آن مواجه است. در حالی که اگر جنبه‌های مختلف انسان و جهان خارج توأمًا مطمح نظر قرار گرفته و تأثیرات تغییر هر کدام از آنها بر سایر امور نیز مد نظر قرار

گیرد، انسان به راحتی نخواهد توانست مادیت را از معنویت، محیط را از انسان، دنیا را از آخرت، ظاهر را از باطن و صورت را از سیرت منتزع نماید.

- توجه به تجارب دیگران و الگوهای ملی: یکی از موارد مهمی که توجه به آن ضرورت دارد استفاده از تجربیات سایر تمدن‌ها (اعم از گذشته و معاصر) است. در این راه عنایت به موضوعاتی چون مشابهت‌های اقلیمی، تشابهات فرهنگی، درجهٔ ایجاد وابستگی، میزان امکان استفاده از نیرو و امکانات بومی و ارزیابی و دریافت نکات مثبت و منفی در مقایسه با مفهوم توسعهٔ پایدار و وضع موجود ضرورت دارد تا بازدهی (بازدهی جامع و همه‌جانبه و نه تنها بازدهی اقتصادی) به حدِّ اکثر رسیده و از وابسته شدن جامعه پیشگیری نماید.

- ارزیابی و توجه تأثیر اتخاذ سیاست توسعهٔ پایدار بر برنامه‌های مختلف: از جمله این تأثیرات لزوم تدوین تعریف مفاهیم و اصطلاحات با توجه به محدودیت منابع و تعریفی که از توسعهٔ پایدار ارایه گردید می‌باشد. برای نمونه، در مورد تعریف مفهوم اسراف می‌توان گفت که با عنایت به محدودیت منابع، هر مصرفی که عاملی در جهت تکامل (کیفی و کمی) نباشد نوعی اسراف تلقی می‌گردد.

- تحقیق و پژوهش مداوم: تحقیق و پژوهش در نحوهٔ استفاده از منابع و شناسایی منابع جدید (جایگزین)، یکی از موارد مهمی است که توجه جدی را طلب می‌نماید. هر یک از تشکیلات مرتبط با موضوع و منابع خاص نه تنها بایستی در زمینهٔ استفاده از سایر منابع به سهم خود اقدام کنند، بلکه مشوق (مادی و معنوی) سایرین به انجام پژوهش‌های مرتبط باشند. این سیاست و خط‌مشی، در واقع در تبعیت از جامع‌نگری اتخاذ می‌گردد که مسائل ملی و کشوری و حتی فراتر از آن موضوعات انسانی را مد نظر داشته و آن را از منافع بخشی و سازمانی مهم‌تر می‌داند. به بیان دیگر، هر سازمانی برای حفظ و تکامل خویش و به تبع تکلیف و وظیفه‌ای که به عهده‌اش می‌باشد، بایستی هم نسبت به شناسایی و ترویج



روش‌های استفاده بهینه از منابع مربوط به حیطة وظایف اقدام کند و هم این که در همه زمینه‌های پژوهشی مرتبط با موضوع از همکاری با سایر مؤسسات دریغ ننماید.

- آموزش عمومی: مورد بعدی آموزش عمومی در نحوه مصرف، انتخاب منابع مناسب و صرفه‌جویی در مصرف می‌باشد. این آموزش می‌تواند هم به صورت توصیه و سفارش و هم به صورت وضع برخی قوانین به صورت اجباری (با آموزش ویژگی‌ها و نقاط قوت و همچنین نحوه اجرای آنها) مطرح شود.

- تدوین اصول برنامه‌ریزی ملی: با عنایت به اصول و معیارهای مذکور که به عنوان ریشه‌های توسعه پایدار در فرهنگ اسلامی مطرح شدند رعایت اصول زیر به عنوان مبانی برنامه‌ریزی ملی توصیه می‌شود: تعادل، اصلاح، استكمال، وحدت‌گرایی، آینده‌نگری، عبرت‌گیری، تذکر پذیرى، تطهیر،^۱ کل‌نگری و بالاخره جامع‌نگری.

۲-۶. شهر سالم

یکی از موضوعاتی امروزه توجه به آن باب شده، موضوع "شهر سالم" است. برای "شهر سالم" طبق تعاریفی که از سوی سازمان جهانی بهداشت^۲ ارائه شده است ویژگی‌هایی را می‌توان برشمرد که به تعریف سلامت از نظر این سازمان^۳ و همچنین به تعریف شهر سالم برمی‌گردد. از نظر این تعاریف، ویژگی‌هایی همچون تمیزی، امنیت، پایداری، انسجام جامعه، مشارکت همگانی، تأمین نیازهای اساسی، دسترسی به تجارت و منابع، ارتباط با میراث

^۱ اگر چه که موضوع "بازیافت"، به عنوان پدیده یا ایده‌ای نو مطرح می‌شود، اما این درسی است که به راحتی می‌توان از طبیعت آموخت که هر فضولاتی را به تدریج و حتماً تطهیر خواهد کرد.

^۲ W.H.O.

^۳ "سلامت" از نظر سازمان جهانی بهداشت عبارت از "یک وضعیت مطلوب کامل جسمی، روحی و اجتماعی است و نه صرفاً نبود بیماری."

فرهنگی، بهداشت بالا، حدّ اقل بیماری و ساختار شهری مناسب را می‌توان به عنوان مختصات شهر سالم بر شمرد.^۱ دقت در این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت‌شان، برای هر یک از آنها بر اساس جهان‌بینی و فرهنگ و شرایط محیطی و اقلیمی و اجتماعی و اقتصادی جوامع و تمدن‌های گوناگون می‌توان تفاسیر و معانی و جلوه‌ها و حتی نمودها و روش‌های دستیابی متفاوتی را برشمرد که این تفاوت‌ها نشأت گرفته از تمایزات فکری و فرهنگی و محیطی جوامع می‌باشد. به عبارت ساده‌تر، استاندارد کردن مختصات و محدود نمودن راه‌های تجلّی کالبدی و عینی شهر سالم امری ناصواب است؛ و برای هر جامعه‌ای ضمن بهره‌گیری از دست‌آوردهای سایر جوامع و در عین تبادل نظر و مشارکت با آنها بایستی جهان‌بینی و فرهنگ و محیط و شرایط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ملی و بومی را ملحوظ داشته و تعاریف و روش‌ها و ابزار محلی به کار گرفته شوند.

با عنایت به این که مقصود از ایجاد "شهر سالم"، فراهم آوردن فضا و محیط مناسب برای زندگی سالم انسان است، مبانی مورد نظر باید با عنوان انسان آغاز شده و در ادامه به موضوع رابطه انسان و جهان هستی که محیط زندگی (شهر) وجه بارز آن است توجهی جدی مبذول شود. مسایل مربوط به انسان که پرداختن به آن ضرورت هر مطالعه‌ای است، بحثی بسیار گسترده می‌باشد که غور در آن و روشن نمودن همه زوایای آن از حوصله این کتاب خارج است؛ اما باید توجه داشت که در هر جامعه و تمدنی، تا اهداف حیات انسان و آرمان‌های او که منبعث از جهان‌بینی وی هستند تعریف و تبیین نشوند، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها راه به جایی نخواهند برد.

برای انسان، هماهنگ با مراتب سه‌گانه وجودش که مشتمل بر بدن، نفس و روح هستند (ر.ک: جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲۲، ص ۱۹۲ و کربن، ۱۳۷۳، ص ۸۶) سه نوع نیاز می‌تواند

۱. برای مطالعه در زمینه شهر سالم، ر.ک: سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۷۳، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹



مطرح شود که عبارتند از نیازهای مادی،^۱ روانی^۲ و معنوی.^۳ پاسخ‌گویی به این نیازها مراتب و ابزار متفاوت و خاص خویش را طلب می‌نماید که هر چه از مادیت به سمت معنویت می‌رود، اولاً از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد؛ و ثانیاً وسایل و ابزار مربوطه پیچیدگی بیشتری می‌یابند.

روابط انسان با جهان خارج را در سه مقوله اصلی می‌توان خلاصه کرد: رابطه انسان با هم‌نوعان (اجتماع)، رابطه انسان با طبیعت و رابطه انسان با ساخته و مصنوع خویش. در مورد این روابط، بدون دخول در جزئیات، تنها به عناوین اصلی مثل وحدت جامعه، امنیت، ارتباط سالم و مطلوب آحاد جامعه با یکدیگر، حفظ کرامت انسان و ارتباط با گذشته و امید به آینده اشاره می‌شود که محیط زندگی می‌تواند در ایجاد و تقویت آنها ایفای نقش نموده و شهر سالم بایستی بر پایه آنها شکل بگیرد (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۴).

علی‌اِیحال، شهر به عنوان موجودیتی که به مثابه ظرف حیات و فعالیت‌های انسان ایفای نقش می‌نماید، توسط بسیاری از متفکرین همانند موجودی زنده تلقی شده است که نمی‌توان مثل یک ماشین با آن برخورد کرد. نقش فرهنگ و جهان‌بینی در شکل‌گیری محیط زندگی و مختصات آن و از جمله سلامت، نقشی است که به هیچ وجه نمی‌توان آن را نادیده انگاشت یا حتی دست‌کم گرفت. غفلت از این امر گاهی آگاهانه و در جهت استحاله و دگرگونی فرهنگ یک جامعه انجام می‌پذیرد. و البته در بسیاری از موارد نیز به جهت مخفی بودن چگونگی فرآیند تجلی ارزش‌های فرهنگی جامعه در کالبد آن و همچنین مستور بودن تأثیری که کالبد شهر بر تحولات فرهنگی و انسانی دارند، غفلت از مرعی داشتن رابطه فرهنگ و محیط شهری به منصفه ظهور می‌رسد.

1. Corporeal

2. Mental

3. Spiritual

علاوه بر ویژگی‌های مادی که معادل و متضمن سلامت فیزیولوژیک انسان هستند، موضوعات دیگری نیز باید مد نظر قرار گیرند که از طریق آنها سلامت معنوی (روحانی) و روانی (نفسانی و ذهنی) شهروندان تأمین شود. وحدت جامعه، امنیت شهروندان (در مقابل بلایای طبیعی و حوادث غیرمترقبه و آثار سوء ناشی از فعالیت‌های انسانی و در برابر انواع آلودگی‌های محیطی و روانی و فرهنگی و معنوی)، توجه به کرامت انسان و رجحان او به ویژه بر مصنوعات خودش و بالاخص بر ماشین، القای معنویت بر انسان و تذکردهی به وی در فضاهای شهری، حفظ ارتباط انسان با گذشته، تجلی زیبایی، پاکیزگی و بهداشت محیط از مباحثی هستند که می‌توانند در ایجاد ارتباطات صحیح ایفای نقش نموده و شهر سالم‌تری بر پایهٔ توجه به آنها شکل بگیرد.

۲-۷. مشارکت عمومی

موضوع مشارکت عمومی و فراهم بودن امکان دخالت و تصمیم‌گیریِ آحاد جامعه در مورد سرنوشت خویش و از جمله پدیدآوردن و توسعه و مدیریت شهرشان از موضوعات روز است. مشارکت عمومی به طور کلی موضوعی بسیار گسترده است که می‌تواند در قلمروهای مختلف مرتبط با زندگی فردی و جمعی، در زمینه‌های گوناگون علمی و فرهنگی و هنری، در مباحث نظری و عملی، در شیوه‌های مدیریتی و هدایتی و نظارتی و آموزشی و سایر مسایل اجتماعی مطرح شود. هر یک از این موارد نیز مشتمل بر طیف وسیعی از مباحث هستند که به انضمام شیوه‌های اجرایی آنها می‌توانند بر گستردگی موضوع بیفزایند. یکی از اصلی‌ترین میدان‌های مشارکت عمومی، زمینه‌های فرهنگ و هنر و شکل‌دادن به محیط زندگی (یا شهرسازی) است؛ و این مشارکت به نحوی است که امکان جلوگیری از آن و یا هدایت کامل آن نمی‌باشد؛ بلکه فقط می‌توان در شدت و ضعف این مشارکت و تأثیرات آن



مؤثر بود. این زمینه‌ها به دلیل ارتباط شدید و خصلت مردمی بودن و تعلقشان به همه مردم همواره با مشارکت عمومی در حال تغییر و تعالی و تکامل یا افول و انحطاط می‌باشند. در واقع، مفاهیم و تعبیری چون فرهنگ، هنر، زندگی، معنا، محیط و انسان حلقه‌هایی متداخل و یا به عبارت بهتر رشته‌هایی درهم‌تنیده و یکپارچه هستند که شناسایی هر یک از آنها منوط به شناخت سایر موضوعات است.

مشارکت عمومی در امور اجتماعی و از جمله مشارکت در شکل‌دادن محیط زندگی در طول تاریخ به شیوه‌های مختلفی انجام شده است که این شیوه‌ها همواره کم و بیش در جوامع مختلف وجود داشته و می‌توانند به عنوان ادله لزوم مشارکت عمومی ایفای نقش نمایند. در جهت تبیین ویژگی‌های مشارکت مردم در امر شکل‌دادن محیط زندگی‌شان لازم است که برخی مشخصه‌های عمومی مشارکت به اختصار بیان شود. سازمان‌های غیردولتی (به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مشارکت) به روش‌های مختلف می‌توانند در شکل‌گیری فضای مناسبی که تجلی وحدت و هویت ملی است مشارکت نمایند، که برخی از مهم‌ترین این روشها و زمینه‌ها عبارتند از: راهنمایی مردم و نهادهای دولتی، نظرخواهی، ارزیابی، توضیح حقوق اجتماعی، تدوین مبانی نظری و سایر مواردی که در نظامات تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مؤثر هستند.

۲-۸. سرمایه‌های اجتماعی

از گذشته‌های دور، موضوعاتی چون قدرت‌های نظامی و مالی، در اختیار داشتن علوم مختلف، دسترسی به دانش و سامانه‌های ارتباطی و امثال اینها به عنوان سرمایه و عامل قدرت و دوام بقای جامعه و ملت معروف بوده و مردمان سعی در گرایش به کسب آنها داشته‌اند. امروزه موضوع دیگری، اگر نگوئیم کاملاً جایگزین آنها شده، به عنوان یکی از

عوامل قدرت و دوام و بقای جامعه مطرح شده است و آن "سرمایه‌های اجتماعی" است. سرمایه‌های اجتماعی که در طیف وسیعی از آثار، آیین‌ها، باورها، اعتمادها، احساس امنیت‌ها و سایر موارد مربوط به زندگی اجتماعی و روابط انسانی و اجتماعی قابل طرح هستند، عموماً به "وحدت اجتماعی" و "احراز هویت جمعی" واحد گرایش دارند. در باره این موضوعات، در فصول بعدی نیز مباحثی مطرح شده‌اند، که بحث حاضر را تکمیل می‌کنند.

نظرات و آرایه‌ای که اخیراً در شهرسازی مطرح می‌شوند به "سرمایه اجتماعی" توجه ویژه‌ای مبذول می‌دارند و یکی از اصلی‌ترین عوامل تقویت سرمایه اجتماعی، فضاهای شهری هستند. فضاهایی که تعاملات و مراودات اجتماعی در آنها رخ می‌دهند، آیین‌های جمعی در آنها بر پا می‌شوند، رفتارهای عمومی به منصفه ظهور می‌رسند و جلوه فرهنگ جامعه هستند. اگر چه موضوع "سرمایه اجتماعی" عنوان جدیدی است، اما موضوعات اصلی مربوط به آن که همان "وحدت جامعه"، "هویت جامعه"، "فرهنگ جامعه" و موضوعاتی از این قبیل هستند ریشه‌ای دیرینه در آداب و شیوه زیست تمدن‌های کهن دارند. ثانیاً سایر متفکرین و ارائه‌کنندگان سایر تئوری‌ها نیز به صورت غیرمستقیم و یا به عبارت بهتر به موضوعاتی اشاره کرده‌اند که مقوم سرمایه اجتماعی هستند، مثل امنیت، اعتماد اجتماعی، مشارکت-پذیری اجتماعی، جامعه مدنی، حقوق شهروندی، ارتباطات و مراودات اجتماعی، رضایت-مندی، شهروندی، اجتماع‌پذیری، فعالیت‌های اجتماعی، کاربری مختلط، دسترسی، رویارویی و مراسم شهروندی، معاشرت، پاکی، جذابیت و جامعیت فضا، پیوندهای اجتماعی.

سرمایه اجتماعی زمینه‌ساز پیشرفت برخی جوامع، و فقدان آن عامل عدم شکوفایی بعضی از جوامع دیگر قلمداد شده است. این نظر از آنجا ناشی می‌شود که تعبیر سرمایه اجتماعی از پدیده دوستی برمی‌خیزد و این سبب رشد "میزان اعتماد متقابل" و همین‌طور تقویت "میزان مشارکت‌پذیری" می‌شود (ر.ک: فقیهی و فیضی، ۱۳۸۶). علاوه بر آن، برخی



بر این باور هستند که ارزش اجتماعی می‌تواند نقش منبعی برای دستیابی اعضای جامعه به خواسته‌هایشان را ایفا نماید (ر.ک: Coleman, 1988, p101). به عبارت دیگر، با تقویت و فزونی سرمایه اجتماعی امکان وصول مردم به خواسته‌هایشان تسهیل می‌شود.

اما در باب نقش و جایگاه فضاهای شهری (یا فضاهای حیات جمعی) در تقویت سرمایه‌های اجتماعی، بسیاری از متخصصین و صاحب‌نظران، معیارها و شاخص‌هایی را برای فضای شهری برشمرده‌اند که این معیارها و شاخص‌ها می‌توانند بر تقویت سرمایه اجتماعی نیز تأثیرگذار باشند، که در جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از: فعالیت‌های مناسب، کاربرهای مختلط، نفوذپذیری و قابلیت دسترسی، انعطاف‌پذیر بودن و اختلاط اجتماعی، قابلیت فضا برای تعامل و برپایی مراسم شهروندی، مدیریت و هماهنگ سازی فعالیت‌های شهروندی، راحتی و دارای مناظر زیبا بودن، ایمنی و امنیت فضا، سرزندگی، پویایی، راحتی و نظافت و پاکیزگی؛ که طبیعتاً تعاریف و مصادیق این معیارها و شاخص‌ها در جوامع مختلف متفاوت‌اند.

در این فرصت، بی‌مناسبت نیست تا به تمایز برخی از واژه‌ها و تعابیر در فرهنگ‌های مختلف اشاره شود. اصلی‌ترین واژه، واژه "وحدت" است، که به صورت "وحدت اجتماعی" کاربرد دارد. "وحدت اجتماعی" به دو صورت اصلی: وحدت اصیل و وحدت قراردادی ظاهر می‌شود. وحدت اصیل ناشی از تمرکز آحاد یک جامعه حول یک اصل (یا یک‌سری اصول، به عنوان مرکز و محور توجه) و باور معنوی و به ویژه حقیقتی الهی و به عنوان یک مقصد و تکلیف الهی است که بر پایه ایمان انجام می‌شود، و به سهولت تفرق‌پذیر نیست. اما وحدت قراردادی، وحدتی است که بر پایه منافع مشترک یا بر اساس قراردادهای اجتماعی صورت می‌پذیرد. در حالت اول، امت به منصفه ظهور می‌رسد که از پایداری و دوام بیشتری برخوردار است؛ و در حالت دوم جامعه‌ای ظاهر می‌شود که پایداری آن، به دوام منافع مشترک و قوانین و قراردادهای وابسته است و هر چقدر که منافع، مادی‌تر و زودگذرتر و

رقابت‌ها نیز حذفی‌تر باشند، احتمال از هم پاشیدن وحدت جامعه، و تفرق آن، بیشتر است. شاید بتوان، در حالت اول، "منظومه"‌ای را مطرح کرد که با حذف یکی از اعضاء اختلال در وحدت حاصل می‌شود، اما حالت دوم، "مجموعه"‌ای ظاهر می‌شود که هر عضوی، علی‌رغم عضویت در مجموعه، مستقل بوده و عمدتاً به خویش می‌اندیشد و مجموعه را برای خود می‌خواهد. به هر حال، این موضوعات، طرح مباحث دقیقی را طلب می‌کنند که از حوصله این نوشتار خارج‌اند و خواننده فرهیخته، به مراجع ذی‌ربط ارجاع می‌شود.

خلاصه

با عنایت به آنچه که به اختصار ذکر شد معلوم می‌شود که بسیاری از تعبیر و مفاهیم و نظریه‌ها هستند که صبغه‌ای فطری یا جهانی یا انسانی دارند و مورد پسند و توجه و امعان نظر همه جوامع و تمدن‌ها هستند. نکته مهم در این است که باید توجه داشت و با عنایت به جهان‌بینی و فرهنگ جامعه و ویژگی‌های نسخه بومی این تعبیر و مفاهیم و نظریه‌ها را بازشناخت و آنها را مبنای طرح‌ها و برنامه‌ها قرار داد؛ و از تکرار و تقلید روش‌ها و طرح‌ها و برنامه‌های بیگانه به جد احتراز کرد.

در این فصل به برخی از موضوعاتی اشاره شد که اگر چه مستقل از یکدیگر به نظر می‌رسند، اما مجموعه آنها در تعریف جایگاه و اهمیت زندگی جمعی و فضاهای مناسب برای زندگی اجتماعی نقشی اساسی را عهده‌دار هستند. اهم این موضوعات عبارتند از: جهان‌بینی، فرهنگ، تمدن، توسعه پایدار، شهر سالم، مشارکت، جهانی شدن و سرمایه‌های اجتماعی، که آشنایی با آنها، نشان خواهد داد که هر جامعه‌ای شهر و فضای خاصی را برای زندگی طلب می‌کند، که با شهرها و فضاهای سایر جوامع تفاوت‌هایی بنیادین خواهند داشت.

خودآزمایی

- ۱- فرآیند ظهور یک تمدن از طریق جهان بینی و فرهنگ را توضیح دهید؟
- ۲- جهانی شدن را توضیح دهید و موضوعات مرتبط با آن را برشمارید؟
- ۳- جایگاه سرمایه‌های اجتماعی در شکل‌گیری فضاهای شهری را توضیح دهید؟
- ۴- معنای جامعه مدنی چیست؟
- ۵- اصلی‌ترین تمایز "جامعه مدنی دینی" و "جامعه مدنی غیردینی" در چیست؟
- ۶- فرهنگ را تعریف کنید؟
- ۷- چه رابطه‌ای بین مشارکت عمومی و شکل‌گیری شهر و فضای شهری می‌شناسید؟
توضیح دهید؟



فصل سوم

در چستی فضاهای باز شهری

و مصادیق آن

اهداف

هدف از مطالعه این فصل، آشنایی با مطالب زیر می‌باشد:

- ۱- طبقه‌بندی محیط مصنوع
- ۲- مصادیق مختلف فضاهای باز شهری
- ۳- تعریف "فضای شهری" و مصادیقی از آن
- ۴- "فضاهای عمومی"
- ۵- عناصر اصلی محصورکننده فضاهای باز شهر

مقدمه

از آنجایی که آشنایی با قلمروها یا اصلی‌ترین پهنه‌های تشکیل‌دهنده شهر، ضرورت اولیّه آشنایی با فضاهای باز شهری است، در این مجال، و در جهت معرفی و توضیح مصادیق فضاهای باز شهری، به راه‌های طبقه‌بندی قلمروها و پهنه‌های اصلی شهر اشاره می‌شود. مقدمتاً قابل ذکر است که نگاهی به عکس‌های هوایی یک شهر، یا به هنگام عبور از معابر یک شهر، دو پهنه، یا دو قلمرو و یا دو زمینه اصلی قابل مشاهده‌اند: یکی زمینه‌های ساخته‌شده و ارتفاع‌یافته از زمین و دیگری زمین‌هایی که در آنها ساختمانی برپانگشته است؛ که ذیلاً به نام‌ها و ارتباط این دو زمینه با یکدیگر اشاره می‌شود.

۳-۱. طبقه‌بندی محیط مصنوع

به هر آنچه که توسط انسان به منظور زندگی و تسهیل فعالیت‌هایش ایجاد می‌شود می‌توان شیء "انسان‌ساخت" اطلاق نمود که از مهم‌ترین این نوع پدیده‌ها تغییرات یا اشیایی است که در زمین و محیط ایجاد می‌شوند که به آنها به طور عام "محیط مصنوع" اطلاق می‌کنیم. از آنجایی که مهم‌ترین تغییرات توسط انسان برای زندگی و بقایش در طبیعت از طریق ایجاد مجتمع‌های زیستی انجام می‌شود و با توجه به گستردگی و وسعت شهرها و تأثیر آنها بر طبیعت، تمرکز اصلی بر شهر متوجه خواهد بود. تمرکز بر شهر از آن جهت اهمیت دارد که شهر به عنوان وسیع‌ترین اثر بشر روی کره زمین محلّ زیست‌کسانی است که در عین احتیاج معنوی و مادی به طبیعت و عناصر طبیعی برای تداوم حیات خویش (با ملحوظ داشتن یا غفلت از قانون‌مندی‌های طبیعت) بیشترین تغییرات و گاهی نیز بیشترین آسیب

را تا حدّ ظهور بحران، به طبیعت وارد کرده‌اند. نکته مهمّ این که، بحران موجود، حیات و سلامت شهرها را نیز به طور جدّی تهدید می‌نماید. علی‌اّتحال، محیط مصنوع یا شهر، به شیوه‌های مختلفی قابل طبقه‌بندی است که اهمّ آنها به شرح زیر هستند:

• در یک نوع طبقه‌بندی، محیط مصنوع مشتمل بر دو دسته عناصر انسان‌ساخت و عناصر طبیعی است؛ با این تذکّر که اولاً عناصر انسان‌ساخت نیز از تغییر شکل عناصر طبیعی پدید آمده‌اند و ثانیاً مکان برخی از عناصر طبیعی از جمله گیاهان، آب، در مواردی حیوانات، خاک و حتّی میزان استفاده از نور و هوا و میدان دید و ارتباط با سایر عناصر طبیعی نیز توسط انسان تعیین می‌شود. برای مثال، مقایسه یک باغ با جنگل طبیعی، حکایت از تعیین مکان و نوع گیاهان و تعیین مکان و مسیر آب توسط انسان را دارد.

• از منظر دیگر، محیط مصنوع را می‌توان به دو طبقه سطوح ساخته‌شده (یا ساختمان‌ها و عمارات) و سطوح ساخته‌نشده (یا فضاهای باز) تقسیم کرد. البته سطوح کف‌سازی شده و فضاهای سبز نیز در طبقه سطوح ساخته‌نشده قرار می‌گیرند. به این ترتیب، ممکن است طبقه دیگری به این طبقات اضافه کرد و آن سطوح کاملاً طبیعی هستند، که انسان‌ها هیچ دخل و تصرفی در آنها انجام نداده‌اند که معمولاً مقدار این گونه زمین‌ها در محدوده شهرها بسیار اندک است.

• نوع دیگر، طبقه‌بندی بر طبق دو تعبیر "توده" و "فضا" است. از تعابیر یا اصطلاحاتی که طی سال‌های اخیر، به ویژه در ادبیات شهرسازی رایج شده و علاوه بر برخی مراکز آموزشی، از سوی کارشناسان کارفرمایان پروژه‌های شهری نیز مورد استناد قرار می‌گیرد، تعبیر "فضای پر و خالی"، "توده و فضا"، "جرم‌گذاری" و تعابیری از این قبیل می‌باشد که متوجه نسبت سطوح اشغال‌شده توسط ساختمان و سطوح خالی یا نسبت سطوح ساخته‌شده و فضاهای باز است. بدون دخول در بحث مطلوبیّت، عدم مطلوبیّت و لزوم یا عدم لزوم

پرداختن به این مباحث با تعیین نسبت‌های مناسب و سهم هر کدام، نکات قابل توجهی در این زمینه وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- نکتهٔ اول این است که علی‌رغم توصیهٔ لحاظ کردن توده و فضا، انواع و وضعیت مطلوب نسبت فضای خالی و سطوح اشغال نشده، مشخص نیست. مثلاً نسبت معابر و فضاهای باز شهری و میداين در مقایسه با فضاهای باز خصوصی (حیاطها) معلوم نیست. یا اگر این نسبت معلوم باشد و مورد توجه قرار گیرد، معلوم نیست که کدام نوع از فضاهای خصوصی (حیاطهای خانه‌ها یا حیاط مجتمع‌های آپارتمانی) مد نظر هستند.

- گاهی از افزایش فضای باز به عنوان نقطهٔ قوت و وجه مثبت و لازم طرح‌های شهری سخن به میان می‌آید؛ اما در عین حال، معلوم نمی‌شود که جایگاه این فضای باز و مراتب و انواع متشکلهٔ آن کدام‌اند؟ مثلاً معلوم نیست که نسبت معبر، میداين، پارک‌ها، باغ‌های درون‌شهری و حیاطها (که میزان خصوصی یا عمومی بودنشان واجد اهمیت است)، چه باید باشد. یا مشخص نیست که فضای باز باید قابلیت درک بصری داشته باشد تا فضای باز محسوب شود، یا این که فضاهای ساخته شدهٔ محصور (مثل حیاطها) نیز جزء فضاهای باز محسوب می‌شوند.

- نوع و ویژگی‌های توده‌های ساختمانی از نظر حجم (ابعاد و تناسبات) و ارتفاع و جنس و بافت مصالح، نیز مشخص و تعریف شده نیستند و حتی اگر اظهارنظری در مورد آنها ارایه شود، مستخرج از سایر موضوعات و مطالعات بوده و ربطی به رابطه و نسبت "توده" و "فضا" ندارند. این در حالی است که جملگی این ویژگی‌ها بر ادراک انسان از فضا و محیط تأثیر غیرقابل انکاری دارند.

- موضوع مغفول دیگر، نقش "توده" و "فضا" و نسبت و رابطهٔ آنها، در شکل‌گیری سازمان فضایی شهر (یا مرکز شهر یا محلات آن) است که جز در برخی از مطالعات (ر.ک: توسلی و

بنیادی، ۱۳۷۲ و توسلی، ۱۳۷۹)، یا به آن اشاره‌ای نشده و یا این که کاربرد آنها در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها تبیین نشده و به صورت مقوله‌ای مبتنی بر مبانی نظری، مورد استفاده و توصیه قرار نگرفته است. در مورد رابطه توده و فضا، اگر چه "مسأله اساسی نحوه ترکیب" آنها مطرح می‌شود، اما باید توجه داشت که زمینه‌های مختلف در این ترکیب دخالت دارند که اصلی‌ترین آنها زمینه‌های فرهنگی و اقلیمی هستند؛ و تأثیر آنها را در مقایسه شهرهای تاریخی ایرانی و توسعه‌های مدرن می‌توان مشاهده کرد.

- پوشش فضاهای باز از نظر نوع و بافت و رنگ و جنس، نوع پوشش گیاهی یا سطوح آبی نیز، در عین حالی که واجد ارزش و اهمیت متفاوتی هستند، معمولاً مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

۲-۳. فضاهای باز شهری و شیوه‌های طبقه‌بندی آنها

فضای باز مقوله‌ای است که در برنامه‌ریزی و طراحی و توسعه شهری همواره یکی از عوامل مورد بحث است. از سویی برای تأمین فضای حرکت و تنفس شهر و فراهم آوردن چشم‌انداز مناسب و تأمین فضای برپایی مراسم و آیین‌ها و استفاده از آن به عنوان مکان مناسب امدادسانی در سوانح و بحران‌ها و ایجاد فضای انسانی و متعادل نیاز به آن تذکر داده می‌شود. علاوه بر آن، فضای باز شهری یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های ایجاد ارتباط (لازم) بین انسان با طبیعت است. مضافاً این که فضاهای باز شهری (و از جمله فضاهایی که "فضای شهری" نامیده می‌شوند)، در حیات اجتماعی و تأمین ارتباطات انسانی آحاد جامعه نقش اساسی ایفا می‌کنند.

در عین حال، نگرش سوداگرانه به زمین و تفکر سوداگرانه‌ای که به هزینه‌های تأمین زیرساخت‌ها بیش از سعادت انسانها می‌اندیشد، سعی در به حد اقل رساندن فضاهای باز

شهری، یا مرتفع سازی دارد. این تنوع نگرش ها، جملگی نشأت گرفته از شیوه ها و روش ها و نوع استفاده ای است که به تناوب در ادبیات منتشره در مغرب زمین به آنها اشاره شده است. به این ترتیب، معمولاً آداب و سنن و آیین های ایرانی به انضمام انسان و جایگاه او در فضاهای باز شهری و رابطه آنها با این گونه فضاها مغفول مانده اند. علاوه بر آن، در بسیاری از موارد نیز آراء مناسبی که فضای زیست مناسب انسان را تشریح می کنند مورد غفلت قرار می گیرند.

برای فضاهای باز شهری طبقات مختلفی قابل ذکر است که اصلی ترین آنها که مورد توجه شهرسازان و طراحان و مدیران شهر هستند، عبارتند از: "فضای شهری"، "فضای جمعی" و "فضای سبز"؛ که با عنایت به اهمیت اینها، قبل از مصادیق فضاهای باز شهری که در فصل بعد به آنها اشاره خواهد شد، در این فصل به توضیح و معرفی این سه مورد اشاره می شود.

شیوه های مختلفی برای طبقه بندی فضاهای شهری به کار گرفته می شود. یکی از این شیوه ها، طبقه بندی فضای شهری با استناد به موضوع محصور کننده و تعریف کننده یا به عبارتی ویژگی های بدنه فضا است. این نظریه، فضاهایی را که بدنه آنها متشکل از عناصر معماری است و به تعبیری با عناصر معماری محصور و تعریف شده اند را "سخت فضا" می نامد که نمونه بارز آن بسیاری از میدان های شهری و همین طور خیابان ها هستند. گروه دوم، از این منظر، فضاهایی هستند که عناصر طبیعی (به ویژه درختان) آنها را تعریف و محصور می نمایند؛ و به عبارتی، فاقد بدنه معماری بوده و بدنه آنها را گیاهان تشکیل می دهند، این نوع از فضاها نیز "نرم فضا" نامیده می شوند.

یکی دیگر از شیوه هایی که می تواند برای طبقه بندی فضاهای باز مورد استفاده قرار گیرد، استفاده از عملکرد عمومی آنهاست. عملکردهایی از قبیل حرکت، تجارت، تفریح و

بازی، گذران اوقات فراغت، ورزش، نمایش و برپایی آیین‌ها و جشن‌ها از اصلی‌ترین عملکردهایی هستند که در فضاهای باز رخ می‌دهند.

روش دیگر برای طبقه‌بندی فضاهای باز شهری، دسته‌بندی آنها بر اساس تناسبات بدنه و کف و نوع حرکت در آنهاست، که حتی ممکن است در مورد دو فضای با عملکرد ثابت (مثلاً حرکتی) اعمال شود. مثل تقسیم شبکه‌های حرکتی به خیابان و بزرگراه و میدان و کوچه و امثالهم.

برخی از طبقه‌بندی‌ها نیز نوعی ارزش‌گذاری را ملاک طبقه‌بندی قرار می‌دهند؛ مثل این که فقط فضاهای باز شهری با تناسبات زیباشناسانه یا فضاهای بازی که در آنها تعاملات اجتماعی رخ می‌دهد را "فضای شهری" می‌نامند و سایر فضاهای ساخته‌نشده بین ساختمان‌ها را صرفاً فضای باز (یا حتی فضاهای گمشده) می‌نامند.

۳-۲-۱. فضای شهری

برای فضای شهری، تعاریف متعددی از جمله "فضای زندگی و فعالیت‌های جمعی و اجتماعی"، "فضای تعاملات اجتماعی" و "فضایی با تناسبات زیباشناسانه" ذکر می‌شود؛ که البته بنا به آراء غربیان عدم مسقف بودن را نیز در خود مستتر دارد. علی‌ایحال، بدون دخول در مباحث و ویژگی‌های فضاهای شهری که در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف جلوه‌های کالبدی متفاوتی دارند که در موضعی دیگر به آنها اشاره شده است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ب)، در این مجال، مقصود از "فضاهای شهری"، آن دسته از "فضاهای شهری" اند که غیرمسقف می‌باشند و می‌توانند به عنوان دسته‌ای از "فضاهای باز شهری" مطرح شوند. مجدداً یادآور می‌شویم که این گروه فقط طبقه‌ای از طبقات "فضاهای شهری" هستند، و "فضاهای شهری" می‌توانند، به تناسب فرهنگ و اقلیم، فضاهایی سرپوشیده و مسقف نیز

باشند.

در توضیح این مباحث قابل ذکر است که با عنایت به مجموعهٔ مباحثی که در مورد “فضای شهری” مطرح هستند، از نظر این وجیزه، فضای شهری، فضای عمومی و عامی است که دسترسی همگان به آن امکان‌پذیر بوده و به عنوان مفصل فضاهای مختلف و مکان دسترسی به فضاها و عملکردهای عدیده‌ای ایفای نقش می‌کند. طبیعی است که اگر چه می‌توان برای فضای شهری ویژگی‌های کالبدی خاصی را تعریف کرد، اما این ویژگی‌ها، ویژگی‌های استاندارد نیستند و در جوامع مختلف تمایزات و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. نکتهٔ دیگری که برای فضای شهری مطرح است، امکان و مکان برپایی جمع‌ها و فعالیت‌ها و آیین‌ها و آداب خاصی است که برای جامعهٔ خویش به عنوان عامل هویتی و زمینه‌ساز وحدت اجتماعی ایفای نقش می‌کنند.

علاوه بر اینها، نه‌تنها فعالیت‌ها و آیین‌ها و آداب، که حتی کالبد و سیمای عمومی فضای شهری نیز واجد ویژگی‌ها و جلوه‌ای است که به عنوان عامل هویت کالبدی شهر ظاهر می‌شود. به این ترتیب، فضاهای مختلفی اعم از سرباز و سرپوشیده می‌توانند به عنوان فضای شهری ایفای نقش کنند؛ که یکی از طبقات آنها فضاهای غیرمسقف هستند؛ که مورد نظر این نوشتار نیز این نوع از فضای شهری است، و در مراجع دیگر به سایر انواع آن اشاره شده است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ب).

علی‌اِیحال، مقولهٔ فضای شهری، تعریف و ویژگی‌های آن یکی از موضوعات اصلی غالب مطالعاتی است که در زمینهٔ “شهر”، “حیات شهری”، “طراحی شهری”، “زیبایی‌شناسی شهر”، “هویت شهر” و سایر مباحث مرتبط با شهر اعم از مدیریت و آموزش و طراحی و ساخت (در دهه‌های اخیر) به انجام می‌رسند.

در زمینه بررسی متون مرتبط با فضاهای شهری، برخی تعابیر مثل فضای شهری، فضای عمومی، فضای عمومی شهری، فضای باز شهری و از این قبیل وجود دارند که ممکن است برداشت‌های متفاوتی از آنها مد نظر قرار گیرند. عمده‌ترین معادل بیگانه آنها urban space است که البته تعابیر دیگری نیز گاهی به کار گرفته می‌شوند.^۱ در این مجال، برخی از ویژگی‌های مطرح برای آن دسته از فضاهای شهری که فضای باز نیز هستند معرفی خواهند شد (به نقل از: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ب):

• امکان دسترسی عام: امکان دسترسی همه مردم در همه اوقات و بدون هیچ محدودیتی به یک فضا، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌هایی است که برای فضاهای شهری ذکر می‌شود. به بیان دیگر، فراهم بودن امکان حضور همه مردم در یک فضا با سهل‌ترین شرایط، فضا را به سمت ظهور به عنوان فضای شهری، یا به عبارت بهتر، به سمت مناسب بودن برای ایفای نقش فضای شهری گرایش می‌دهد و طبیعی است که هر چه زمان فعال بودن فضا فزونی یابد، این گرایش تشدید می‌شود.

• مسقف نبودن: فقدان سقف (یا مسقف نبودن) فضای شهری، یکی از معیارهای اصلی مطرح برای فضای شهری، در نسخه غربی و مصادیق رایج آن است. این معیار، با استناد به مصادیق رایج برای فضای شهری از قبیل میدان، خیابان، پارک، پله و کناره معرفی می‌شوند (ر.ک: بحرینی، ۱۳۷۷؛ توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱ و پاکزاد، ۱۳۸۴).

• دسترسی و حضور پیاده: یکی از ویژگی‌هایی که می‌توان برای فضای شهری برشمرد، امکان (یا لزوم) دسترسی و حضور پیاده در آن است. این ویژگی، به خصوص امروزه که دسترسی به بسیاری از فضاها با اتومبیل، از جمله قسمت اعظم سطح خیابان‌ها و میداين و

^۱ از قبیل: Urban open space و Public space، Public urban space.

برخی پارک‌ها و حتی فضاهای عمومی همچون برخی سینماها و رستوران‌ها و بانک‌ها^۱ امکان پذیر شده، از اهمیت برخوردار است. به این ترتیب، فضای شهری، باید فضای حضور پیاده‌ها و نه سواره‌های محصور در اطاقک اتومبیل‌ها باشد.

- حضور فیزیکی: در این دوران که فضاهای مجازی، برای تعاملات اجتماعی و حتی برای حضور مجازی افراد در فضاهای عمومی رو به افزایش و همه‌گیر شدن، و حتی زیارت مجازی نیز در حال توسعه است، توجه به حضور فیزیکی انسان‌ها در یک فضا، برای آن که آن فضا، "فضای شهری" نامیده شود، ضرورت دارد. البته امروزه، به تدریج تبعات منفی روحی و روانی ناشی از زندگی مجازی (اعم از خرید و آموزش و سایر ارتباطات) و تقلیل تماس‌های رو در روی انسان‌ها، در حال ظاهر شدن است؛ که مبتکران و مبدعان زندگی مجازی، با احساس این تبعات منفی، در حال جستجوی راه‌های امحاء یا تقلیل آنها هستند.
- رایگان بودن: یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های فضای شهری، رایگان بودن حضور در آن است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که فضای شهری، فضایی است که برای حضور در آن نیاز به پرداخت وجهی از سوی مردم نباشد. البته این شرط را نیز همچون سایر شروط نمی‌توان به صورت مطلق مطرح کرد، چرا که ممکن است در برخی از اماکن، مثلاً برای ورود به برخی از پارک‌ها (به تناسب عملکرد آنها یا در بعضی جوامع) یا برای ورود به برخی از فضاهای شهری که جنبه تاریخی یافته‌اند، وجه مختصری از افراد دریافت کنند؛ و در مقابل، بسیاری از فضاها هستند که علی‌رغم عدم لزوم پرداخت وجه برای حضور در آنها، هیچ شباهت یا تناسبی با فضای شهری ندارند. بنابراین، این مورد نیز موضوعی است که در هر جامعه‌ای مصداق خاص خود را دارد و به طور کامل قابل تعمیم نیست

^۲. Driving cinema, Auto bank, etc

• عمومی بودن: شاید بتوان گفت که اصلی‌ترین ویژگی و صفتی که یک فضا را به عنوان فضای شهری ظاهر می‌کند، عمومی بودن آن است. عمومی بودن، به معنای آن که، اولاً همگان امکان ورود به آن را دارند و هیچ کس از حضور در آن نهی و منع نمی‌شود؛ و ثانیاً عملکرد خاصی برای آن معلوم و مشخص نشده باشد، یا این که علی‌رغم عملکرد خاص، امکان حضور مردم در آن بدون پرداختن به آن فعالیت‌های خاص، و پرداختن به سایر فعالیت‌های عمومی نیز ممکن باشد.

• ظهور تعاملات اجتماعی: مطابق اظهار نظر اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در مورد فضای شهری سخن گفته‌اند، "تعاملات اجتماعی" از ضروری‌ترین شرایطی است که به استناد آن، یک فضا، فضای شهری نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، وقوع تعاملات اجتماعی، شرط اصلی و ضروری ظهور یک فضا، به عنوان فضای شهری است. در عین حال، شاید به جای استفاده از تعبیر "تعاملات اجتماعی"، اصلح آن باشد تا از تعبیری همچون "حیات شهری" و "فعالیت‌های جمعی" و "حیات مدنی" و احراز "وحدت اجتماعی" و ظهور "هویت جمعی و ملی" سخن به میان آید.

۲-۲-۳. مصادیق فضاهای شهری

با توجه به آنچه که در باره "فضای شهری" و ویژگی‌هایی که برای آن مطرح می‌شود، مصادیق متنوعی نیز برای آن قابل ذکر است؛ که در این مجال، به برخی از آراء مطروحه در این زمینه اشاره می‌شود. برخی از نظرات فقط خیابان و میدان را عناصر اساسی شهر و مصادیق فضای شهری می‌دانند (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱، ص ۳). گاهی، پارک‌ها نیز به میدان و خیابان اضافه می‌شوند (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۳). بعضی نیز ورودی، میدان، مسیر، ساحل و کناره و پله را مصادیق فضای شهری می‌شمرند (پاکزاد، ۱۳۸۴). گاهی "فضای

شهری "فقط به مکان‌ها و محدوده‌هایی از شهر اطلاق شود که واجد ارزش‌های زیبایی-شناسانه باشند (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱، ص ۴۱). در این صورت، اولاً مکان‌های فراوانی (به خصوص در شهرهای جدید) فاقد شرایط لازم برای این که "فضای شهری" نامیده شوند هستند، ثانیاً بحث تعریف ارزش‌ها موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شود.

تعریف دیگری از فضای شهری، آن را صحنه‌ای می‌داند که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن به وقوع می‌پیوندد و خیابان‌ها، میداين و پارک‌ها یک شهر را مصادیق آن می‌داند (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۳). تعریفی دیگر از فضای شهری آن را فضایی می‌داند که در آن ارتباطات ویژه بصری و حرکتی در فضایی با خصوصیات خاص موجد فضای شهری است؛ که این خصوصیات (به نقل از زوکر) عبارتند از: ساختاری سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم، به صورت کالبدی برای فعالیت‌های انسانی و استوار بر قواعد معین و روشن "می‌داند (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱، ص ۱۸).

یک مطالعه دیگر، علاوه بر "باز بودن فضا"، "عمومی بودن فضا" و "برقراری تعاملات اجتماعی در فضا" را شاخص‌های ضروری و توأمان "فضای شهری" معرفی می‌کند (پاکزاد، ۱۳۸۴، ص ۵). به این ترتیب و از این منظر، فضاهای فاقد "تعامل اجتماعی"، "فضای شهری" نیستند، و به تعبیر دیگر، در اینجا تأکید بر این موضوع است که: فضایی را می‌توان "فضای شهری" نامید که در آن "تعامل اجتماعی" صورت پذیرد. به همراه این نظریه، در توصیف فضاهای شهری ایرانی آمده است: "فضاهای شهری ما هر چند ضعیف و مقطعی عمل می‌کنند دارای پتانسیل‌هایی هستند، و با شناسایی نقاط قوت و ضعف آنها و تقویت و تشویق زندگی جمعی قابل احیا می‌باشند" (پاکزاد، ۱۳۸۴، ص ۵). این در عین حالی است که "زندگی جمعی" ای که باید تقویت و تشویق شود تعریف شده نیست. در واقع، به دلیل عدم تعریف دقیق ویژگی‌ها و مصادیق زندگی جمعی، "هر گونه" ای از فعالیت‌های جمعی را

می‌توان بر آن مصداق داد، که در نتیجه این روند، امکان توسعه زندگی جمعی بیگانه که در بسیاری موارد با ارزش‌های فرهنگ خودی در تعارض خواهند بود، فراهم می‌گردد. علاوه بر آن، با استناد به "زندگی جمعی" و ارایه مصادیقی از آن، فضاهایی ایجاد می‌شوند که می‌توانند با فرهنگ خودی در تعارض باشند. این کاستی‌ها در عین حالی است که در گروه‌بندی فضاهای عمومی نیز، در حالی که معمولاً رسم بر این است که از "قاعده" و سپس "استثنا"ها می‌گویند، در اینجا "استثنائاتی" به عنوان یک قاعده ذکر شده‌اند، مثل قرار دادن ورودی‌ها و پله‌ها جزء فضاهای شهری که استثنائاتی از آنها (مطابق تعریف مورد نظر) فضای شهری‌اند و اکثریت موارد آن، شاخصه‌های سه‌گانه فضای شهری را ندارند.

گاهی نیز "فضای شهری" مکان اصلی وقایع و حوادثی تلقی می‌شود که نقشی خلاق در پیوند امروز با فردا را ایفا می‌کنند. فضای شهری مکان آمد و شد میان گذشته، حال و آینده است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۲، صص ۱۱-۱۰). این تعریف نسبت به سایر تعاریف جامع‌تر بوده و به صراحت، انسان و زمان را در تعریف فضای شهری و یا به عبارتی در شکل‌گیری آن دخیل می‌داند. این نظریه همچنین برای فضاهای شهری ویژگی‌هایی چون "شالوده"، مرکزیت و نماد شهر را به عنوان ویژگی‌های اصلی و اساسی برشمرده است. "اگر چه که در توضیح این ویژگی‌ها به موضوعاتی چون سیما، هویت، معنا، خاطره جمعی و امثال آن اشاره می‌شود، اما تمایزات این موضوعات در جهان‌بینی‌ها و فرهنگ‌های مختلف به صراحت شرح و توضیح نشده‌اند. در واقع، کالبد "فضا" مستقل از انسان و به ویژه مستقل از جهان‌بینی او مد نظر قرار می‌گیرد. علاوه بر آن، توجه کنیم که با عنایت به نقش خلاق که برای پیوند امروز با فردا برای فضای شهری قایل می‌شوند، تعداد و مصادیق فضای شهری به شدت تقلیل یافته و محدود می‌شوند. در واقع، اتفاقات خاصی که پیوند بین امروز و فردا را برقرار می‌کنند، یا اتفاقی بزرگ و همه‌گیر و تأثیرگذار و نادر هستند، و یا این که به حدی تکرار

می شوند که برای همه مردم واجد اهمیت و ارزش خارق العاده ای خواهند شد. به این ترتیب، بسیاری از فضاهایی که فضای شهری خوانده می شوند، دیگر فضای شهری نخواهند بود. تعبیر دیگری نیز می تواند از مفهوم "فضای شهری" ارائه شود و آن مفهوم، در حقیقت ادراکی است که انسان با توجه به جمیع جهات از یک شهر در ذهن خویش دارد. این مفهوم به عنوان هویت معنایی و معنوی و ادراک معنایی و ذهنی انسان از شهر مطرح می باشد که مشتمل بر ویژگی ها و اتفاقات و فعالیت ها و آداب و سنن و هنجارهایی است که در کلیت شهر به عنوان یک واحد می گذرد. به این ترتیب، مجموعه ای از ذهنیات و اتفاقات تاریخی، وقایع اتفاقیه، انتظارات و خاطرات که می توانند کلیات فضای شهر را به عنوان یک پدیده تعریف نمایند، به نحوی فضاهای جزئی تر شهر و یا آنچه را که تا کنون فضای شهری نامیده می شده اند را نیز تحت تأثیر خود قرار می دهند. البته توجه کنیم که این نوع نگرش، بر "فضای شهر" متمرکز است (یا به عبارتی "فضای شهر" را تعریف می کند؛ و کل شهر را به مثابه یک فضا می داند) و نه بر "فضای شهری".

علی ایحال، به اجمال می توان گفت که تقریباً جملگی محققینی که در باره فضای شهری افاضاتی دارند، عموماً بر جنبه "عمومی بودن فضا" و سروکار داشتن آن با "زندگی عمومی" در "فضای شهری" تأکید دارند. به عبارتی، تعبیر "فضای شهری" با "زندگی جمعی" و در عین حال با فراهم بودن "دسترسی عمومی" به فضا مترادف است.

در مورد ویژگی های کالبدی "فضای شهری" نیز آرای قابل بحثی ارائه می شود، از جمله این که قواعد روشن و معین فضای شهری عبارتند از: "ارتباط میان شکل بدنه ساختمان های محصورکننده، هم شکل و یک دست یا متنوع بودن آنها، ابعاد مطلق این بدنه ها نسبت به پهنا و درازای فضایی که در میان گرفته شده، زاویه گذرها یا خیابان هایی

که به میدان می‌رسند و سرانجام موقعیت و محل بناهای تاریخی، آب‌نماها و فواره‌ها یا عناصر سه‌بعدی دیگری که می‌توان بر آنها تأکید کرد“ (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱، ص ۱۸).

برخی از نظرات فضای شهری را فرآیندی اجتماعی- مکانی می‌دانند که تمام ساختمان‌ها، اشیاء و فضاهای محیطی و شهری و نیز افراد، رویدادها و روابط میان آنها را در بر گیرد (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ص ۱۳۷۹). این تعریف البته خاص فضای شهری نیست و به طور عام فضا را تعریف می‌نماید؛ اما در عین حال، بر وجوه و موضوعات کمی متمرکز بوده و از ذکر و اهمیت وجوه کیفی بر تعریف فضا غفلت ورزیده است. این نظر، در واقع، به جای “فضای شهری” (که مکان “زندگی جمعی” یا “زندگی در میان جمع” یا “مکان تعاملات اجتماعی” است)، “فضای شهر” را مد نظر قرار داده است.

همه اینها در حالی است که با عنایت به ویژگی‌های مطروحه برای فضای شهری و با توجه به شرایط فکری و فرهنگی و رفتاری و سرزمینی، در هر تمدن، مصادیق خاصی برای فضای شهری قابل ارایه‌اند؛ از جمله، برخی از اصلی‌ترین مصادیق فضاهای شهری در پهنه تمدن ایرانی عبارتند از: میادین، خیابان‌ها، بن‌بست و گذرها، جلوخان‌ها و پیش‌گاه‌ها، بعضی از پارک‌ها، مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، بازارها، زیارتگاه‌ها، قبرستان‌ها، مراکز محلات، ورزشگاه‌ها، حمام‌ها، غذاخوری‌ها، کاروانسراها، چهارسوها، محوطه‌ باز کاربری‌های عمومی، مدارس، مجاورت‌ها و مسیرها، عملکردهای موقتی و ادواری و کوچه‌باغ‌ها (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ ب).

۳-۲-۳. فضاهای عمومی

فضاهای عمومی، آن دسته از فضاهای باز شهری هستند، که یا دسترسی عموم مردم به آنها امکان‌پذیر است، یا برای عموم مردم تعیین شده‌اند، و یا این که بخشی از آنها (بخش باز) به

یک کاربری عمومی اختصاص یافته است. نکته قابل ذکر این است که واژه "عموم" نیز قابل-تفسیر است، گاهی مقصود از عموم، کلیه آحاد جامعه بدون هیچ قید و شرطی است. مثل این که بگوییم خیابان یک فضای عمومی است. گاهی مقصود از "عموم"، گروه خاصی از مردم است که از گروه های مختلف می باشند؛ مثل کسانی که با فضای باز یک دانشگاه یا یک مدرسه ارتباط دارند، و مجاز به ورود در آنها هستند. زمان دیگری نیز منظور از "عموم" جمع بیش از یک نفر است که هر چند ممکن است کوچک یا یک واحد اجتماعی باشند، اما فضاهای مورد استفاده آنها فضای عمومی نامیده می شود. زمانی نیز ممکن است فضایی از نظر فیزیکی عمومی نباشد، اما در معرض دید عموم باشد، که در این صورت نیز به آن "فضای عمومی" اطلاق می کنیم؛ مثل حیاط خانه یا باغی که با نرده محصور شده است. زمانی نیز یک فضای عمومی برای فعالیت های جمعی و عمومی است. گاهی نیز در یک فضایی که فضای عمومی نامیده می شود، فعالیت های فردی (یا چند نفره) در منظر و در کنار عموم اتفاق می افتند. علی ایحال، هم معنای فضای عمومی، هم مصادیق آن و هم کارکردهایش در طیف وسیعی قابل دسته بندی هستند، که علاوه بر مباحث این فصل، در فصول آینده نیز در باره آنها توضیحاتی ارائه خواهد شد.

نوع دیگری از فضاهای عمومی، "فضاهای عمومی خصوصی" است. اگر چه در گذشته نیز فضاهای عمومی اختصاصی وجود داشته اند، اما امروزه این گونه فضاها رو به فزونی گذاشته اند. فضاهای عمومی اختصاصی، فضاهایی هستند (که البته ممکن است فضایی کاملاً سر بسته، متشکل از فضای باز و سرپوشیده و فضایی کاملاً باز باشند) و فقط عده ای با شرایط خاص، مثلاً "عضویت" می توانند به آنها وارد شده و از امکانات آنها بهره مند شوند. بسیاری از فضاهای عمومی، به ویژه در شهرهای بزرگ و به خصوص با استقبال اقشار خاص اجتماعی فقط برای استفاده اعضای خویش تأسیس و دایر می شوند. به این ترتیب،

مشاهده می‌شود که فضاهای عمومی که بتوانند زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی باشند و حیات جمعی در آنها جریان داشته باشد، روز به روز اختصاصی‌تر می‌شوند، و عدهٔ محدودتری را در خویش جای می‌دهند. در واقع، با رواج این شیوه از زندگی و حیات جمعی، نوع نگرش به اجتماع و همچنین تفسیر جامعه از وحدت و هویت اجتماعی متحوّل و دگرگون خواهد شد.

۳-۲-۴. فضاهای سبز

فضاهای سبز از اصلی‌ترین فضاهای باز شهری هستند که به صورت‌های مختلف (اعم از فضاهای باز عمومی، فضاهای شهری، فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی) ظاهر می‌شوند. از نظر عامل ایجاد، فضاهای سبز موجود در شهر در دو گروه اصلی "فضاها و پهنه‌های سبز طبیعی" و "فضاهای سبز انسان‌ساخت" طبقه‌بندی می‌شوند که هر کدام از آنها نیز به نوبهٔ خود زیرمجموعه‌هایی دارند.

فضاهای سبز طبیعی مشتمل بر جنگل‌هایی هستند که در برخی از شهرهای خاصی که در مناطق مرطوب قرار گرفته‌اند وجود دارند. البته شاید بتوان جنگل‌های مصنوعی را که از نظر بافت و فضا و شکل عمومی و وسعت شباهت‌هایی با جنگل‌های طبیعی دارند نیز در این مجموعه قرار داد. این دسته از فضاهای سبز، عموماً وسعت قابل توجهی دارند و از نظم‌های هندسی و هماهنگ در آنها خبری نیست. در این گونه فضاها، فقط احتمالاً مسیرهایی برای حرکت و تأسیساتی برای پذیرایی از مراجعه‌کنندگان به فضا یا نگهداری و حفاظت از مجموعه وجود دارد. این گونه فضاها در مواقع و مواعد خاصی مثل ایام تعطیل، عصرها و شب‌های تابستان و جشن‌های خاص (مثل سیزده‌به‌در در ایران) مورد مراجعهٔ عمومی قرار می‌گیرند. طبیعی است که اصلی‌ترین نیاز این گونه فضاها، تأمین امنیت فضا و همچنین ایجاد تجهیزات و تأسیسات لازم برای رفاه مراجعین و نگهداری فضا می‌باشد.

گروه بعدی از فضاهای سبز، فضاهای سبز مصنوعی و انسان ساخت هستند که در گروه های بسیار متنوعی قابل طبقه بندی می باشند؛ و ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود:

- باغ ها، که در دو گروه اصلی باغ های سنتی یا باغ هایی که به منظور بهره برداری اقتصادی ایجاد شده اند و دیگری باغ های تاریخی که معمولاً در برخی شهرها وجود دارند و تعداد آنها نیز زیاد نیست.

- پارک ها، که از اصلی ترین گروه های فضاهای سبز شهری هستند که عموماً در قرن اخیر ایجاد شده و یا با استفاده از باغ های قدیمی شهرها تنظیم شده اند. پارک ها مقیاس های متفاوتی دارند و سطوح آنها نیز کاملاً متنوع است. یکی از ویژگی های مطلوب پارک ها، تلفیق فضای سبز با خدماتی نظیر فضاهای فرهنگی و کتابخانه ها و اماکن تفریحی و ورزشی است، که به همراه امکانات و مبلمان خاص خود جاذبه های مطلوبی دارند. در عین حال، به دلیل فقدان یا کمبود امکاناتی همچون پارکینگ و امنیت فرهنگی مشکلاتی را برای همسایگان و مراجعین در پی دارند.

- فضاهای سبز حاشیه و میانه معابر، مورد بعدی از فضاهای سبز شهری هستند؛ که اگر چه پهنای زیادی ندارند، اما هم به دلیل طول قابل ملاحظه شان و هم به دلیل ارتباطی که با فضاهایی چون پیاده روها و سواره روها و ساختمان های مجاور و تنظیم سیما و منظر شهرها دارند، دارای اهمیت و ارزش در خور توجهی هستند. در واقع، این مورد از فضاهای سبز، به دلیل تلفیق و آمیختگی شان با فضاهای حرکتی از مهم ترین مصادیق فضای سبز هستند و از جمیع جهات باید مورد امعان نظر قرار گیرند.

- بخشی از فضاهای سبز میانه یا حاشیه راه ها، فضاهای سبز میانه بزرگراه ها و سطوح میانه رمپ و لوپ های آنها و همچنین برخی فضاهای سبز حاشیه ها می باشند. تفاوت اصلی این

گروه، با گروه قبلی این است که برعکس گروه قبلی، این فضاهای سبز به دلیل محاط شدن در جریان سریع خودروها غیرقابل دسترس هستند.

- گروه بعدی فضاهای باز خصوصی، اعم از حیاط خانه‌ها، حیاط مجموعه‌های آپارتمانی، فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی و فضاهای باز ساختمان‌های عمومی هستند؛ که در بسیاری از مواقع دارای فضاهای سبز وسیع و مطلوبی می‌باشند.

۳-۲-۵. فضاهای طبیعی

علاوه بر جنگل‌ها (یا فضاهای سبز طبیعی) که تحت عنوان فضاهای سبز مورد اشاره قرار گرفتند، فضاهای طبیعی دیگری نیز می‌توانند در شهرها باشند که فضاهای باز (یا ساخته‌نشده) هستند.

این فضاها شامل دریاچه‌های طبیعی و مصنوعی، رودخانه‌ها، مسیل‌ها، چمن‌زارها، مرغزارها، کوه‌ها و تپه‌ها هستند. این فضاها از اصلی‌ترین فضاهایی هستند که به عنوان فضایی برای تفریح و ورزش و بازی ایفای نقش نموده، و ارتباط شهروندان را با طبیعت برقرار می‌نمایند. این فضاها همچنین در ایجاد سیما و منظر و چشم‌اندازهای زیبا ایفای نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کنند.

۳-۲-۶. فضاهای باز خصوصی

وسعت زیادی از فضاهای ساخته‌نشده و باز شهری فضاهایی هستند که می‌توان با عنوان "فضاهای باز خصوصی" از آنها یاد کرد. این فضاهای باز شامل طیف وسیعی از حیاط خانه‌های تک‌واحدی، حیاط بلوک‌ها یا مجموعه‌های چند واحدی، محوطه‌های مجتمع‌های مسکونی و همین‌طور فضای اختصاصی عملکردها و ساختمان‌های عمومی و خصوصی هستند.

طبیعی است که ویژگی‌های این فضاها، نوع حصارشان، نوع پوشش گیاهی آنها، و نوع استفاده از آنها بر سیما و منظر عمومی شهر و به ویژه فضاهای باز و معابر و میداين مجاورشان تأثیرگذار است.

اگر چه اطلاق واژهٔ خصوصی به برخی از فضاها مناسب به نظر نمی‌رسد، اما اگر خصوصیت را به ساختمان و عملکرد اطلاق کنیم و آن را منوط به جمعیت ندانیم، آنگاه می‌توان فضای باز مربوط و وابسته به بسیاری از ساختمان‌ها و عملکردهای عمومی (از قبیل صحن مساجد، زیارتگاه‌ها، حسینیه‌ها، جلوخان‌ها و فضاهای مشابه) را که مورد استفادهٔ عموم هستند، جزء این طبقه از فضاهای باز قرار داد.

۳-۳. مقایسهٔ فضاهای مختلف

توجه کنیم که تعبیری وجود دارند که ممکن است با یکدیگر خلط شوند؛ اهمّ این تعبیر عبارتند از: فضای شهر، فضای باز در شهر، فضای باز شهری، فضای شهری، فضای عمومی، فضای عمومی شهری و از این قبیل. با عنایت به آنچه ذکر شد، به منظور ایجاد تفاهم و هم‌زبانی، برخی از تعبیر مختلف مرتبط با فضاهای باز شهری، و اجمالی از ویژگی‌های هر کدام به شرح زیر خلاصه می‌شوند:

- فضای شهر: مقصود از فضای شهر مجموعهٔ عوامل هویتی شهر (اعم از عوامل کالبدی، عملکردی، معنایی و ادراکی) است که از سوی اهل شهر به عنوان یک صورت ادراکی و تصویر ذهنی قابل شناسایی است.

- فضای شهری^۱: هر گونه فضای قابل دسترس برای عموم مردم، که فعالیت‌های خاص معرف زندگی شهری (اعم از جمعی یا فردی در جمع) در آنها در جریان باشد و به عنوان نماد "شهریت" یا هویت شهری ایفای نقش نمایند، فضای شهری نامیده می‌شوند.
- فضای عمومی: به هر گونه فضای قابل دسترس برای عموم اطلاق می‌شود.
- فضای باز شهری: هر گونه فضای باز و قابل دسترس برای عموم در شهر است.
- فضای عمومی شهری: فضای شهری قابل دسترس برای عموم در همه زمانها و مورد استفاده برای فعالیت‌های عمومی اعم از فردی یا گروهی است.^۲
- فضای جمعی: اگر چه برخی افراد، فضای شهری^۳ را مترادف با فضای جمعی تلقی می‌کنند، اما مراد از فضای جمعی در اینجا، هر گونه فضای سرپوشیده و محصور یا سرباز شهری به منظور برپایی فعالیت‌های جمعی (مثل صحن یا شبستان مساجد، سالن‌های نمایش و امثالهم) است. در حقیقت باید به فرق و تمایز "عموم" و "جمع" (در مقایسه فضای جمعی و فضای عمومی) توجه داشت. به این ترتیب که در فضای عمومی عده‌ای با اهداف و فعالیت‌های مختلف گرد هم می‌آیند، ولی در فضای جمعی جملگی کسانی که در آن فضا حضور می‌یابند به فعالیت واحدی می‌پردازند، یا این که به نحوی با یکدیگر مرتبط هستند.
- فضا باز: به هر گونه سطحی در شهر اطلاق می‌شود که در ساختمانی بنا نشده باشد.
- فضای عمومی خصوصی: مقصود از فضای عمومی فضاهایی است که اگر چه به عموم تعلق دارد و بسیاری از مردم می‌توانند در آنها حضور یابند یا از آنها استفاده کنند، اما

^۱. مجدداً یادآوری این نکته ضرورت دارد، که در ایران این تعریف فقط آن دسته از فضاهای شهری را در بر می‌گیرد که سرپوشیده نیستند؛ والا فضاهای شهری مسقف و سرپوشیده نیز در این سرزمین وجود داشته‌اند.

^۲. فضای شهری اعم است (چون ممکن است فقط برای عملکردی خاص، مثلاً حرکت ماشین در نظر گرفته شود) در حالی که فضای عمومی شهر، اخص است یعنی حضور عموم مردم و استفاده از آنها برای برپایی آیین‌ها و مراسم و انعقاد هر گونه تجمعی لازم است.

^۱. Urban space

این حضور و استفاده نیازمند احراز شرایط خاصی است، مثل دانشگاه‌ها و مدارس و امثال اینها.

• فضای عمومی اختصاصی: این گونه فضاها که در شهرهای امروز رو به گسترش هستند شامل آن دسته از فضاهای عمومی می‌شوند که احراز شرایط خاصی برای ورود به آنها از جمله پرداخت حق عضویت یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی یا صنفی یا سیاسی ضرورت دارد. اهم این گونه فضاها باشگاه‌ها و کلوب‌ها می‌باشند.

خلاصه

در این فصل تقسیم‌بندی سطح شهر به پهنه‌های ساخته‌شده و ساخته‌نشده و نام‌گذاری‌های آنها توضیح داده شد. معرفی فضاهای باز شهری و طبقات مختلف آن، از جمله فضاهای شهری، فضاهای عمومی، فضاهای سبز و امثالهم نیز مورد بررسی قرار گرفت.

خودآزمایی

- ۱- اجزاء اصلی محیط مصنوع را چگونه می‌توان طبقه‌بندی کرد؟
- ۲- فضاهای باز شهری، در مقابل چه اجزایی مطرح می‌شوند؟
- ۳- تفاوت "فضاهای باز شهری" با "فضاهای شهری" در چیست؟
- ۴- مصادیق و جلوه‌های فضای باز شهری کدام‌اند؟
- ۵- آیا هر "فضاهای عمومی" الزاماً "فضاهای باز شهری" است؟
- ۶- طبقات مختلف فضاهای باز شهری کدام‌اند؟
- ۷- اصلی‌ترین عناصر محصورکننده فضا کدام‌اند؟



فصل چهارم

در اهمیت فضاهای باز شهری و

عملکرد آن

اهداف

هدف از مطالعه این فصل، آشنایی با مطالب زیر می‌باشد:

- ۱- اهمیت فضاهای باز شهری
- ۲- عملکردهای اصلی فضاهای باز شهری و نقش آنها در ظهور وحدت اجتماعی
- ۳- عملکردهای اطلاع‌رسانی، هنرمنداری و رفع برخی نیازهای انسانی
- ۴- اصلی‌ترین مصادیق فضاهای باز شهری

مقدمه

فصل حاضر به توضیح اجمالی سه موضوع اصلی می‌پردازد: بدو اهمیت فضاهای باز شهری را توضیح می‌دهد. پس از آن به معرفی و شرح عملکردهای اصلی فضاهای باز شهری و به عبارت دیگر، به شرح و تبیین عملکردهای مورد انتظار از فضاهای باز شهری خواهد پرداخت که اهمّ این عملکردها که در همهٔ ادوار و سرزمین‌ها به اشکال گوناگون وجود داشته و عبارتند از: ظهور وحدت جمعی و اجتماعی، انواع اطلاع‌رسانی، عملکرد هنری، رفع نیازهای انسانی، پیاده‌محوری، امکان برپایی آیین‌ها و بالاخره، اصلی‌ترین مصادیق فضاهای باز شهری را که عبارت از میدان‌ها، خیابان‌ها، جلوخان‌ها، میدانچه‌ها، پارک‌ها، حیاط‌ها، باغ‌ها، مزارع، قبرستان‌ها و زمین‌های ساخته‌نشده هستند، معرفی کرده و برخی از ویژگی‌های آنها را برمی‌شمارد.

۴-۱. اهمیت فضاهای باز شهری

شهرها به دلیل این که ظرف فعالیت‌ها و حیات و زندگی جامعه هستند، بیشترین ارتباط را با انسان برقرار نموده و جسم و ذهن او را تحت تأثیر قرار می‌دهند. انسان تقریباً در تمام طول عمر خویش در فضا و مکانی ساخته‌شده زندگی و فعالیت می‌کند. مدام احساس محصور بودن در فضایی را دارد که توسط عناصر انسان‌ساخت احاطه شده‌اند. قسمت اعظم حرکت او در مسیرها و در بین عمارات و فضاهای انسان‌ساخت انجام می‌شود. دائماً رنگ و اشکال و تناسباتی را از محیط ساخته‌شدهٔ پیرامون خود مشاهده می‌کند. همیشه انواع اصوات تولیدشده توسط فعالیت‌های خویش و هم‌نوعان خود را می‌شنود (و این در حالی

است که محیط و فضا در انعکاس و جذب و توزیع اصوات نقشی مهم ایفا می‌نمایند). اطلاعات بسیاری از محیط مداوماً از طریق حواس انسان ادراک می‌شود به نحوی که می‌توان گفت انسان دایماً (خواسته یا ناخواسته) در حال اخذ اطلاعات از محیط و فضای پیرامون خویش است.

همین اطلاعات ضمن آن که تجلی منویات و ارزش‌های فرهنگی انسان هستند، هدایت فکری و فرهنگی او نیز نقشی شایان توجه ایفا می‌نمایند. محیط و فضای زندگی، ضمن احراز هویتی خاص، ویژگی‌های هویتی خویش را نیز به انسان القا و تفویض می‌کند. امروزه، حتی مزه فعالیت‌های انسان (مثل دود و سرب و برخی مواد شیمیایی دیگر) را در فضای شهرها می‌توان حس کرد. همان‌گونه که بوی بسیاری فعالیت‌های انجام‌شده در عمارات و فضاهای شهری محسوس است. حتی در خواب نیز، انسان از شرایط محیطی (درجه حرارت، جریان هوا و صوت) ناشی از فعالیت برنامه‌هایی متأثر است، که خود تنظیم نموده است.

ویژگی‌های فضاهای عمومی و به ویژه آثار فعالیت‌های فردی و جمعی انسان‌ها و به خصوص آثار فعالیت‌های کسانی که در فضای فیزیولوژیکی زندگی و بدون توجه به جنبه‌های معنوی حیات انسان‌ها به هر طریقی که ممکن گردد، در شکل‌دادن به محیط و فضا عمل می‌کنند، به نحوی است که در بسیاری از موارد، انسان‌ها را مورد تهاجم روانی و فرهنگی قرار می‌دهند. به طوری که می‌توان گفت: امروزه، علاوه بر آلودگی‌های محیط طبیعی (آب و خاک و هوا) و سایر آلودگی‌های محیطی و فضایی، مثل انواع آلودگی‌های بصری و صوتی (و حتی فراتر از آنها)، آلودگی‌های فرهنگی و معنوی و روحی، به شدت روح و جسم ساکنین شهرهای بزرگ را تهدید می‌کنند. نمونه بارز این آلودگی‌ها را در انواع تبلیغات سوداگرانه و مزورانه‌ای می‌توان دید که سراسر فضای زندگی معاصر را در بر گرفته

و ضمن تشویق و ترویج مصرف، در تهییج امیال و شهوات مادی و این‌دنیایی انسان و حتی تحقیر او نیز ایفای نقش می‌نمایند. بسیاری از تبلیغات، به روشنی، انسان و فرهنگ او را به مسخره می‌گیرند، یا اسامی منفوری را برمی‌گزینند. در واقع، این نوع از تبلیغات سعی در سوق ادراک انسان و تغییر ذائقه وی به سمتی دارند که خود می‌خواهند و این گرایش دادن و جهت‌دهی (و یا به عبارت بهتر، این گمراه‌کنندگی و اغفال) از طریق خطاهای ادراکی (اعم از حسّی و عقلی) یا توسط القای اطلاعات نادرست، و با تمرکز بر مشتتهیات مادی انسان رخ می‌دهد. از دیگر شگردهای سوداگرانه، استفاده ابزاری از همه چیز، از زن و مرد و کودک و احساسات و غرایز و حتی مقدّسات جامعه است.

اگر چه بسیاری از این مقولات ظاهراً ارتباط مستقیمی با معماری و شهرسازی ندارند، لکن فعالیت‌ها و پدیده‌هایی هستند که اولاً در فضا و محیط ساخته‌شده رخ می‌دهند و بروز می‌کنند، ثانیاً معماران و شهرسازان و مدیران شهر به نحوی با آنها در تماس بوده و در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های خویش به آنها می‌اندیشند یا باید بیندیشند و ثالثاً، اکثراً میزان تغییرات تأثیر و ایفای نقشی که برای آنها مدّ نظر است بستگی تامی به طرح و برنامه‌های معماری و شهری دارند و رابعاً، مدیران شهری در به وجود آمدن و هدایت آن ایفای نقش می‌کنند.

به این ترتیب، اهمیت و جایگاه فضاهای باز شهری در تأثیرات فرهنگی و القای شیوه زیست و سایر تأثیرات که متعاقباً توضیح خواهند شد، روشن می‌شود. جایگاهی که بدون اغراق، اگر نگوییم در صدر توجهات است، باید به جدّ مورد توجه و امعان نظر قرار گیرد.

۴-۲. عملکردهای اصلی فضاهای باز شهری

برای فضاهای باز شهری، دو دسته عملکرد قابل شناسایی است: عملکردهای عام و عملکرد

خاص. عملکردهای عام، شامل عملکردهایی است که در میانه یا در کنار و جوار فضا رخ می‌دهند؛ و اهمّ این عملکردها عبارتند از: فعالیت‌های تجاری، حرکتی، تفریحی، مذهبی، فرهنگی، آموزشی، خدماتی، سیاسی، مسکونی و حکومتی (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ب).

فضاهای شهری و به طور عام فضاهای عمومی شهرها (و روستا) از بدو پیدایش تا کنون، کارکردها و عملکردهای گسترده و وسیعی داشته‌اند که البته عموم آنها نیز مربوط به مباحث و موضوعات عمومی و جمعی بوده است؛ یا حدّ اقل این که می‌توان گفت، هرگونه اتّفاق در فضاهای شهری بر جمع و بر آراء و بر رفتار مردمان تأثیر داشته است. به این ترتیب، اصلی‌ترین عملکرد و کاربرد فضاهای شهری و عمومی از قدیم‌الایام عبارت بوده‌اند از: برپایی اجتماعات و مراسم، انواع اطلاع‌رسانی، رفع نیازهای انسانی، سایر فعالیت‌های جمعی یا فعالیت‌هایی که در معرض حواس عموم قرار داشته‌اند. در این مجال، به برخی از اصلی‌ترین عملکردهای خاصّ فضاهای شهری اشاره می‌شود؛ عملکردها و فعالیت‌هایی که هویت‌بخش فضاها بوده و اهمّیت پرداختن به آنها را نشان می‌دهد.

۴-۲-۱. عالی‌ترین عملکرد: ظهور وحدت جمعی و اجتماعی

یکی از اصلی‌ترین عواملی که استناد به آن فضایی را "فضای شهری" می‌کند، تعاملات اجتماعی و حیات جمعی است. در این مورد اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده، تعریف "تعاملات اجتماعی" است؛ که این تعریف در جوامع مختلف با فرهنگ‌های متفاوت، گوناگون خواهد بود؛ و به عبارت دیگر، تعریف تعاملات اجتماعی در جوامع مختلف، به تبع آیین‌ها و ارزش‌های فرهنگی و رفتارهای مردم تمایزاتی با یکدیگر دارند. ضمن آن که تبعات مترتّب بر تعاملات اجتماعی و نتایج مورد انتظار از آن نیز موضوعی است که در هر جامعه و هر تمدنی، ویژگی‌های خاصّ خود را دارد؛ ویژگی‌هایی چون احساس هویت، احساس وحدت

اجتماعی، عبادت، تفریح، سرگرمی، ورزش، گذران اوقات فراغت، ارتقای روحیه مردم و امثالهم.

در این مجال، اشاره به این نکته اصلی ضرورت دارد که تعبیر "تعاملات اجتماعی" با تعابیر بسیار مهمتی مرتبط است، و بدون توجه به آن تعابیر، درک و شناخت و تعریف "تعاملات اجتماعی" و به تبع آن تعریف فضای شهری دشوار خواهد بود. اهمّ این تعابیر عبارتند: از آیین‌ها، خاطره‌های جمعی، اخلاق عمومی، آداب اجتماعی، عرف غالب، سنت‌های جاری و بسیاری از موضوعات دیگر، که مجموعه آنها، ضمن فراهم آوردن امکان درک و تعریف و معرفی تعاملات اجتماعی، امکان تبیین ویژگی‌های فضای شهری مطلوب و کارآمد هر تمدن و فرهنگی را تسهیل خواهد کرد که در ادامه همین بحث و پس از معرفی جلوه‌های مختلف تعاملات اجتماعی توضیح خواهند شد.

عالی‌ترین عملکرد فضاهای باز شهری ظهور وحدت جمعی و اجتماعی از طریق عملکردهای اجتماعی بوده است؛ که ذیلاً به برخی از نمونه‌های تاریخی آنها اشاره می‌شود. فضاهای باز شهری (از جمله میادین در شهرهای تاریخی) با ویژگی‌های کالبدی خویش، عملکردهای متفاوتی داشته‌اند که اهمّ آنها عبارت از عملکردهای مذهبی، تجاری، حکومتی، نظامی، ارتباطی و ورزشی بوده‌اند که البته در دو مقیاس "شهری" و "محله‌ای" نیز مطرح می‌شده‌اند. علاوه بر آن، عملکردهای جزئی‌تری همچون برپایی مراسم رسمی و مجازات مجرمان نیز برای میدان‌های شهری قابل ذکر هستند که این عملکردها عمدتاً در قالب عملکردهای شش‌گانه فوق‌الاشاره مستتر می‌باشند. هر یک از این عملکردها که برای میدان‌ها مدّ نظر باشند با شدت و ضعف‌های متفاوت جلوه‌ای یا مرتبه‌ای از عملکرد اجتماعی آنها بوده‌اند. حتی عملکرد ارتباطی نیز به جهت غلبه حرکت پیاده و امکان تماس رو در روی انسان‌ها می‌تواند به مرتبه‌ای از عملکرد اجتماعی دلالت نماید. از میان این

عملکردها بارزترین عملکردی که تبعات و اثرات فرهنگی و اجتماعی داشته، عملکرد مذهبی و آیینی و جمعی میادین بوده و بسیاری از میادین شهرهای ایرانی به دلایلی عدیده‌ای صبغه مذهبی داشته‌اند از جمله این که:

• در بسیاری از شهرهای ایرانی فضاهای بازی وجود داشته‌اند که حسینیه یا تکیه نامیده شده و فضایی برای برپایی آیین‌های عزاداری حضرت اب‌عبدالله الحسین^ع بوده‌اند؛ و به این ترتیب، علاوه بر مواقع برپایی مراسم، در سایر اوقات نیز، تداعی‌کننده آن ایام و آن مراسم بوده‌اند. مضافاً این که، به دلیل همین موضوع، نوعی قداست مکان و فضا را نیز به ناظر القا می‌نموده‌اند. علاوه بر آن، وجود نشانه‌ها و لوازم برپایی مراسم (همچون نخل) در گوشه میدان یا در فضای پوشیده‌ای در کنار آن تأثیر این عملکرد را در طول سال پایدار می‌نموده است.

• مجاورت بسیاری از فضاهای باز (از قبیل میادین و جلوخان‌ها) با عناصر مذهبی شهر همچون مسجد، حسینیه، خانقاه، زیارتگاه و امثالهم جلوه‌ای مذهبی و به تبع آن ارزشی فرهنگی به آنها می‌بخشیده است.

• وجود عناصر وقفی (به دلیل منشأ مذهبی وقف) در کنار فضاهای باز همواره یادآور ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی منبعث از مذهب بوده‌اند. نمونه بارز این عناصر (علاوه بر عناصر مذهبی) آب‌انبارها، مطبخ‌ها، مدارس، کاروانسراها، بازارچه‌ها و امثالهم بوده است.

• عملکردهای دیگر نیز عموماً واجد یا مقوم صبغه اجتماعی فضاهای باز (و به ویژه میدان‌ها) بوده‌اند که البته یکی از علل اصلی این موضوع تشابه و همبستگی ماهیت عملکردهای آنها با عملکرد اجتماعی بوده است. در حالی که در این دوران عملکردهای مشابه آنها دارای صبغه اجتماعی ضعیف‌تری هستند. برای نمونه، اگر نمایشی به عنوان تعزیه برگزار می‌گردید تماشاچی و بازیگر چنان درهم آمیخته بودند و چنان با یکدیگر

مشارکت روحی و روانی و حتی فیزیکی داشتند که کلیت حاضرین در میدان واجد وحدتی خاص می‌شدند. همین‌طور بود در مورد برنامه‌های ورزشی و معرکه‌گیری و پرده‌خوانی و نقلی و امثالهم. این در حالی است که مشابه این‌گونه برنامه‌ها در دوران معاصر (حتی اگر در پهنه میدان‌ها برگزار شود که عموماً نمی‌شود) مشتمل بر دو گروه اصلی بازیگر (مجری) و تماشاچی (و تنها نمایش هستند) هستند که اگر چه واجد ارزش و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی است، اما تأثیرات اجتماعی آن با گذشته قابل مقایسه نیست.

• توجه کنیم که اصولاً هر اجتماع و آیین و مراسم جمعی می‌تواند به وحدت جامعه و احراز هویت جمعی آنان کمک کند؛ و این امکانی است که فضاهای باز شهری ظهور آن را فراهم می‌کنند. علاوه بر اینها، فضاهای باز شهری امکان تماس مردمان با آثار هنری و با سابقه و تاریخشان را نیز فراهم می‌کنند؛ و این ارتباط نیز زمینه‌ساز وحدت جامعه و احراز هویت جمعی مردمان است؛ که در صفحات آتی بیشتر به آنها اشاره خواهد شد.

۴-۲-۲. انواع اطلاع‌رسانی

از قدیم‌الایام، به دلیل امکان حضور جمعی مردم در فضاهای باز شهری، یکی از اصلی‌ترین کارکرد این فضاها کارکرد اطلاع‌رسانی آنها بوده است. این کارکرد به دو صورت اتفاق می‌افتد: اولاً مردم به این‌گونه فضا مراجعه می‌نمایند تا بخشی (و در گذشته غالب) اطلاعات مورد نیاز خود را کسب کنند؛ و ثانیاً، دارندگان اطلاعات نیز با عنایت به حضور مردم، سعی در ارایه و توزیع اطلاعات خویش در این فضاها داشته‌اند. در گذشته، جارچیان و مأموران حکومت، احکام و دستورات حکومتی را به اطلاع مردم می‌رساندند، و مردمان نیز در تماس‌ها و تعاملات با یکدیگر (به انحاء مختلف) نسبت به کسب اطلاعات از یکدیگر اقدام می‌کردند. امروزه، یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های کسب اطلاعات، تابلوهای تبلیغاتی هستند. با

عنایت به گستردگی این موضوع در همه فضاهای باز و عمومی و شهری بی‌مناسبت نیست تا به برخی نکات مرتبط با موضوع که واجد اهمیت هستند، اشاره شود.

فضاهای باز شهری، از اصلی‌ترین ابزار مورد استفاده سامانه‌های تبلیغاتی هستند که با استخدام و به کارگیری انواع روش‌ها و علوم و هنرها می‌توانند ضمن معرفی کالاهای مورد نظر خویش با تأثیرگذاری به نوع و شیوه مصرف مردم زمینه‌ساز تغییرات فرهنگی نیز بشوند. علاوه بر آن، شکل عمومی تبلیغات، می‌تواند ضمن خدشه‌دار کردن امنیت فرهنگی و معنوی جامعه؛ و ایجاد بحران هویت، بروز اغتشاش و ناهماهنگی در محیط و فضای زندگی را در پی داشته باشد. در واقع، اگر چه توسعه فن‌آوری اطلاع‌رسانی و تفکر جهانی شدن و جهانی‌سازی زمینه‌ساز آشنایی ملل مختلف با کالاها و همین‌طور با فرهنگ‌های متفاوت هستند، اما آنچه که در قالب تبلیغات و معرفی شیوه‌های نوین زندگی ارایه می‌شوند، می‌توانند تأثیرات فرهنگی جدی‌تری بر جوامع داشته باشند که نمونه بارز آن را در رشد مصرف و رفاه مادی (آن گونه که جهان معاصر تعریف می‌نماید و نه آن گونه که برای سعادت و حیات انسانی انسان ضرورت دارد) می‌توان مشاهده کرد.

با عنایت به این که وجود انواع تابلوها و تصاویر تبلیغاتی (در شب و در روز) و در جای‌جای نقاط شهرها، آن‌چنان روزبه‌روز رو به فزونی هستند که علاوه بر تبعات فرهنگی و تأثیر سوء بر شیوه مصرف، تأثیر بسزایی بر تقلیل کیفیت محیط و زیبایی آن دارند، بی‌مناسبت نیست تا به برخی موارد مرتبط با آن اشاره شود. فراموش نکنیم که بسیاری امور دیگر به نحوی در این حوزه قرار می‌گیرند. مثلاً نمای یک ساختمان و مصالح آن، اگر چه ممکن است فاقد اشاره مستقیم باشند، اما به دلیل تداعی تبلیغاتی که در جایی دیگر (مثلاً تلویزیون و نشریات) ملاحظه شده‌اند (از طریق تداعی معنی) به عنوان یک تابلو تبلیغاتی عمل می‌کنند.

وضعیت جاری تبلیغات که انواع کالاهای مصرفی و تولید بیگانه را تبلیغ می کنند، نه تنها با اهداف انسانی در تضاد بوده و معنویت و ارزش های متعالی فرهنگ انسانی را به شدت تهدید می نمایند، که حتی فراتر از آن با اصول جاری توسعه پایدار نیز به عنوان نظریه ای که جملگان بر آن تأکید می ورزند، مخالفاند. شووان در مورد اثرات مخرب تبلیغات بر روح انسان می گوید: "در فرانسه آگهی های تجارتنی مانند یک خوره کثیف و موهن طبیعت را می بلعد و نه تنها در شهرها بلکه در کوچک ترین دهات و حتی خرابه های متروک یافت می شود، و این امر مطابق با از بین بردن و یا تخریب نسبی هم طبیعت و هم مملکت است. ما نه به نام مناظر زیبا که اصلاً مورد توجه ما نیست چنین سخن می گوئیم، بلکه در دفاع از روح یک ملت است. این مبتذلات مایوس کننده مانند مهره و علامت ماشین است که خواستار روح ماست و به صورت "ثمرگناه" به این نحو نمایان می شود" (شووان، ۱۳۷۲، ص ۹۸).

شیوه جاری تبلیغات ارزش های فرهنگی جامعه را که قرن ها حافظ هویت جامعه و عامل استقلال و خودکفایی ملتی بوده اند نابود می کند. ارزش ها و اصولی چون قناعت، احتراز از اسراف، صرفه جویی، بوم گرایی، بازیافت و مصرف صحیح، احتراز از خودنمایی، همزیستی با طبیعت و بسیاری از این قبیل اصول، در جملگی فعالیت های جامعه ایرانی از کار و فعالیت و تولید و صنعت و کشاورزی و هنر و معماری و شهرسازی و تولید پوشاک و غذا گرفته تا تماس با طبیعت و بهره گیری از آن و هر نوع مصرفی کاملاً مشهود و ملاک عمل بوده و جلوه ای از استقلال و خودکفایی و سخت کوشی و بوم گرایی و همزیستی با طبیعت و احترام به آن و حفاظت از طبیعت را به نمایش می گذاشته اند، در روند جاری، دگرگون شده و حتی در جهت مخالف آنها حرکت می شود.

از مهم‌ترین تبعات فرهنگی تبلیغات رایج، رواج فرهنگی خاص و یا به عبارتی ترویج ضد‌ارزش‌هایی است که با اصول و ارزش‌هایی معنوی فرهنگی در تعارض بوده و آن را مضمحل می‌کنند. این استحاله فرهنگی به مرور جامعه را به سمتی سوق می‌دهد که صاحبان سرمایه و فراتر از آن معاندین فرهنگ ایرانی و حد اقل کسانی که علاقه‌ای به فرهنگ ایرانی ندارند خواهان آن هستند. این استحاله فرهنگی به مرور به رواج روش زیستی منجر می‌شود که عاری از ارزش‌های ملی بوده و الگویی کاملاً بیگانه است. این بیگانگی نیز به نوبه خود عامل بروز از خود بیگانگی، احساس حقارت در مقابل غیر، تمایل به شبیه شدن به بیگانه، نفی ارزش‌ها و استحاله تدریجی فرهنگ می‌شود؛ که نتیجه قهری آن استحاله محیط زندگی خواهد بود. در واقع، تغییر و گرایش به دگرگونی در فضای زیست (معماری و شهر) از تبعات منفی فرهنگی‌ای است که تبلیغات مستقیم (حتی برخی تبلیغات غیرمستقیم به عنوان الگوی شیوه زیست) آن را ترویج می‌کنند.

علاوه بر آن که شهر به عنوان یک واحد می‌تواند مد نظر قرار گرفته و در مورد زیبایی آن بحث شود، در مورد زیبایی موضوعات مرتبط با آن مثل زیبایی عناصر و اجزاء شهر، زیبایی فضاهای شهری، زیبایی روابط اجتماعی شهر، زیبایی رفتاری اهل شهر و زیبایی منظر عمومی شهر نیز باید بحث و دقت شود.

۴-۲-۳. عملکرد هنری در فضاهای باز شهری

هنر و اخلاق رابطه‌ای ناگسستنی با یکدیگر دارند و همان‌گونه که اخلاق جامعه نوع خاصی از هنر را طلب می‌کند و زمینه‌ساز ظهور آثار هنری خاصی که منبث از ارزش‌های اخلاقی است می‌شود، آثار هنری نیز ویژگی‌ها و ارزش‌ها و اخلاق خاصی را در میان مخاطبان خویش رواج می‌دهند. به این ترتیب است که جامعه‌ای الهی و انسانی، انتظار دارد تا هنرها

بتوانند او را در رسیدن به آرمان‌هایش یاری کنند. بدون شک، از سویی اخلاق و ارزش‌های والای اخلاقی جلوه‌های بارز و غیرقابل‌انکاری از زیبایی هستند؛ و از سویی دیگر، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های هنر، "زیبایی" است. به این ترتیب، هنری که بتواند به ارتقای اخلاق کمک کند زیباست و متقابلاً هنری که زیبا باشد حتماً به ارتقای اخلاق جامعه کمک خواهد کرد. در نتیجه، جامعه از هنرمند متعهد انتظار دارد که آثار هنری‌اش، به ارتقاء معنویت اخلاقی جامعه کمک کنند. فراموش نکنیم که بسیاری از بحران‌ها و مشکلات پیش روی جهان معاصر، ناشی از بحران معنویت و بحران‌های اخلاقی هستند، و در مقابل و به جای اصلاح مسیر؛ امروزه این گونه تکرار و تبلیغ می‌شود که: "اخلاق را به کناری نهید و به هنر ناب! بپردازید."

وقتی از "ارتباط" سخن به میان می‌آید، موضوعات عدیده‌ای از جمله گفتگو، تعامل، تبادل، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری جوامع از یکدیگر مد نظر هستند. علی‌الاحوال، می‌توان گفت: که "هنر وسیله ارتباط انسانهاست" (تولستوی، ۱۳۷۳، ص ۵۴)، که این ارتباط می‌تواند بین دو نفر، بین آحاد یک جامعه، بین جوامع مختلف، بین مکاتب فکری گوناگون، بین فرهنگ‌ها و ادیان متفاوت؛ یا بین هنرمند و سایر انسان‌ها باشد. علاوه بر ارتباط مستقیم، ارتباط غیرمستقیم و مفهومی بین انسانها نیز از طریق هنر برقرار می‌شود.

علاوه بر آن، هنر وقتی توان ایفای نقش در ایجاد و ارتباط بین انسان‌ها را می‌یابد که بتواند از سرچشمه جمال و کمال معنوی سیراب شود. به عبارتی "هنر است که با اتصال به دریای بی‌کران جمال و کمال هر چه می‌بیند و هر چه می‌شنود زیبا می‌شنود" (نجومی، ۱۳۷۸، ص ۱۱). و به این ترتیب، در انتقال مفاهیم نیز زیبایی‌ها را منتقل می‌کند. در ارتباط با میزان توفیق هنر در برقرار کردن ارتباط و مفاهیم بین انسان‌ها (و یا بین هنرمند و معانی مستتر در هنر و جامعه) نکته قابل‌تأملی است که نباید از آن غفلت کرد و آن این است که

خود هنر علاوه بر آن که در زمینه‌ها و انواع مختلفی قابل تجلّی است، در هر زمینه نیز واجد زبان‌های خاصّ خویش است. به این ترتیب، دریافت بیان و معنای یک اثر هنری نیازمند شایستگی متناسب مخاطب با همان مرتبه از هنر می‌باشد. به این معنا که هر چه هنر حامل و محمل بار معنوی و روحانی والاتر و بالاتری باشد، مخاطب نیز برای درک و فهم پیام آن باید به درجه متناسب معنوی و روحانی نایل شده باشد. فهم زبان‌های هنر را در فرآیندهای ذهنی و ادراکی ناشی از آگاهی به معنای مقولاتی چون نمادها، رموز، رازها، نشانه‌ها، علامات، شمایل‌ها، کنایات، تشابهات و تمثیل‌ها می‌توان مورد توجه قرار داد. در این مجال، به دو نقش "هنر" در زندگی انسان و از جمله در فضاهای عمومی اشاره می‌شود؛ و آن دو نقش عبارتند از: "حیات‌بخشی" و "هدایت و ارشاد".

حیات‌بخشی: اگر نان و آب و هوا، عواملی هستند که امکان تداوم زندگی فیزیولوژیکی انسان را فراهم می‌کنند، باید عواملی را نیز که می‌توانند عامل حیات روحانی انسان باشند شناسایی نمود و آنها را در اختیار انسان قرار داد. به نظر می‌رسد که یکی از این عوامل می‌تواند "هنر" اصیل و حقیقی باشد. هنری که مبانی خویش را از وحی گرفته و به تجلّی حقیقت می‌پردازد. در عین حال و در مقابل، "کافران و مشرکان مانع اصلی رسیدن جوامع بشری به آب حیات‌اند و می‌کوشند تا دیگران چون خودشان از حیات حیوانی فراتر نروند و به حیات واقعی (توحید و خداپرستی) دست نیابند" (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵، ص ۵۸۹). نقش اصلی هنر در حیات‌بخشی انسان مربوط به تغذیه نفس و روح انسانی با القاء معانی معنوی و الهی می‌باشند که به لباس ماده درآمده‌اند. بدیهی است که این ویژگی بسیار مهم و ارزنده مورد سوءاستفاده شیطان و پیروان او نیز قرار می‌گیرد، و با جلوه‌گری و تزئین به اغفال اولاد آدم^ع پرداخته و ظاهر را به جای باطن و مادّیت را به جای معنویت به او معرفی و القا می‌کنند؛ و فریبش می‌دهند.

هدایت و ارشاد: هدایت و ارشاد، اگر چه ظاهراً مترادف به نظر آمده و به کمک به دیگران برای وصول به مقصود و منزل و هدفی دلالت دارند، اما با یکدیگر تفاوتی ظریف دارند، که آگاهی به این ظرافت، به تبیین نقش هر یک در هنر کمک خواهد کرد. در مورد رابطه این دو (ارشاد و هدایت) با هنر می توان گفت که: هنر، علاوه بر هدایت، در مرحله والاتر و بالاتر، به ارشاد انسان می پردازد. در واقع، هدایت اعم و عام است بر همگان از مبادی و جایگاه های مختلف و ارشاد اخصّ و خاص است از نقطه ای مشخص. در توضیح وجه تمایز هدایت و ارشاد می توان گفت که در جملگی راه هایی که به یک مقصد می رسند، معرفی می شوند. هادی، در هدایت راه های وصول به هدف را از مکان ها و جایگاه ها و مبادی و موقعیت ها با ابزار و ادوات مختلف بیان می کند. اما ارشاد با ملحوظ داشتن مکان و جایگاه و مبدأ و موقعیت با وسیله مشخص، راه وصول به هدف را بیان می نماید. به این ترتیب، هنر نه تنها باید ویژگی هدایت را دارا باشد، که برای افرادی خاص باید به ارشاد نیز بپردازد. فضاهای باز شهری یکی از فضاهایی هستند که می توانند انواع هنرها (اعم از معماری، گرافیک، خوش - نویسی، موسیقی، نقاشی، نمایش، قصه گویی، انواع هنرهای سنتی و بومی و حتی شعر) را در معرض حواسّ اهل شهر قرار دهند.

۴-۲-۴. رفع نیازهای انسانی

هر چیزی که در این عالم وجود دارد یا توسط انسان ایجاد می شود، می تواند (و باید) در رفع نیاز (یا نیازهای) انسان ایفای نقش کند؛ یا به عبارتی هر چیزی که توسط انسان ساخته می شود برای تأمین برخی نیازهای اوست. بنابراین، یکی از مهم ترین کارکردهای فضاهای باز شهری و عمومی نیز که به دنبال حضور مردم مطرح می شود، رفع نیازهای مختلف آنان است. علاوه بر رفع برخی نیازها، و به عنوان یک نتیجه محتوم، تعاملات اجتماعی نیز در

فضاهایی که مردم در آنها حضور می‌یابند رخ می‌دهد؛ و اهمیت این تعاملات تا جایی است که امروزه به عنوان اصلی‌ترین ویژگی فضاهای شهری معرفی می‌شود.

تعاملات اجتماعی که حاصل حضور مردم در یک مکان و فضای عمومی است، تبعات ارزشمندی را در احراز هویت جمعی و ملی، در ظهور وحدت اجتماعی، در هم‌گرایی مردم و در ارتقاء آگاهی‌های عمومی به دنبال دارد. این تعاملات که وجه مهمی از نیازهای انسان را که به تعبیر حکما مدنی‌الطبع است تأمین می‌کند، با شیوه‌ها و توسط عوامل مختلفی رخ می‌دهد.

یکی از اصلی‌ترین این شیوه‌ها مشارکت در برنامه‌های جمعی است که به تناسب فرهنگ و مناسبت و موقعیت نام‌های متفاوتی به خود می‌گیرند. زمانی برنامه‌ها زمینه‌های مذهبی دارند؛ وقتی دیگر سابقه ملی و قومی بر آنها مترتب است؛ گاهی نیز موارد خاصی همچون پیروزی در میادین ورزشی و علمی و هنری است؛ موقعی نیز ریشه در امور سیاسی دارد؛ وقتی دیگر نتیجه جشن و سرور و شادی اهل شهر هستند؛ و زمانی دیگر حاصل غم و اندوه جامعه می‌باشند. جلوه‌های این گردهم‌آیی‌ها و تجمعات و مراسم نیز به صورت نمایش‌ها، آوازاها، کارناوال‌ها، فستیوال‌ها، جشن‌واره‌ها، نمایشگاه‌ها، مسابقات، کنسرت‌ها و رقص‌ها، ظاهر می‌شود. نکته مهم این است که کدام یک از مراسم و تجمعات بیشترین تأثیر را در وحدت اجتماعی دارند؟ و در چه مقوله‌ای از نیازهای انسانی بیشترین و مطلوب‌ترین کارآیی را دارند. علاوه بر اینها، فضاهای باز شهری در رفع نیازهایی چون حرکت، تفریح، خرید و فروش و تأمین مایحتاج و ملاقات‌ها نیز نقشی در خور توجه ایفا می‌کنند. همه اینها علاوه بر تبعات ظاهری‌شان و نقشی که در تأمین نیازهای مربوط به خویش ایفا می‌کنند، در آموزش و ارتقای آگاهی انسان نیز کارساز هستند.

فضاهای باز شهری، تا قبل از اختراع اتومبیل و توسعه استفاده از آن عموماً مورد استفاده پیاده‌ها بود و مقیاس‌ها و تناسبات و عملکردها نیز با این حالت انسان همراه و هماهنگ بودند. پس از آن و با ظهور و سیطره تدریجی ماشین، این وضعیت دگرگون شد و این برخلاف خواسته‌ها و طبیعت انسان بود که به تدریج خویش را اسیر حرکت ماشین و سرعت و تراحمات و آلودگی‌های ناشی از آن می‌دید. به مرور متفکران و شهرسازان و مدیران شهرهای تاریخی، برخی خیابان‌ها و کوچه‌های تاریخی، بعضی از محورها و فضاهای جدیدالاحداث به عنوان فضاهای خاص پیاده‌ها در شهرها مطرح شدند. این روند تا جایی پیش رفته که امروز اولاً ایده پیاده‌مداری به عنوان ایده‌ای جاذب در شهرسازی مطرح شده است؛ و ثانیاً محورها و مسیرهای متنوعی در شهرها، در طبیعت، در سواحل و در حاشیه رودها طراحی و برای استفاده عموم مردم معرفی و مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

به این ترتیب، و با عنایت به کارکردی که خیابان‌های امروزمین پیدا کرده‌اند، اصلح آن است که در احداث و ایجاد و تکمیل و اصلاح خیابان‌ها، به تعریف اصیل و ایرانی آن توجه جدی مبذول گردد؛ تا نسخه‌ای اصیل و ایرانی از خیابان‌ها ارایه شود و فضایی به وجود آید که به بهترین شکل به همه انتظاراتی که از خیابان می‌رود، اعم از حرکت پیاده و سواره، آرامش، راحتی، زیبایی، امنیت، تلطیف محیط، تعاملات اجتماعی و امثالهم پاسخ مناسب و در خوری ارائه نماید.

نکات قابل تأملی در بحث‌ها و در طرح‌های پیاده‌سازی وجود دارد که غفلت از آنها، کارایی و مطلوبیت این گونه فضاها را تقلیل خواهد داد. در گذشته‌ها که شهرهای کوچک و کل شهر دارای مقیاسی انسانی بودند، شاید نیازی به چند عملکردی بودن یک معبر یا فضا نبود. ضمن آن که کلیت شهر واجد وحدت و هماهنگی بود. اما امروزه که شهرها گسترش زیادی یافته‌اند، ایجاد یک فضای پیاده در چنین وسعتی، با توجه به این که فضاهای

پیرامون آن عموماً تجانسی با آن ندارند و دسترسی مراجعین به مکان‌های اصلی‌شان متضمن صرف وقت زیادی است، و دلایلی از این قبیل ایجاب می‌کند تا برنامه‌های خاص برای فضاهای پیاده‌مدار تهیه شود. امکانات دسترسی در مجاورت این فضاها، ادغام عملکردهای تکمیلی مورد نیاز مراجعین، اصلاح سیما و بدنه، توجه به شرایط محیطی و اقلیمی، انعطاف‌پذیری، تلفیق کاربری‌ها و عملکردهای هم‌خوان و هماهنگ، قابلیت استفاده در طول شبانه‌روز و امثال اینها موضوعاتی هستند که در پیاده‌سازی فضاهای شهری باید مدنظر قرار گیرند.

توجه کنیم که اصلی‌ترین ویژگی مورد نظر برای فضاهای پیاده‌مدار، حضور انسان بدون ایجاد مزاحمت‌های ناشی از حرکت ماشین اعم از آلودگی و سروصدا و اشغال فضا و تقلیل امنیت و اختلال در حرکت پیاده‌ها می‌باشد. طبیعی است که موضوع پیاده‌مداری در فضاهای شهری، در بافت‌های مربوط به ادوار تاریخی مختلف قابل بررسی است. بافت‌های تاریخی‌ای که قابلیت و توان پذیرش حجم بالای ماشین را ندارند که به نحوی (در صورت واجد ارزش تاریخی و فرهنگی و هنری و هویتی بودن) باید حفظ شوند و امکانات مورد نیاز زندگی معاصر به آنها وارد شود. و دیگری بافت‌ها و توسعه‌های جدیدی که در شهرها احداث می‌شوند و باید دارای فضاهایی پیاده‌محور بوده تا دارای مطلوبیت برای زندگی و فعالیت‌های جمعی باشند.

۴-۲-۶. امکان برپایی آیین‌ها

یکی از اصلی‌ترین عملکردهای فضاهای شهری و به عبارتی انتظاری که از آنها می‌رود، امکان و ظرفیتشان برای برپایی آیین‌ها و جشن‌ها و مراسم بومی، برپایی نمایش‌ها و کنسرت‌ها و مسابقات و انجام تعاملات اجتماعی به منظور تقویت وحدت و هویت و سرمایه

اجتماعی است. به عبارت دیگر، یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های زندگی یا حیات جمعی اهل یک شهر یا حتی یک کشور، مشارکت آنها در آیین‌های جمعی است؛ که این‌گونه آیین‌ها از قدیم‌الایام در جوامع گوناگون رایج و جاری بوده‌اند. نکته مهم در آیین‌ها تبعاتی است که در احراز هویت (یا بالعکس بحران هویت)، وحدت (یا تفرقه)، ارتقای دانش (یا گسترش جهل و خرافه)، کمال (یا بالعکس انحطاط) جامعه را به دنبال دارند. توجه کنیم که آیین‌ها و رسوم جمعی که از گذشته‌های دور در میان جوامع رواج داشته‌اند، عموماً تبعات مثبتی برای مردم داشته‌اند؛ اما تقلید و تکرار آیین‌های دیگران، یا مسخ و استحاله آیین‌های خودی و آمیختن آنها با خرافه‌ها، زمینه‌ساز پی‌آمدهای منفی برای جامعه خواهد بود. در مقوله آیین‌ها، سعی در زنده کردن آیین‌های منحل شده جامعه‌ای قرن‌ها و هزاره‌هاست که آنها ترک کرده است، از اصلی‌ترین عوامل مسخ و ارتجاع فرهنگی جامعه است؛ که در این زمینه، در فصول آتی توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

۳-۴. مصادیق فضاهای باز شهری

مصادیق فضاهای باز شهری مشتمل بر دسته‌های مختلفی است که در این مجال، بیشتر به آن گروهی می‌پردازیم که مورد استفاده پیاده‌ها قرار می‌گیرند.^۱ اصلی‌ترین مصادیق خاص فضای باز شهری عبارتند از:

۴-۳-۱. خیابان‌ها

^۱ البته برخی فضاهای باز خاص سواره‌ها و اتومبیل‌ها نیز وجود دارند، که در انتهای همین بحث به آنها اشاره خواهد شد.

خیابان‌ها از اصلی‌ترین فضاهای بازی هستند که به دلایلی از جمله تعلق آنها به کل شهر و شهروندان، به همراه امکاناتی که برای مردم و به ویژه برای حرکت پیاده‌ها دارند، همچنین ایفای نقشی که در حیات جمعی شهروندان ایفا می‌کنند، به عنوان فضایی شهری نیز مطرح هستند. خیابان فضایی است که بارزترین ویژگی آن حرکت و پویایی است که در دوران معاصر این ویژگی عمدتاً به صورت حرکت ماشین جلوه‌گر شده است. علاوه بر آن، با تحولات حادث در فعالیت‌های شهری و جابه‌جایی آنها، طرفین خیابان‌ها (و به ویژه خیابان‌های اصلی شهرهای امروز) به صورت بازارهایی (عمومی و تخصصی) ظاهر شده‌اند، و بالنتیجه آنچه که در گذشته از بازارها انتظار می‌رفت امروزه در حاشیه خیابان‌ها نیز قابل دسترس شده‌اند. این در حالی است که بسیاری از ویژگی‌های مثبت بازارهای تاریخی (اعم از ویژگی‌های معنوی و مختصات کالبدی و فیزیکی و شرایط محیطی) در بازارهای حاشیه خیابان‌ها وجود ندارد و تداخل‌های بسیار نامطلوب و همچنین شرایط محیطی نامناسبی را به وجود آورده‌اند.

کاربرد واژه خیابان در شهر، پدیده‌ای متأخر است؛ و در گذشته، برای آنچه که امروز خیابان نامیده می‌شود واژه‌هایی چون راه، شاهراه، معبر، شارع، گذر و کوی به کار می‌رفت؛ و واژه خیابان بیشتر به مسیرهای داخل باغ‌ها اطلاق می‌شد. مروری بر معانی مذکور برای خیابان در فرهنگ دهخدا موضوع را روشن می‌کند: "گلزار و چمن، رسته‌ای که در باغ می‌سازند برای عبور و مرور و کنارهای آن را گل‌کاری کنند، روشی که در باغ‌ها می‌سازند و در میان آن راه دارند. راه ساخته و بیشتر در میان دو صف درختان باغ، گذرگاه‌ها که میان باغچه‌ها و درختچه‌ها به طول و عرض باغ ترتیب دهند در برابر یکدیگر. هر کوی راست و فراخ و دراز که اطراف آن درخت و گل باشد، کوی، شارع" (دهخدا، ۱۳۷۸).

به این ترتیب، و با عنایت به کارکردی که خیابان‌های امروزمین پیدا کرده‌اند، اصلح آن است که در احداث و ایجاد و تکمیل و اصلاح خیابان‌ها، به تعریف اصیل و ایرانی آن توجه جدی مبذول گردد؛ تا نسخه‌ای اصیل و ایرانی از خیابان‌ها ارائه شود؛ و فضایی به وجود آید که به بهترین شکل به همه انتظاراتی که از خیابان می‌رود، اعم از حرکت پیاده و سواره، آرامش، راحتی، زیبایی، امنیت، تلطیف محیط، تعاملات اجتماعی و امثالهم پاسخ مناسب و در خوری ارائه نماید.

در گذشته، راه‌های موجود در شهرهای ایرانی از نظر عملکردی و از نظر تلقی مردم، به دو گروه اصلی شارع عام و شارع خاص تقسیم می‌شده است. شارع عام به راه‌ها و مسیرهایی اطلاق می‌گردیده که به دولت و حکومت تعلق داشته، امکان و احساس سهولت استفاده از آن و به عبارتی امکان عبور از آن برای همه مردم بدون اشکال و به سهولت فراهم بوده است. شارع خاص، بالعکس، به راه‌ها و معابری اطلاق می‌شده که (حدّ اقل از نظر عرفی و بنا به قوانین نانوشته) به گروه‌های محدودی اختصاص داشته و معمولاً به صورت بن‌بست‌هایی ظاهر می‌شدند که دسترسی به تعدادی خانه یا مجموعه مسکونی را میسر می‌نمودند.

معابر عام عمدتاً برای عبور و مرور مورد استفاده قرار می‌گرفته و کمتر محل اطراق یا اجتماع اهالی شهر بوده‌اند. البته برپایی آن دسته از مراسمی در آنها انجام می‌شده که ماهیتاً با حرکت همراه بوده‌اند؛ مثل حرکت دسته‌های عزاداری. یا این که در گشودگی‌ها و جلوخان‌ها و ورودی‌هایی که مورد مراجعه عموم بودند یا فضای کافی برای تجمع داشتند مکانی برای ملاقات‌ها و تعاملات محدود اجتماعی بودند. از طرف دیگر معابر خصوصی مثل بن‌بست‌ها، در عین حالی که محلّ تعاملات اجتماعی مردان نیز بوده‌اند به دلیل وجود امنیت بالای آنها غالباً از سوی کودکان (نوجوانان) و زنان مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند و

هر چقدر که بن‌بست‌ها اختصاصی‌تر و ورودی‌هایی که به آنها گشوده می‌شد محدودتر بودند حضور و اجتماع خانم‌ها در آنها بیشتر بوده است.

علی‌رغم جایگاهی که می‌توان برای خیابان به عنوان یک فضای شهری قابل شد، باید توجه کرد که برای "خیابان" بسته به ویژگی‌ها و تناسب و موقعیتش، کارکردهای متفاوتی می‌توان بازشناخت که این کارکرد جایگاه آن را به عنوان فضای شهری روشن می‌کند. اصلی‌ترین کارکرد خیابان‌ها، برای حرکت ماشین، برای حرکت پیاده، مشترک برای پیاده و سواره، برای خرید، برای تفریح، خرید و ملاقات (در عین آرامش و امنیت) افزایش یابد، قابلیت و به عبارتی مرتبه خیابان به عنوان فضای شهری فزونی و ارتقاء خواهد یافت.

۴-۳-۲. میدان‌ها

میدان‌ها دارای ویژگی‌هایی هستند که این ویژگی‌ها ضمن آن که انواع آنها را از یکدیگر متمایز می‌کنند، عامل تمایز میدان‌ها با سایر فضاهای باز شهری هستند. میدان که در لغت معادل پهنه بین دو موضوع، یا پهنه فعالیت خاص، یا محدود و محصور با عناصری مشخص و در یک کلام محدوده‌ای تعریف شده می‌باشد، در ادبیات شهری مصادیق خاص خود را دارد. برای نمونه، میانه دو لشکر را میدان نبرد، میانه عده‌ای تماشاگر را میدان یا صحنه نمایش، محل پهن شدن بساط تجار و کاروانیان را میدان بار و مکان بازی و مسابقه را میدان ورزشی و امثال اینها نامیده‌اند. بنابراین ویژگی‌های اصلی میدان را در مفهوم ایستایی آن (در مقابل پویایی راه‌ها)، در احاطه همه اضلاع آن (در مقابل احاطه دو ضلع خیابان)، در نسبت اضلاع آن (به گونه‌ای که به شکل چهار ضلعی نزدیک به مربع یا دایره و بیضی ظاهر شود) و در نوع فعالیت‌های متنوعی که در میانه آن رخ می‌دهند و حتی در نام‌گذاری و وجه تسمیه آنها، می‌توان جستجو کرد.

از نظر ترکیب با سایر فضاهای باز و حرکتی (مثل معابر و مسیرها و بازارها) معمولاً میدان‌ها به صورت گشادگی محلّ تقاطع چند گذر ظاهر می‌شدند. این فضاها بسته به اهمیت و درجهٔ گذرها به عنوان محلّ برپایی برخی مراسم (از جمله به عنوان حسینیه یا تکیه) ایفای نقش می‌نموده‌اند. نمونهٔ این گونه میادین را در شهرهای یزد، کاشان، سمنان، گرگان و سایر شهرهای ایرانی می‌توان مشاهده کرد. محصور بودن میدان با جداره‌ای تعریف‌شده و پیوسته، یکی از بارزهای اصلی آنها در بسیاری مواقع بوده است؛ به طوری که حتی در صورت برخورد معابر سرباز به آنها، محل برخورد معمولاً سرپوشیده بوده است، به گونه‌ای که هیچ گونه انقطاع و گسیختگی در بدنهٔ میدان وجود نداشته است. به طور خلاصه، در مورد ویژگی‌های میدان در فرهنگ ایرانی می‌توان گفت که اجزاء اصلی میدان عبارتند از: ”مرکز“، ”جبهه‌ها“، ”عملکرد“ و ”کلّیت“ میدان. مرکز میدان مفهومی است که در فرهنگ ایرانی اهمیت ویژه‌ای دارد:^۱

جبهه‌های میدان‌ها معمولاً به عناصر و عملکردهای عمومی و مورد نیاز مردم (مثل معابر، ورودی مساجد، دهنه‌های بازار، حمام، و آب‌انبار، سقاخانه و امثالهم) اختصاص می‌یافت. کلّیت میدان نیز حتی در میادین اندام‌وار از وحدت و هماهنگی کامل در فرم و مصالح و عملکرد برخوردار بود. این درحالی است که میادین امروز معمولاً هیچ‌یک از ویژگی‌های فوق را دارا نیستند (تصاویر ۵-۵).

۴-۳-۳. جلوخا‌ن‌ها و ورودی‌ها

^۱ - برای مطالعه در مفهوم مرکز و جایگاه آن هنر ایرانی و اسلامی، ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۵.ب.

فضای مقابل مدخل و جلوخان‌های بسیاری از عناصر عمومی در شهرهای ایرانی مثل مساجد و بازارها، فضای باز شهری بوده‌اند که با مقیاس‌های مختلف خود حتی گاهی مصداقی از یک میدان بوده و نام میدان داشته‌اند، مثل سبزه‌میدان در مقابل ورودی بازار تهران. از اصلی‌ترین عملکردهای جلوخان‌ها و ورودی‌ها، مواجههٔ رو در رو و یا همراهی مراجعین به فضاهای عمومی بوده است. که این حالات به عنوان بستر و زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی عمل می‌نموده است. علاوه بر آن، وجود فضای مناسبی به عنوان ورودی یا جلوخان، مکان مناسبی برای انتظار و قرارهای ملاقات نیز می‌باشد. به این ترتیب، نه تنها حفاظت و تقویت این فضاها در بافت‌ها و در مقابل عناصر تاریخی توصیه می‌شود، که ایجاد آنها برای عناصر شهری معاصر و جدیدالاحداث نیز می‌تواند به تقویت شبکهٔ فضاهای شهری ارزشمند و کارآمد کمک کند.

۴-۳-۴. میدانچه‌ها و مراکز محلات

گشادگی معابر یا محلّ تقاطع گذرهای محله‌ای که اطراف آن را کاربری‌های خاص تجاری و خدماتی (بازارچه، حمام، آب‌انبار، مسجد، تکیه یا حسینیه، سقاخانه و سایر کاربری‌های مورد نیاز اهالی محله) اشغال نموده و به عنوان میدانچه ایفای نقش می‌نموده‌اند، نیز یکی از رایج‌ترین فضاهای باز شهری در شهرهای ایرانی بوده‌اند. این فضاها به صورت سرباز یا سرپوشیده و یا تلفیقی از این دو، مجموعه‌ای متناسب را به وجود می‌آوردند که پاسخ‌گوی نیازهای اهالی محله و از جمله برخوردهای اجتماعی بودند. اجمالاً این که فضاهای فوق‌الاشاره به عنوان مرکز اجتماع و برگزاری مراسم و آیین‌ها مورد استفاده قرار گرفته و در طول ایام سال نیز محل تماس‌ها و تعاملات دو یا چند نفره و اجتماع مردم و به خصوص مردان (اعم از پیر و جوان) بوده‌اند.

به این ترتیب، این فضاها می‌توانند به عنوان الگوی مناسب برای طراحی مراکز محلات توسعه‌های جدید شهری و در شهرهای معاصر به صورت روزآمد و متناسب با نیازهای امروز اهالی یک محله مورد استفاده قرار گیرند. استفاده‌ای که مطمئناً کارآیی و کارآمدی مراکز محلات را تقویت نموده و در نتیجه وحدت و سرمایه‌های اجتماعی را فزونی خواهد بخشید.

۴-۳-۵. پارک‌ها

امروزه در شهرها فضاهای سبزی (با امکانات تفریحی و ورزشی و فرهنگی متفاوت) وجود دارند که عموماً به عنوان فضاهایی برای گذران اوقات فراغت و تلطیف هوا مورد استفاده و اشاره قرار می‌گیرند. پارک‌ها هم مقیاس‌های متفاوتی (از پارک‌های کودک، محله‌ای، ناحیه-ای، منطقه‌ای، شهری و خاص) دارند و هم از نظر عملکرد گوناگون هستند. پارک راه حلی غربی برای رفع برخی مشکلات و پاسخ‌گویی به بعضی نیازهای شهروندان شهرهای معاصر است. پارک راه حلی برای تلطیف فضای شهرهایی است که بنا به الگوهای بیگانه و بر اساس تفکر سوداگری زمین و حداکثر بهره‌گیری اقتصادی از زمین به وجود آمده‌اند. همچنین در شهرهایی که فضاهای باز و سبز خصوصی خانواده‌ها از آنها گرفته شده و باغ‌های حاشیه و درون آنها نابود گردیده، و با گسترش شهر، ارتباط اهل آن با طبیعت بکر قطع شده و با آلوده شدن شهرها با انواع آلودگی‌های حاصل از عملکردهای خویش، محیط مصنوع کاملاً نامساعدی را برای حیات انسان به وجود آمده است، به ناچار زمین‌هایی با عنوان فضای سبز عمومی به پارک اختصاص یافته‌اند؛ تا شاید به این وسیله مقداری از آسیب‌های وارده به محیط زندگی انسان جبران گردد. به این ترتیب، پارک‌ها را از دو جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد: یکی برای تلطیف عمومی فضای شهر و استفاده غیرمستقیم همه شهروندان

و دیگری برای استفاده مستقیم کسانی که به آنها مراجعه می‌نمایند. این در حالی است که به ویژه از جهت دوّم، پارک‌های شهری توفیق مطلوبی نیافته‌اند.

۴-۳-۶. محوطه‌های باز کاربری‌های عمومی

فضاها یا محوطه‌های باز کاربری‌های عمومی (صحن یا حیاط آنها) یکی دیگر از مصادیق فضاهای باز شهری هستند که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود. برخی از این گونه فضاهای باز فاقد دروازه و حصار بوده و ضمن آن که در همه اوقات قابل دسترس و در اختیار مردم هستند محلّ برپایی فعالیت‌های اجتماعی نیز می‌باشند، مثل جلوخان مساجد یا محوطه برخی عناصر شهری مانند تئاتر شهر تهران. برخی فضاها علی‌رغم آن که واجد حصار یا دروازه‌هایی بوده و در همه اوقات قابلیت دسترسی فیزیکی افراد را ندارند، اما به جهت ویژگی حصارشان (کوتاه بودن یا شکل نرده‌ای خویش) از نظر بصری و فضایی به فضای شهری مجاور خویش (خیابان یا میدان) اضافه شده و هویت جدیدی را برای خیابان یا میدان تعریف می‌نمایند، مثل قسمتی از محوطه مجلس شورای اسلامی. فضاهای دیگری نیز وجود دارند که علی‌رغم محصور بودن و دروازه داشتن و تعلقشان به یک کاربری خاصّ شهری در طول مدّتی که دسترسی به آنها امکان‌پذیر است به جهت زنده بودن و فعالیت‌هایی که در آنها به عرصه ظهور می‌رسد به عنوان فضایی شهری ایفای نقش می‌نمایند، مثل صحن مسجد امام تهران.

علاوه بر همه اینها، می‌توان به فضاهای بازی نیز اشاره نمود که به جهات مختلفی از نظر ذهنی و معنایی در ذهنیت مردم به عنوان فضایی شهری (که به هر حال در تعریف هویت و سیمای شهر ایفای نقش می‌نمایند) معروف هستند.

۴-۳-۷. باغ‌ها و مزارع

باغ را به طور اجمال می‌توان مجموعه‌ای از گیاهان (به ویژه درختان) دانست که توسط انسان در محدوده‌ای خاص غرس شده و برای مقاصد مختلف نگهداری می‌شود. یکی از مقاصد اصلی بهره‌برداری اقتصادی از محصول و چوب درختان باغ؛ و مقاصد دیگر عبارت از مکانی برای تفریح و تفریح، فضای محیط بر مکان زندگی، فضای باز خصوصی مسکن و فضای باز عمارات (اعم از محیط یا محاط) می‌باشند. عناصر اصلی دیگر باغ، انواع بوته‌ها و گل‌ها، آب جاری، آب‌نما، پرندگان و حتی حیوانات می‌باشند. نکته مهم این که قوانین هندسی و هنری حاکم بر باغ‌سازی که در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف ویژگی‌های متفاوتی داشته؛ و بالتیجه، در طول تاریخ جلوه‌ها و الگوها و مکاتب متمایز باغ‌سازی را به نمایش درآورده‌اند؛ که برای نمونه، از باغ‌های چینی و ژاپنی و انواع مکاتب اروپایی و ایرانی و حتی انتساب باغ‌های یک تمدن به دوره‌های مختلف می‌توان یاد نمود.

اگر چه عناصر مادی در همه این باغ‌ها، گیاهان و آب بوده است، آنچه که به عنوان عامل هویت‌دهنده آنها ایفای نقش می‌کند هندسه نظم‌دهی و تناسبات مختلف گیاهان و فضاهای حادث و رابطه آنها با سایر عناصر طبیعی و با عناصر انسان‌ساخته بوده است. اصول و مبانی و معانی این هندسه و تناسبات نیز عمدتاً مأخوذ و منبعث از باورها و عقاید مردمان در مورد هستی و شیوه زیست و فرهنگشان بوده‌اند.

یکی از مهم‌ترین انواع باغ‌ها، باغ‌های میوه‌ای است که در غالب شهرهای ایران به تناسب اقلیم و طبیعت وجود داشته‌اند. این باغ‌ها که امروزه علاوه بر فواید اقتصادی‌شان در رفع مسایل زیست‌محیطی، در تلطیف زندگی ماشینی شهرها، در تلطیف صلیبت و خشونت محیط مصنوع و در آرامش‌بخشی به انسان نقشی در خور توجه ایفا می‌نمایند، با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند که دوام و بقای آنها را به شدت تهدید می‌نمایند.

باغ‌های ایرانی همواره یکی از مصادیق بارز هنر و علم و ذوق ایرانی بوده و در جملگی منابعی که به معرفی و شرح شهرها و مجتمع‌های زیستی ایرانیان پرداخته‌اند توصیف باغ‌ها و ارتباط آنها با محیط ساخته‌شده قسمت مهمی از مباحث را به خود اختصاص داده‌اند (ر.ک: ابن بطوطه، ۱۳۶۱؛ ابن حوقل، بی‌تا؛ یعقوبی، ۱۳۵۶؛ لسترنج، ۱۳۶۷؛ مظاهری، بی‌تا و مقدسی، بی‌تا).

باغ‌های گذشته در رابطه با محیط مصنوع به سه گونه وجود داشت:

- باغ به عنوان ظرف که ساختمان در وسط آن قرار می‌گرفت،
 - باغ به عنوان مظلوف که احاطه‌شده توسط ساختمان بود و شکل کامل آن به صورت حیاط‌های مرکزی ظاهر می‌شد،
 - باغ به عنوان فضایی مشجر با درختان مثمر یا غیرمثمر عمدتاً به منظور بهره‌برداری اقتصادی و گاهی به عنوان تفرجگاه.
- فضاهای سبز دیگری همچون باغچه، گودال، باغچه، بوستان، مزارع، نيزار، مرغزار و حتی جنگل‌های حاشیه شهرها نیز قابل طرح می‌باشند که برخی نظم‌یافته توسط انسان و برخی طبیعی بوده که از موضوع این نوشتار خارج هستند.

۴-۳-۸. زمین‌های ساخته‌نشده

زمین‌های ساخته‌نشده یکی از اصلی‌ترین فضاهای باز شهری (یا به عبارت بهتر فضاهای باز در شهر) هستند. این زمین‌ها، به ویژه در توسعه‌های متأخر شهرها و در طرح‌های آماده-سازی زمین و در حاشیه‌نشینی‌های کنار شهرها، بیشتر از جاهای دیگر خودنمایی می‌کنند.

این زمین‌ها که عموماً فاقد زمینه‌ها و فعالیت‌های نگهداشت هستند، معمولاً به فضاهای آلوده و منبع گرد و خاک در شهرها تبدیل می‌شوند. این زمین‌ها غالباً فضای فعالیت‌های نامطلوب، و به عبارت بهتر فضاهایی نامطلوب برای فعالیت‌هایی همچون بازی بچه‌ها و حتی بروز ناهنجاری‌های اجتماعی هستند. البته فضاهای ساخته‌نشده در سرزمین‌های با اقلیم مرطوب و مناسب معمولاً پوشیده از گیاه و سبزه هستند و فقط باید دقت کرد تا زمان ساخته شدن محل تخلیه یا تجمع آلودگی‌ها نباشند.

۴-۳-۹: فضاهای باز خاص خودرو

اگر چه عموم خیابان‌ها و کوچه‌ها و میدانی مورد استفاده مشترک خودرو و پیاده‌ها قرار می‌گیرند اما فضاهای بازی نیز در شهرها هستند که خاص اتومبیل هستند، یا به عبارتی اکثراً توسط اتومبیل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و اصولاً برای اتومبیل‌ها ساخته شده‌اند. اهم این فضاهای باز، بزرگراه‌ها و پارکینگ‌ها و ایستگاه‌ها هستند که مورد اول خاص اتومبیل بوده و موارد بعدی نیز فقط برای استفاده از خودرو مورد استفاده پیاده‌ها قرار می‌گیرند. البته در برخی از شهرها، در ایام خاص مثل تعطیلات آخر هفته، پارکینگ‌های وسیع شهری به عنوان مکان برپایی بازارهای هفتگی یا محل برپایی آیین‌ها و مراسم مورد استفاده مردم قرار گرفته و به عنوان فضای شهری مطرح می‌شوند.

۴-۳-۱۰: قبرستان‌ها

قبرستان‌ها از فضاهای بازی در شهرها هستند که با سیما و عملکردهای متفاوتی در شهرها ظاهر می‌شوند. قبرستان‌هایی که از دهه‌های اخیر احداث شده‌اند عموماً شکل ظاهری پارک‌ها و فضاهای سبز را دارند. ضمن آن که با توجه به باورها و آداب و رسوم مردم، این

فضاها به مثابه فضاهای شهری و مکان برپایی آیین‌ها و مراسم خاص مورد استفاده و مراجعه عموم قرار می‌گیرند.

۴-۳-۱۱. آب‌ها

در بسیاری از مناطق، سطوحی از شهر توسط آب (اعم از ساکن و جاری) اشغال شده است. اصلی‌ترین این فضاها، دریاچه‌های طبیعی، رودها، رودخانه‌های فصلی، دریاچه‌های مصنوعی و مسیل‌ها هستند. این فضاها به اضافه کناره آنها، به عنوان فضاهایی برای تفریح و تفرج و بازی و انواع ورزش‌ها مورد استفاده شهروندان قرار می‌گیرند. این فضاها و کناره‌هایشان عموماً نیازمند ساماندهی و نگهداری و حفاظت در برابر انواع آلودگی‌ها هستند.

خلاصه

به دنبال هر موضوع و هر جزیی از اجزاء یک مجموعه که مطرح می‌شود، سؤالاتی به ذهن متبادر می‌شود که اهم آنها عبارتند از: اهمیت این موضوع در چیست؟ چرا باید آن موضوع را مورد توجه قرار داد؟ کارکرد اصلی آن چیست و چه انتظاراتی از جامعه را پاسخگو می‌باشد؟ و مصادیق و جلوه‌های باز آن کدامند؟ وقتی که در باره فضای باز شهری صحبت می‌شود، عیناً همین سؤالات به ذهن خطور می‌کند؛ که این فصل سعی بر ارائه پاسخ این سؤالات را داشته است.

خودآزمایی

۱- چه دلایلی را برای اهمیت فضاهای باز شهری می‌شناسید؟ توضیح دهید؟

- ۲- چه عملکردهایی را برای فضاهای باز شهری می‌شناسید؟ کدام یک از اهمیت بیشتری برخوردار است؟ چرا؟
- ۳- اطلاع‌رسانی در فضاهای باز شهری چگونه است؟ و ویژگی‌های آن کدامند؟
- ۴- در فضاهای باز شهری چه هنرهایی بیشتر کاربرد و کارایی دارند؟
- ۵- موضوع پیاده‌محوری در فضاهای شهری با چه موضوعاتی مرتبط است؟
- ۶- اصلی‌ترین مصادیق فضاهای باز شهری کدام‌اند؟ هر کدام را توضیح دهید؟
- ۷- کدام‌یک از "فضاهای باز شهری" قابلیت تبدیل به "فضای شهری" را دارند؟ چگونه؟



فصل پنجم

فضاهای باز شهری و تجارب شهرسازی

اهداف

هدف از مطالعه این فصل، آشنایی با مطالب زیر می‌باشد:

- ۱- اصلی‌ترین دشواری در مطالعه شهرسازی و سیر تحول شهرهای ایرانی
- ۲- نارسایی‌ها و اشکالات و ریشه‌های مشکلات شهرسازی معاصر ایران
- ۳- مشکلات خاص فضاهای باز شهری ایران
- ۴- برخی از تبعات تقلید الگوهای بیگانه در شهرسازی ایران

مقدمه

محدوده‌ها و قلمروهایی که می‌توان تجارب شهرسازی را در آنها مورد بررسی قرار داد در طیف وسیعی از زمان‌ها، سرزمین‌ها، زمینه‌ها، موضوعات و حتی مباحث نظری متنوعی قابل بررسی و طبقه‌بندی هستند. بنا به موضوع کتاب و ماهیت مباحث مطرح‌شده، در این مختصر بر موضوعات مؤثر بر فضای باز شهری و شکل‌گیری آن متمرکز خواهیم بود. ضمن آن که این تجارب در دو مقطع زمانی “گذشته” و “معاصر” و دو پهنه جغرافیایی “ایران” و “سایر جوامع”، به صورت اجمال مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

۵-۱. تجارب تاریخی

در طول تاریخ یکی از اصلی‌ترین جلوه‌ها یا تمرکزهای شهرسازی و شکل‌گیری شهرهای بزرگ بر اساس تعریف فضاهای باز شهری بوده است. این فضاها که مصادیق اصلی آن در فصل پیشین معرفی شدند، جلوه‌ای از هنر هنرمندان و طراحان و معماران، فضای ظهور و بروز فعالیت‌های جمعی و عمومی و برپایی آیین‌ها، مکان فعالیت‌های فردی در میان جمع و همچنین عامل هویتی شهرها و نمایشگاه فرهنگ اهل شهر و تجلی‌گاه باورها و تفکر آنها و جلوه‌گاه شیوه زیست مردم بوده‌اند. به همین دلیل است که مهندسان و هنرمندان و برنامه‌ریزان رشته‌های مختلفی که در ایجاد شهر ایفای نقش می‌کنند، به انضمام مدیران شهر که بر اداره فضاها نظارت دارند، یکی از اصلی‌ترین محور کارهای خود را طراحی و ایجاد و اداره فضاهای باز شهری دانسته‌اند.

نکته قابل توجه در مورد شهرهای تاریخی این است که این شهرها عموماً با حصار و باروهایی محصور بودند و این حصارها نیز گاهی تا قرن‌ها تغییر و توسعه نمی‌یافتند. به این

ترتیب، در تنظیم زمین‌های باز شهر درجه بالایی از دقت اعمال می‌شد و زمین‌هایی رهاشده (جز زمین‌های منظور شده برای توسعه) محدود و اندک بودند. ضمن این که این محدودیت فیزیکی، زمینه‌ساز توسعه درون‌زای شهرها بود و بافت‌های متروک و مخروبه در شهرها کمتر به وجود می‌آمد؛ و توسعه‌ها و ساخت و سازهای جدید عمدتاً روی محدوده‌ها و ساختمان‌های قدیمی و غیر قابل استفاده انجام می‌شد.

نتیجه این روند این بود که بافت شهرها، عموماً بافت‌هایی فشرده، و فضاهای باز شهری در حد نیاز اهل شهر بودند. ضمن آن که فضاهای باز خصوصی به صورت حیاط‌ها در اختیار خانواده‌ها قرار داشتند. علاوه بر آن، شرایطی همچون تاریکی شب‌ها، کمبود اوقات فراغت (بیکاری) به معنای امروزی آن، عدم تنوع سرگرمی‌های عمومی و تغییرات بطنی فن‌آوری و شیوه زیست، نیاز به فزونی فضاهای باز شهری را تقلیل می‌داد. در کنار این شرایط، شرایطی چون شیوه‌های اطلاع‌رسانی رایج، فقدان فضاهای مجازی برای ارتباط با دیگران (و به عبارتی تحدید ارتباطات انسانی به شیوه‌های رو در رو و مکاتبات)، در التزام مردم به مشارکت در آیین‌های خاص، جایگاه فضاهای باز شهری را به عنوان یک مرکز تبادلات (اخبار، کالا و اطلاعات) و همچنین فضایی برای برقراری ارتباطات و فعالیت‌های جمعی تثبیت و تقویت می‌کرد. ذیلاً به برخی از ویژگی‌های عام فضاهای باز شهرهای تاریخی در قلمرو ایران و سایر جوامع اشاره می‌شود.

۵-۱-۱. نمونه‌هایی از تمدن ایرانی

تمدن ایرانی در طی دوران طولانی و پرفراز و نشیب خود فعالیت‌های جمعی متنوعی را در فضاهایی تجربه کرده است که یکی از اصلی‌ترین آنها فضاهای بازی بوده‌اند که در متن شهرها قرار داشته و برای مردم شناخته‌شده بوده‌اند. مطالعه و شناخت روند شکل‌گیری و

تغییرات این فضاها می‌تواند به شناخت بارزهای هویتی فضاهای شهری ایرانی کمک کند. در این گونه مطالعات، مشکلات عدیده‌ای پیش روست که اهم آنها عبارتند از: فقدان آثار و بافت‌های کهن سالم، کمبود آثار مکتوب، ندرت مطالعات بومی و انحصار تفاسیر و برداشت‌ها از منظر غربیان.

یکی از عوامل مهمی که مطالعه تاریخ و ویژگی‌های کالبد شهرهای تاریخی ایرانی را با مشکل مواجه می‌نماید، فقدان اسناد مکتوبی است که توسط دست‌اندرکاران مسایل شهری و به ویژه طراحان و سازندگان و مدیران شهرها نگاشته شده باشد. در عین حال، مطالعه بسیاری از اسناد تاریخی، سفرنامه‌ها، کتب اخلاق، آیین‌های شهرداری، دواوین شعرا و حتی اساطیر و داستان‌ها می‌تواند در زمینه شناخت ویژگی‌های کالبدی و عملکرد و نه مراد و مقصود اصلی طراحان و به ویژه معانی مورد نظر از آنها کمک شایان توجهی به محققین بنماید. در این اسناد و مدارک از تعابیر و اصطلاحات متعددی که مرتبط با قلمرو شهر و حیات شهری و زندگی مدنی و چگونگی ایجاد و شکل‌گیری و حیات و مدیریت و عملکرد و هویت فضاهای شهری هستند ذکری به میان آمده است. بدون دخول در جزئیات موضوع که تحقیقی دامنه‌دار را طلب می‌نماید و البته گام‌های آغازین نیز برداشته شده است (ر.ک: سلطان‌زاده، ۱۳۷۷ و قیومی، ۱۳۷۸) تنها به تعابیر مرتبط با موضوع بحث اشاره می‌شود.

در این مکتوبات و اسناد، هم برای فضاهای شهری و مکان‌های عمومی تعابیری همچون شاهراه، گذر، راه، معبر، شارع عام، بن‌بست، میدان، میدانچه، خیابان، تکیه، بازار، جلوخان و امثالهم مورد اشاره قرار گرفته‌اند که هر یک از آنها ضمن القای معنا و مفهوم و عملکرد خاص خود ویژگی‌های کالبدی ویژه‌ی خویش را نیز داشته‌اند، و هم این که ویژگی‌های این فضاها به انحاء مختلف توضیح شده‌اند. علاوه بر اینها، یکی از اصلی‌ترین وظایف محتسب‌ها کنترل و نظارت بر سلامت فضاهای عمومی و شهری بوده است. این کنترل‌ها در مورد انواع

بازی ها، حرکت ستوران، نظافت و پاکی، سدّ معبرها، منابع اصوات و سایر رفتارها اعمال می-
شده است تا جلوه‌ای از قانون‌مندی فضاهای عمومی و زندگی جمعی را به نمایش بگذارند
(ر.ک: ابن‌خوه، ۱۳۶۰ و غزالی، ۱۳۶۱).

اگر چه نمونه‌های نسبتاً سالمی از فضاهای (باز) شهری اواخر هزارهٔ اول هجری به بعد
در ایران وجود دارند، اما به عللی همچون نوع مصالح (و آسیب‌پذیری آنها)، حملات و
تخریب‌های اقوامی چون مغولان و تاتار، تحولات فکری و فرهنگی و تغییرات کالبدی،
نمونه‌هایی از قبل از این دوران تقریباً وجود ندارد. آنچه که از مروری اجمالی بر بافت‌های
تاریخی باقی‌مانده و موجود ایرانی به دست می‌آید، وجود فضاهای باز شهری در حد نیاز (و
حتّی حدّ اقل) است:

معابر (به هر دلیلی که می‌تواند موضوعات فرهنگی، امنیتی، اقلیمی، محدودیت زمین و
امثالهم باشند) عموماً معابر باریک بوده‌اند.

- میدان‌های محدودی در سطح شهر وجود داشته‌اند (برای نمونه در اصفهانی که نصف
جهان نامیده می‌شده دو میدان نقش‌جهان و کهنه وجود داشته‌اند).

- مراکز محلات عموماً میدانچه‌ای داشته‌اند که گاهی به صورت چهارسویی سرپوشیده
فعالیت‌های مورد نیاز اهل محلّه را در پیرامون خویش جای داده بودند.

- یکی از اصلی‌ترین فضاهای باز در شهرهای تاریخی صحن‌های مساجد بوده‌اند که با عنایت
به کثرت مساجد، در جمع، فضاهایی نسبتاً وسیع را تشکیل می‌دادند.

- علاوه بر اینها، فضاهای بازی که نام تکیه، حسینیه و میدان (با عملکرد تکیه یا حسینیه)
را بر خود داشتند، با تعداد نسبتاً زیاد در شهرهای تاریخی ایران پذیرای تجمّعات اهل شهر
بودند.

- محوطة میانی کاروان‌سراها نیز از فضاهای بازی بودند که ضمن پذیرش مسافری و تجارت و مراجعین به آنها به عنوان یکی از مراکز انواع مبادلات عمل می‌کردند.

- خان‌ها و سراها نیز از فضاهای باز مرتبط با بازار شهرها بودند.

به هر حال، آنچه که در مورد فضاهای باز شهرهای تاریخی ایرانی نباید فراموش شود، تعریف شدن کالبدی فضای باز عمومی، به همراه قابلیت‌های آنها برای در برگرفتن فعالیت‌ها و عملکردهای مختلف بوده است. در کنار فضاهای باز عمومی، سطح وسیعی از شهر را فضاهای باز خصوصی (به صورت حیاط‌ها و باغچه‌ها) پوشانده بودند، که ضمن تأمین ارتباط انسان با طبیعت و ایفای نقش به عنوان فضایی برای زندگی خانوادگی و دوستانه و همسایگی، نیاز به فضاهای باز عمومی را تقلیل می‌داند.

۵-۱-۲. نگاهی به تجارب غیرایرانی

تجارب تاریخی تمدن‌های غیرایرانی در زمینه خلق فضاهای باز شهری حاکی از وجود همه طبقات فضاهای باز شهری اعم از طراحی شده و غیر آن در شهرهای ایرانی است. نکته مهم و اساسی که مورد نظر این وجیزه نیز هست این بوده که در همه شهرهای سایر تمدن‌ها اعم از شرق و غرب، فضاهای اصلی و طراحی شده باز شهری بنا به ویژگی‌های فکری، شیوه زیست، شرایط محیطی و نیازهای آیینی همان جوامع ایجاد می‌شده‌اند؛ به نحوی که با تغییر و تحولات فکری و زیستی و رفتاری و سیاسی جوامع، فضاهای شهری آنان نیز دگرگون می‌شده است. نمونه بارز این تحولات در مغرب‌زمین را از "آگورا"های^۱ یونانی تا "فروم"های^۲ رومی تا پلازاها^۱ و پیاتزاها^۲ یا میداین دوران قرون وسطی و تا فضاهای شهری

1. Agura
2. Froum

دوران مدرن می توان مشاهده کرد. تمدن های شرقی نیز فضاهای باز شهری خاص خود را داشته اند، که متناسب با فرهنگ و آداب و سنت هایشان بوده اند. نمونه های بارز این فضاها میدان صلح آسمانی در پکن و "دوربار/اسکوئرها"^۳ در نیپال بوده اند. در نیپال (همچون بسیاری از جوامع دیگر) فضاهای باز یا میدان ها، عموماً با کاخ های سلطنتی و معابد احاطه شده و این دو عنصر که به هر حال جاذب مردم بوده اند در کنار میدان ها و مُشرف به آنها قرار داشته اند. برای نمونه، در سه شهر اصلی پتن،^۴ کاتماندو^۵ و بکتاپور^۶ این میدان ها یا "دوربار/اسکوئرها" کاربرد وسیعی داشته اند.

در کنار این فضاهای شهری که محلّ برپایی آیین ها و تجمّعات بوده اند؛ فضاهای سبز یا باغ ها نیز در هر جامعه ویژگی های مخصوص به خود را داشته اند. با این تذکّر که باغ های باشکوه و طراحي شده که محلّ تفرّج یا زندگی افراد خاصی بوده اند، عموماً به افشار فرادست جامعه و طبقات اشراف تعلق داشته اند. یکی از اصلی ترین فضاهای باز شهری، مسیره های حرکت (کوچه ها و خیابان ها) بوده اند که این گونه فضاها از عوامل متعدّدی همچون، وسایل حمل و نقل، شرایط اقلیمی و توپوگرافی، ویژگی های فرهنگی و شرایط و شیوای زیست مردمان متأثر بوده اند.

یکی از نکات قابل توجه آن است که در مطالعات و انتشاراتی که در مورد سابقه فضاهای شهری ذکر می شود، به تبع آثار منتشره در غرب، منحصرأً تجارب غربیان مشتمل بر ظهور آگوراهای یونانی، فروم های رومی و میادین دوره رنسانس اروپا به عنوان فضاهای شهری

^۱ Plaza توجه کنیم که غربیان، عموماً محلّ اجتماع مردمان یا مکانی را که اهل یک شهر برای شماری از فعالیت های تجاری و مذهبی و سایر تعاملات اجتماعی گرد هم می آمده اند پلازا می نامیده اند؛ که حتی تا امروزه نیز تداوم دارد.
^۲ Piazza این واژه در ایتالیا کاربرد داشته است؛ و به فضای باز عمومی در شهر اطلاق می شده است.

1. Durbar Square
2. Patan
3. Katmandu
4. Bhaktapur

اصیل و نمونه‌های بارز و شاخص فضاهای شهری معرفی می‌شوند. نکته مهم در مورد فضاهای شهری در غرب (که عمدتاً موضوعی روپه‌ای و فرهنگی است و ربطی به فضا ندارد) حفاظت و نگهداری و مرمت آنها و حد اکثر بهره‌برداری مناسب از آنها در دوران معاصر است. این نگهداری تا جایی است که این گونه فضاها امروزه یکی از پرمراجعه‌ترین مکان‌ها از سوی مردم و جهانگردان می‌باشند و هم بازدهی اقتصادی دارند و هم این که وسیله تبلیغ تمدن غربی حتی در مجامع آموزشی هستند.

۵-۲. تجارب معاصر

به دلایل عدیده‌ای، تجارب معاصر در طراحی و ایجاد و بهره‌برداری فضاهای باز شهری از اهمیت در خور توجه و بی‌سابقه‌ای برخوردار هستند؛ که اهم این دلایل را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

- متعلق به زمان معاصر بودن،
- توسعه فن آوری و امکانات ایجاد ساختمان‌ها و فضاهایی که امکان ایجادشان در گذشته وجود نداشته است.
- سعی ملت‌ها و حتی اهل شهرها در پیشی جستن از دیگران و اهتمام در شبیه شدن به الگوهای صنعتی و پیشرفته.
- حضور ماشین و ایفای نقش آن به عنوان عامل تأثیرگذار بر ابعاد فضاها،
- گسترش و توسعه شهرها،
- تعاملات فرهنگی جوامع با یکدیگر،
- سیطره سبک‌های جهانی،
- میل جوامع به شبیه شدن به غربیان و به عبارتی گسترش شیوه زیست غربی،

- گسترش اوقات فراغت از کار و تکالیف شغلی.

در زمینه تجارب معاصر نیز به برخی از اصلی‌ترین ویژگی‌های فضاهای باز شهری در دو قلمرو و شهرهای ایرانی و شهرهای غیرایرانی اشاره می‌شود.

۵-۲-۱. تجربه‌های ایرانی

اگر چه می‌توان برای تجارب معاصر ایرانی در زمینه ایجاد فضاهای باز شهری برخی نمونه‌های نسبتاً مطلوب را سراغ گرفت، اما با عنایت به انبوه مشکلات و همچنین ریشه ایرانی نداشتن مبانی غالب طرح‌ها و برنامه‌ها و تقلید از شیوه‌ها و الگوهای غیرایرانی، در این مجال، به برخی از مشکلات پیش روی طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران شهرها در رابطه با فضاهای باز شهری اشاره می‌شود. قابل ذکر است که این موضوعات در دو زمینه اصلی: “موضوعات مربوط به شهرسازی” و “موضوعات مربوط به فضاهای شهری” مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

موضوعات مربوط به شهرسازی

در ریشه‌یابی مشکلات و اشکالات فراروی شهرسازی ایران (به طور عام) علل متعددی را می‌توان برشمرد که از جمله مهم‌ترین آنها فقدان تدوین و تعریف و وضوح مفاهیم و موضوعات مرتبط با معماری و شهرسازی (یا زندگی شهری) بر اساس فرهنگ ایرانی (و بر پایه جهان‌بینی توحیدی مبنا) این فرهنگ) است. این موضوعی است که ضمن مهجور نهادن مبانی و اصول مأخوذ از جهان‌بینی توحیدی، سبب شده است تا در پی بهره‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها، از تعاریفی که بر جهان‌بینی بیگانه استوارند، مبانی فرهنگ و به تبع آن رفتار و شیوه زیست بیگانه نیز به مرور رواج یابد.

در این زمینه دو دسته مفاهیم و موضوعات اصلی قابل شناسایی هستند: یکی موضوعاتی که توجه به آنها لازم است و مورد توجه هم قرار داشته‌اند اما تعاریف آنها از فرهنگ بیگانه اخذ شده‌اند؛ و تعبیری چون سنت، هنر و نوگرایی نمونه‌های این گروه هستند. و دیگری، شامل موضوعاتی است که هم اصالتاً از بیگانه اخذ شده‌اند و هم این که هیچ‌گونه اهمیتی در استحاله آنها و بومی کردنشان به کار گرفته نشده است؛^۱ که برخی نمونه‌های آن عبارتند از: انواع طرح‌ها و برنامه‌های شهری، مکاتب مختلف هنری و معماری، اشکال و نشانه‌های قراردادی، دیدگاه‌های مربوط به روابط انسان و محیط و فرآورده‌های انسانی، شیوه‌های زیست و مصرف و روابط انسانی نام برد. اکثریت آنچه که بر روند توسعه فیزیکی و نتیجتاً به عنوان عواقب فرهنگی و معنوی بر عموم شهرهای معاصر ایرانی تأثیر گذاشته‌اند، کم و بیش و در مقطع یا مقاطعی از زمان دارای ویژگی‌های زیر هستند:

- متأثر از اعمال نظر غیرمتخصصین (به ویژه سیاست‌مداران و صاحبان سرمایه) هستند.
- ریشه‌ها و مبانی فکری و فلسفی آنها اکثراً از غرب گرفته شده‌اند.
- زمینه نفی نگرش به شهر به عنوان میراث فرهنگی و موجودی زنده و نمایش تداوم تاریخی حیات یک ملت بوده‌اند.
- نه تنها فرهنگ ملی را تقویت ننموده، که در بسیاری از زمینه‌ها، نافی ارزش‌ها و معیارهای فرهنگ ایرانی و مروج هرج و مرج و بی‌قانونی بوده‌اند. در واقع، روش زیستی را ترویج نموده‌اند که مختصات فرهنگی آن با فرهنگ ملی در تناقض بوده است.
- هویتی ملی و جمعی و فرهنگی را برای جامعه و شهر به وجود نیاورده و بالعکس بر فردگرایی و هویت فردی به مثابه وجهی از تفاخر و منیت تأکید داشته‌اند؛ و از آن بالاتر، در

^۱. اینها دو گروه اصلی هستند که جزئیات آنها در شش گروه در موضعی دیگر توضیح شده‌اند (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹).

بسیاری از موارد از ملبس شدن و تشبّه به بیگانه به عنوان عامل هویتی و الگوی توسعه و پیشرفت استفاده شده است.

• نظارتی حکیمانه و فنی و فرهنگی و جامع و کیفی بر توسعه ها و ساخت و سازهای آنها وجود نداشته و بالعکس برخی ضوابط و معیارهای کمی و صوری مورد توجه خیلی جدی بوده اند.

• آراء و الگوهای جدید (منتشره در غرب) غالباً بدون ارزیابی یا استحاله و بومی شدن مورد تقلید قرار گرفته و حتی همراه با تعلیم آگاهانه و متخصصانه مجربان، وارد ایران نشده است و بدتر از آن، از تجارب مبدعین آنها عبرت گرفته نشده و نه تنها از آراء و الگوهای متأخر که از آراء و الگوهای کاملاً شکست خورده و مندرس سده و دهه های گذشته تقلید می شود.

• همگامی و هماهنگی و همدلی بین دست اندرکاران مختلف مسایل شهری (مراکز آموزش معماری و شهرسازی، سازمان های تهیه کننده طرح ها و برنامه ها، مراکز اجرایی، مدیریت ها و تشکیلات سیاسی) وجود نداشته است.

• علی رغم ناآگاهی به مختصات پدیده های جدید (خارجی) و فقدان تخصص طراحی و اجرای آنها، به دلایلی از جمله برخی تبلیغات و زمینه هایی که برای لزوم وجود آنها (از جمله علمی بودن) مطرح می شود، به انضمام عامل هویتی آن که به مثابه نمادی از پیشرفت و توسعه و قدرت مادی و قلمداد می گردد، این پدیده ها به صورت تقلیدی در شهرها ظاهر شده اند.

• در غالب مواقع عامل انسان و به ویژه مختصات و نیازهای معنوی و روانی و حتی مادی وی مورد غفلت جدی قرار گرفته و به جای آنها ماشین، درآمد بیشتر و امتیازات نابه جا زمینه و مبنای اصلی قرار گرفته اند. در واقع، تعریفی که از انسان مدّ نظر قرار می گیرد،

انسان تعریف شده از سوی جهان بینی مغرب زمین است و نه انسان تعریف شده در فرهنگ ایرانی و جهان بینی توحیدی اسلام.

• تفکرات بخشی نگر و خود مطلق انگار و تمرکز هر یک از سازمان ها و تشکیلات بر منافع سازمانی و تشکیلاتی و نظرات خویش نیز عاملی در جهت بروز مشکلات و هرج و مرج و تبعیض بوده است.

• دوگانگی شهر، علی رغم ایجاد تأسیساتی در مناطق فقیرتر آن، به جهات متعددی از جمله فقدان امکان مالی اهالی محل برای استفاده از آنها، و یا وجود زمین ارزان در این محلات همچنان پابرجاست؛ و در واقع، برای ارتقاء هویتی و ذهنی و فرهنگی و اجتماعی برای این محلات فقیرنشین و هم طرازی محلات با یکدیگر اقدامی جدی و کارآ به عمل نیامده است.

• نگرش سوداگرانه و نه حتی دید اقتصادی، که آن را توجیه اقتصادی و کسب درآمد برای تأمین مخارج می نامند، سیطره انکارناپذیر خویش به قلمروهای مختلف حیات را مداوماً به رخ می کشد.

• در مطالعات و تحقیقات، ارجحیت با موضوعاتی است که بسیار سریع (ظاهراً) به بار نشستند و به عنوان دستورالعمل و ضابطه اجرایی ارائه شوند و این علی رغم آن است که شعارهای آرمان گرایانه ای که شاید برخی معنی و وجه تسمیه آن را نیز ندانند، برای شهر مطرح می شود. این آرمان ها که در مقدمه ها و اهداف طرح ها و برنامه ها مطرح می شوند به سرعت رنگ باخته و نه در طول طرح و برنامه مورد توجه قرار می گیرند و نه این که اجرای طرح و برنامه تحصیل آنها را ممکن می نماید. به این ترتیب، اهم ریشه های معضلات و نابسامانی های شهرسازی معاصر ایران را در موضوعات زیر می توان خلاصه کرد:^۱

- فقدان مبانی نظری مبتنی بر جهان بینی اسلامی،

^۱ برای مطالعه بیشتر در این زمینه، رک: نقی زاده، ۱۳۸۵.

- جوژدگی،
- عدم اتفاق نظر در معنای تعابیر و مفاهیم بر اساس جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی،
- فقدان مبانی نظری شهرسازی برگرفته از متون اسلامی،
- فقدان تعریف شهر و جامعه مدنی برگرفته از متون اسلامی،
- غفلت از عامل فرهنگ،
- توسعه شهر توسط غیرمتخصصین،
- تقلید ناقص و نابجا از دیگران،
- بحران هویت،
- بی‌توجهی به معیارهای علمی،
- تک‌بعدی‌نگری.

موضوعات مربوط به فضاهای شهری

اما برخی از مشکلات و اشکالات مربوط به فضاهای باز شهری را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد؛ که قبل از ذکر آنها به برخی از ریشه‌های آنها اشاره می‌شود. عوامل روپه‌ای و فرهنگی و الزامات و محدودیت‌های عدیده‌ای به عنوان عوامل مؤثر بر دگرگونی فضاهای شهری ایرانی ایفای نقش می‌کنند؛ که اهم آنها عبارتند از: تمرکز بر تسهیل حرکت ماشین و برنامه‌ریزی‌های ترافیکی، نگرش به میداين به عنوان گره‌های ترافیکی، رواج شهرسازی اقتدارگرا، عدم واقع‌گرایی و غیراجرایی بودن طرح‌ها، فقدان مرحله‌بندی یا انعطاف‌ناپذیر بودن طرح‌ها، فقدان وحدت مدیریت شهری، تغییرات فرهنگی در نوع و شیوه برپایی آیین‌ها و مراسم فرهنگی، تغییرات شیوه خرید و فروش، تغییر در نوع و شیوه برگزاری مسابقات ورزشی و تغییر در نوع فضای برپایی آنها، دگرگونی‌های مراسم حکومتی

و نوع رابطهٔ جامعه با مدیران، تغییر در نوع سرگرمی‌ها و گذران اوقات فراغت مردم، ورود و رواج شکل‌گیری فضاهای جمعی و تفریحی جدید، تقلید از الگوهای بیگانه و رواج نگرش سوداگرانه (نقی‌زاده، ۱۳۸۶). این عوامل سبب می‌گردند تا تغییرات عمده‌ای در کارکرد فضاهای شهری یا به عبارت بهتر در تقلیل توان آنها برای دربرگرفتن یا برپایی فعالیت‌های اجتماعی و همین‌طور تضعیف هویت فرهنگی و تاریخی شهرها و همچنین تقلیل کیفیت بصری و محیطی و زیبایی‌شناسی آنها بروز نماید، که اجمالی از این ویژگی‌ها به عنوان ویژگی‌های وضعیت حاضر بسیاری از فضاهای شهری و از جمله فضاهای تاریخی شهرها به شرح زیر هستند:

- اگر چه فضاهای شهری به عنوان محلّ قرارهای ملاقات می‌توانند فضایی برای تعاملات اجتماعی باشند، اما به دلیل تغییرات کالبدی حادث در فضای آنها از جمله نسبت اندک سطوح پیاده‌روها به سواره‌روها، شلوغی و ازدحام ناشی از عوامل مختلف، فقدان (یا مشکل بودن) دسترسی به فضای میانهٔ میادین، فقدان فضاهای مکث و موضوعاتی از این قبیل، امکان ایفای این نقش تقلیل یافته است.

- ظهور انواع آلودگی‌ها در فضاهای باز شهری، موضوعی است که کیفیت محیطی و زیبایی آنها را به شدت تقلیل داده است. آلودگی زمین (کثیفی) که نهایتاً منجر به آلودگی آب و خاک خواهد شد و به دلایلی از جمله تخلیهٔ زباله‌های کاربری‌های اطراف و همین‌طور کف-سازی‌های نامناسب و فقدان شبکهٔ مناسب جمع‌آوری آب‌های سطحی که در اکثریت قریب به اتفاق فضاهای شلوغ شهرها، به چشم می‌خورد، یکی از بارزترین مظاهر آلودگی و زشتی محیطی است. هوای بسیاری از فضاهای شهری (به ویژه میدان‌ها و خیابان‌های پرتراфик) نیز به دلیل وجود پایانه‌های اتوبوسرانی و تاکسی‌ها و سایر خودروهای عبوری به شدت آلوده است. این آلودگی سبب آلودگی و زشتی نماهای بدنه‌های شهری نیز می‌گردد. ضمن

آن که این آلودگی به همراه سایر آلودگی‌ها ارزش یا توان فضاهای باز شهری را برای پاسخ‌گویی به تعاملات و ایفای نقش اجتماعی‌شان تقلیل داده است. آلودگی صوتی و شنیداری ناشی از حرکت و بوق خودروها و فریاد دست‌فروش‌ها و رانندگان و امثالهم نیز نقش مهمی در تقلیل کیفیت این فضاها ایفا می‌کنند.

• تبدیل بسیاری از فضاهای باز شهری (از جمله میدان‌ها و پارک‌ها) یا فضاهای مجاور آنها به پایانه‌ها، نقش‌های اصلی اجتماعی و فرهنگی آنها را تضعیف نموده است. این اشکال وقتی شدت می‌یابد که برخی از کاربری‌های عمومی و فرهنگی و حتی برپایی مراسم و آیین‌های اجتماعی و تاریخی و رسمی از آنها حذف شوند. این امر، فضاهای باز شهری را به صورت محل‌های عبور سریع انسان‌ها برای رفتن از پایانه‌ای به پایانه دیگر و فضای حرکت سریع خودروها درآورده است. علاوه بر آن، وضعیت حاضر سبب می‌گردد تا در ایام تعطیل یا ساعات شب که فعالیت‌های حمل و نقل تقلیل می‌یابند یا متوقف می‌شوند، این گونه فضاها به صورت فضاهای تهی و کسل‌کننده و معمولاً کثیف و زشت و هولناک ظاهر شوند.

• تغییر نقش و کاربری فضاهای باز شهری و حوزه پیرامون آنها سبب شده تا این فضاها دچار ازدحام شده و نقششان به عنوان فضای مطلوب شهری تضعیف شود. علاوه بر مسایل مربوط به حمل و نقل، استقرار برخی فعالیت‌ها (مثل کوپن‌فروشی، دست‌فروشی، کالاهای مغازه‌داران کناره فضاهای شهری، تبلیغ‌کنندگان برخی مغازه‌ها، دست‌اندرکاران بازار سیاه و مروجین برخی از ناهنجاری‌ها) در حاشیه آنها، عرض نامناسب (و غالباً اندک) پیاده‌روها، فقدان گشادگی و فضای ایستا، عدم امکان دسترسی به میانه میدان‌ها، فقدان کارایی یا فاقد عملکرد بودن میانه آنها و بسیاری از موضوعات از این قبیل سبب ازدحام و شلوغی آنها تا حد خروج از توان تحمل انسان شده است، به نحوی که نه تنها امکان و تمایلی برای توقف

در این فضاها وجود ندارد که فراتر از آن، شرایط حاضر، افراد را به خروج سریع‌تر از آنها ترغیب و وادار می‌کند.

• با ورود برخی از فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی (برای گذران اوقات فراغت) مثل سینماها و رستوران‌ها و ادارات و مؤسسات و پارک‌های عمومی به کشور، بنا به سنت تاریخی میادین که محلی برای تجمع کاربری‌های جمعی بودند، این کاربری‌ها نیز در بدنه یا مجاورت میدان‌ها استقرار یافتند. این استقرار، رسم پسندیده‌ای در جهت تقویت نقش میدان برای فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی بود، به شرطی که اولاً برخی امکانات مورد نیاز این کاربری‌ها مثل پارکینگ و فضای باز لازم برای آنها پیش‌بینی می‌شد و ثانیاً وضعیت میدان‌ها همانند گذشته در اختیار انسان قرار داشت. اما به دلیل عدم رعایت این شروط و مضاف بر آن تقلیل وضعیت کیفی میادین گذشته، این وضعیت به صورت معضل و مشکلی برای میدان‌ها درآمده است.

• فقدان منظر مطلوب و عدم ظهور فضایی فرهنگی در وضعیت فعلی فضاهای باز شهرها نیز ویژگی منفی بارز آنهاست. اگر منظر یا فضای فرهنگی را در طیف وسیعی مشتمل بر سیمایی متذکر و مشتمل بر ارزش‌های فرهنگی، کالبدی تاریخی و شامل نمادها و الگوهای ارزشمند، تلفیقی مطلوب از عناصر طبیعی و انسان‌ساخته، و فضای برپایی آیین‌های فرهنگی و ملی خلاصه کنیم، اکثریت قریب به اتفاق فضاهای باز شهری فاقد امکان تجلی بخشیدن آنها می‌باشند.

• به تقلید از الگوهای غربی نقطه توجه ناظر به میانه میدان جلب و متمرکز شده است. در واقع، مراکز فضاهای باز شهری که عموماً در حلقه حرکت خودروها محصور هستند به عنصری غالباً مادی مثل تندیس‌هایی که کیفیت و معنای آنها نیز بحث‌انگیز و عموماً در وجه نازلی هستند اختصاص یافته است.

• علی‌ایحال، یکی از موضوعاتی که توجه یا تجدید نظر جدّی را طلب می‌کند، نوع نگرش مأخوذ از بیگانه به میدان است که معیارهای ارزیابی و تعریف و طراحی و تعیین عملکرد آن عموماً از ادبیات بیگانه و غیر خودی استنتاج می‌شوند. این شیوه که در بسیاری از مقولات مرتبط با زندگی شهری و جمعی به عنوان آفتی برای ارزش‌های فرهنگی عمل می‌کند، سبب می‌شود تا فضاها و عناصر تدریجاً به شکل و سیمای بیگانه درآمده، و به مرور، در کنار استحاله فرهنگ بومی و اضمحلال ارزش‌های آن و متروک کردن آیین‌ها، رفتارها و الگوهای بیگانه‌ای که متناسب با آن فضاها و برگرفته از بیگانه هستند، رواج یابند.

تبعات تقلید از آراء و الگوهای بیگانه

طبیعی است که تکرار و تقلید الگوهای غیربومی، تبعات منفی فکری، رفتاری و هویتی و همچنین دگرگونی در شیوه زیست را در پی خواهد داشت، یا رفتارها و شیوه‌ای از زیست را سبب خواهد شد که با منابع در دسترس و امکانات جامعه و همین‌طور با مبانی فکری و فرهنگی‌اش هماهنگ و همراه نیستند، برخی از این تبعات عبارتند از: تهییج غرایز و ترغیب به مصرف بیشتر، استفاده ابزاری، اسراف‌گرایی، تحقیر انسان و تقلیل کیفیت فضا.

تهییج غرایز و ترغیب به مصرف بیشتر

حرکت در جهت ارضای غرایز انسانی به دلیل آن که غرایز معمولاً به عنوان عامل بقای انسان ایفای نقش می‌نمایند، امری است که همه انسان‌ها در حدّ توان خود (و البته بنا به جهان‌بینی و فرهنگ خویش که نوع و شیوه و میزان و جهت آن را تعیین می‌نمایند) به دنبال آن هستند. به این ترتیب، می‌توان گفت که غرایز و نیازهای مادی و فیزیولوژیکی

انسان نیازی به معرفی و تشویق و ترغیب و تهییج و تبلیغ ندارند و آنچه که در این زمینه مهم است هدایت انسان به سمت تأمین نیازهای فیزیولوژیکی به طریق انسانی است. مرحوم علامه جعفری در باب یکی از غرایز که می‌توان آن را به سایر غرایز نیز تسری داد می‌گوید: *«این قدر به فواره‌ای که خود به خود جهشی بسیار زیاد دارد، تلمبه نزنید! نگران غریزه جنسی نباشید و دلتان نسوزد، این وسیله بقای نسل اولاد آدم است و نیازی به تحریک شما ندارد»* (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۹۳). بزرگ‌ترین دست‌آورد آنچه که در فضاهای باز شهری در معرض حواس ناظرین قرار می‌گیرد، تشویق جامعه به مصرف بیشتر و متنوع‌تر است. برای افزایش مصرف نیز ابزار گوناگونی اعم از مدگرایی و الگوسازی و ارزش‌گذاری و تشخیص‌زایی و امثالهم به کار گرفته می‌شوند، که جملگی آنها در بستر و فضای فرهنگی عمل نموده و دگرگونی‌های فرهنگی را سبب می‌شوند.

استفاده ابزاری

استفاده ابزاری از هر چیز که بتواند در جلب نظر مردم مؤثر باشد به شدت هر چه تمام‌تر در معرفی و القای موضوعات به ذهن مردم شایع است. نمونه بارز آن استفاده ابزاری از زنان، کودکان، مردان، هنرمندان، ورزشکاران و حتی مقدسات جامعه تبدیل شده است. استفاده ابزاری از فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی جامعه، به ویژه از سوی شرکت‌های چندملیتی، امری رایج است. استفاده ابزاری از اقشاری که نزد جامعه از معروفیت و محبوبیت برخوردارند مثل هنرپیشه‌ها و ورزشکاران نیز موضوعی است که حتی با برنامه‌ریزی بلندمدت مد نظر رایج‌کنندگان خدمات و کالا می‌باشد. همچنین استفاده ابزاری از علوم (مثل پزشکی) و هنرها و احساسات انسان‌ها و به ویژه کودکان نمونه‌هایی از شیوه‌های رایج است.

اسراف‌گرایی

نتیجه حتمی و اجتناب‌ناپذیر ظهور و رشد پدیده مصرف‌گرایی (یا به عبارت بهتر مصرف‌زدگی) در جامعه، اسراف است. روحیه مصرف‌گرایی که البته با پیش‌زمینه‌هایی (چون معرفی و نهادینه شدن الگوهای خاص به عنوان ارزش و هدف و ایجاد تمایل در جامعه و ترغیب مردم به شبیه شدن به آن الگوها و اتخاذ روش‌های زیست‌هماهنگ با آن الگوها) رشد می‌نماید، عامل شیوع صفات خطرناکی چون خودنمایی و خودآرایی و فردگرایی و تحقیر دیگران نیز می‌شود. طبیعی است که از مشخصه‌های بارز این صفات نیز مصرف بیشتر و بالتجیه اسراف خواهد بود. این امر شاید به عنوان نشانه‌ای از آزادی فردی تلقی شود، اما تبعات منفی آن برای جامعه و برای محیط زیست و برای نسل‌های آینده و کلیت کره زمین غیرقابل انکار است.

تحقیر انسان

ایجاد مشکلات و رشد احساس حقارت (اعم از احساس حقارت در مقابل سایر ملل یا هم‌نوعان یا حتی در درون خویش) و امثالهم نیز ارمغان تبلیغات رایج در فضاهای باز شهری برای کسانی است که توان همراهی و هم‌قدمی مداوم با مصرف‌کالاهای تبلیغ‌شده را ندارند. این امر وقتی تشدید می‌شود که مصرف‌کالایی خاص یا بهره‌مندی از آن به عنوان ارزش و نشانه تشخیص مطرح شود. تقلیل کیفیت فضا یا به عبارتی مادی کردن فضا یا از بین بردن ویژگی‌های معنوی و زیبایی آن و حتی توهین به انسان، موضوع حاصل از برخی تبلیغات است.

تقلیل کیفیت فضا

تغییر و گرایش به دگرگونی در فضای زیست (معماری و شهر) از تبعات مهم منفی فرهنگی‌ای است که تبلیغات مستقیم (و حتی برخی تبلیغات غیرمستقیم به عنوان الگوی شیوه زیست) آن را ترویج می‌نمایند.

۵-۲-۲. نگرشی کوتاه به تجارب غیرایرانی

امروزه عوامل زیادی بر شکل‌گیری فضاهای شهری جدید، بر تغییر عملکرد فضاهای شهری تاریخی، بر تحولات فضاهای شهری، بر تناسبات و ابعاد فضاها، بر میزان مشارکت و حضور مردم در فضاهای شهری، بر جمعیت شرکت‌کننده در فضا، بر محدوده پذیرنده مردم، و بر همه موضوعات مرتبط با فضای شهری تأثیر و دخالت دارند؛ و این عوامل و نوع تأثیر آنها دائماً در حال تغییر هستند.

اصلی‌ترین عوامل، فن‌آوری (تکنولوژی) پیشرفته و تغییرات سریع آن، امکانات ارتباطات، امکانات و میل مردمان به سفر، افزایش اوقات فراغت، تغییر شیوه زیست و سایر ویژگی‌های این دوران هستند. علاوه بر همه اینها، تغییر ملاک‌ها و معیارهای زندگی مطلوب در جوامع غربی، و الگو قرار گرفتن آنها در سایر جوامع، سرعت تحولات و دگرگونی و ظهور فضاهای جدید را مضاعف کرده است. مضافاً این که گسست‌های فرهنگی شدید (به ویژه در جوامع کهن)، رقابت‌های حذفی شدید، خود بزرگ‌بینی‌های افراطی، میل شدید به ظهور و اعلام تفاوت و تمایزات چشم‌پرکن با دیگران، زمینه ساز ظهور فضاهای شهری متفاوت و متمایز شده‌اند.

علی‌رغم همه این موضوعات، نگرش‌های خاص به آثار تاریخی، به عنوان میراث فرهنگی و یکی از مهم‌ترین عوامل جذب گردشگران و جهانگردان که میل به احراز هویت تاریخی و

متمدن جلوه کردن آن را تقویت می نموده است، آثار و فضاهای تاریخی تا حد زیادی (به ویژه از نظر کالبدی) حفظ شده و نقش خویش را به عنوان فضاهایی برای فعالیت ها و زندگی و حضور جمعی حفظ نموده اند. با عنایت به موضوعاتی که ذکر شدند، و با توجه به این که به هر حال، تمدن غربی در این زمینه الگو قرار گرفته است، از تجارب آنها به ویژه در زمینه حفاظت و کارآمد نمودن فضاهای تاریخی (و البته در فضای فکری و فرهنگی ایرانی) می توان استفاده کرد. نکته قابل ذکر در حفاظت فضاهای تاریخی احتراز از افراط و تفریط و تقلید صرف است.

تجارب سایر جوامع دوران معاصر در زمینه تدوین و اعلام مبانی نظری فضاهای (باز) شهری، در زمینه شیوه های زندگی جمعی در فضاهای شهری، در نمونه های بارز و معروف فضاهای شهری، در مدیریت فضاهای شهری و در زمینه حفاظت و بهره برداری از فضاهای تاریخی اصلی ترین مآخذ و منابعی هستند که مطالعات و توصیه ها و طرح ها و حتی آموزش های مربوط به فضاهای باز شهری را شکل داده اند. بدون نفی بهره گیری از تجارب سایر جوامع که به عنوان دانش بشری مطرح هستند، یکی از اصلی ترین مشکلات مطرح در این زمینه آن است که مباحث مربوط به شهر و شهرسازی، مباحثی صرفاً تکنیکی و فنی و صنعتی نیستند؛ بلکه این مباحث با جهان بینی، با فرهنگ، با شیوه زیست و با رفتارهای انسانی سروکار دارند؛ و ضمن آن که از این موضوعات تأثیر می پذیرند، بر آنها و بر تحوّل و دگرگونی نیز تأثیر دارند. به بیان ساده، ایجاد و حضور در فضاها و انجام رفتار و انتخاب شیوه های زیستی که با جهان بینی و فرهنگ و هویت انسان متناسب و هماهنگ نباشند، به مرور و با تغییر رفتار و شیوه زیست انسان، بر تحوّل جهان بینی و فرهنگ و استحاله هویتی او نیز تأثیر می گذارند. این تحولات و دگرگونی ها، گاهی به سمت کمال، زمانی به سوی انحطاط و وقتی دیگر زمینه ساز بحران های مختلف در جامعه می شوند.

به این ترتیب است که در مواجهه با سایر ملل و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، در پیش گرفتن رویه تعامل کارسازتر و مفیدتر از رویه تقلید و تکرار و یا رویه نفی و انکار خواهد بود. رویه تعامل، به ویژه در زمینه تکنیک‌ها و روش‌ها و تبادل تجارب می‌تواند کارآیی آراء و کالبد شهرهای خودی را ارتقاء ببخشد. در واقع، تدوین مبانی نظری خودی، شناخت فرهنگ و آداب و سنن و سعی در فراهم آوردن فضای تجلی آنها، ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای جمعی شهروندان به احراز هویت ملی و روحیه وحدت جامعه کمک خواهد کرد و مردمان را از احساس حقارت در مقابل بیگانه و ترجیح آثار و فضاهای بیگانه بر داشته‌های خویش خواهد رهانید.

خلاصه

در فصل حاضر، موضوع رابطه فضاهای باز شهری و تجارب شهرسازی در دو مقطع زمانی "گذشته" و "معاصر" (یا دوره‌های تاریخی و دوران معاصر) در دو پهنه جغرافیایی "ایران" و "سایر جوامع" مورد بررسی اجمالی قرار گرفت. طبیعی است که پرداختن به چهار عنوان حادث (رابطه دو به دوی این دوران‌ها و سرزمین‌ها) نیازمند صرف وقت و در اختیار داشتن صفحات فراوانی است، که با عنایت به حوصله این فصل، به اشاره‌ای اجمالی بسنده شده است.

خودآزمایی

- ۱- اصلی‌ترین عاملی که امکان مطالعه سیر تحول تاریخی فضای شهری ایرانی را دشوار می‌کند چیست؟ و برای رفع آن چه راهی را پیشنهاد می‌کنید؟
- ۲- اصلی‌ترین مشکلات مبتلابه شهرسازی معاصر ایران کدامند؟
- ۳- ریشه‌های معضلات و مشکلات شهرسازی معاصر ایران را در چه موضوعاتی می‌دانید؟
- ۴- برخی از اشکالات خاص فضاهای باز شهری ایرانی کدامند؟
- ۵- تبعات برخی رویه‌های جاری بر جامعه چیست؟
- ۶- چرا تقلید و تکرار الگوهای بیگانه برای شهرسازی را توصیه نمی‌کنید؟ چرا توصیه می‌کنید؟
- ۷- در رابطه با بهره‌گیری از آراء، روش‌ها و الگوهای غیرایرانی در زمینه ایجاد و استفاده از فضاهای باز شهری چه پیشنهادهایی دارید؟



فصل ششم

ویژگی‌های فضای شهری مطلوب

اهداف

هدف از مطالعه این فصل، آشنایی با مطالب زیر می باشد:

- ۱- معنای اجمالی ادراک و مراتب ادراک انسان از فضا
- ۲- دریچه های ارتباط انسان با پیرامونش
- ۳- تبیین زمینه های تحلیل انسان از فضایی که در آن قرار می گیرد
- ۴- اصلی ترین ویژگی هایی که فضاهای باز شهری مطلوب باید به آنها متّصف باشند
- ۵- مصادیق و جلوه های مقیاس انسانی در فضاهای باز شهری

مقدمه

به هنگام بحث در مورد فضای شهری که به هر حال مکان مراجعه عمومی است و در هر جامعه‌ای و هر دوره‌ای مصادیق خاص خود را دارد، شناخت صفات مطلوب‌ترین حالت آن یک ضرورت است. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شود که طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران شهر بدانند تا اهل شهر به چه فضاهایی نیاز دارند و فضاها باید چه ویژگی‌هایی را داشته باشند تا بتوانند پاسخ‌گوی نیازهای مردمانی در جامعه خاص باشند. علاوه بر آن، به هنگام حضور در یک فضا، اطلاعاتی به انسان می‌رسد که این اطلاعات اولاً از طریق حواس مختلف انسان دریافت می‌شوند، و طی فرآیندهایی ذهنی و با توجه به سوابق و آگاهی‌ها و فرهنگ به ادراک تبدیل می‌شود (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۶). به این ترتیب، با معرفی فرآیند ادراک انسان از فضا و توضیح راه‌های ارتباط انسان با محیط و پیرامون خویش، اصلی‌ترین صفات فضای باز شهری مطلوب مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۶. مراتب ادراک انسان از فضا

ادراک معانی که فضا به انسان القا می‌نماید منوط به تأمین شرایطی ویژه است. این شرایط، اولاً مشتمل بر دریچه‌ها و ابزارهایی است که از طریق آنها اطلاعات اولیه به انسان می‌رسد؛ و ثانیاً منبعث از جهان‌بینی و شناخت‌های قبلی انسان است؛ که متعاقباً به هر دو مورد اشاره می‌شود. مقدمتاً قابل ذکر است که در مقوله معانی نمادین اشکال و فرم‌ها و ارتباط و تناسبات آنها با یکدیگر، عملکرد فضای مورد نظر، سابقه ذهنی انسان نسبت به موضوع و از همه مهم‌تر معیارهای زندگی فردی و اجتماعی نقش اصلی را ایفا می‌نمایند. البته معنای

مورد نظر دنیای معاصر غالباً متکی بر معنایی مادی، و در واقع، لحاظ کردن نشانه یا حتی نمادی قراردادی است و حدّ اکثر ادراکی ذهنی و نه دریافتی معنوی و روحانی می‌باشد. اگر چه تقریباً هیچکس تمایلی ندارد تا به کمیت‌گرایی یا متمرکز بودن بر ماده و غافل بودن از جنبه‌های کیفی و معنویّت حیات، و به عبارت بهتر به تک‌بعدی بودن متّصف شود، اما در بسیاری از موارد، امور کمی و مادی و حدّ اکثر حالات ذهنی و روانی به عنوان کیفیت حقیقی (معنویّت و روحانیتی) که مورد نظر است مطرح می‌شوند و گمان بر این قرار می‌گیرد که مسایل کیفی نیز مدّ نظر قرار گرفته‌اند. مثلاً حالات روانی و ذهنی متفاوت انسان‌های مختلف در مورد یک فضای فیزیکی واحد، به عنوان کیفی بودن فضا مطرح می‌شوند. و یا این که نقش باورهای متفاوت افراد نسبت به مکان مذهبی مرتبط با یکی از آن باورها به عنوان عامل کیفیت متفاوت فضا مطرح می‌گردند. جملگی این استدلال‌ها تا حدّی صحّت دارند؛ اما نکات دیگری نیز قابل ذکر هستند که در ادراک فضا نباید از آنها غفلت کرد.

- باورها و اعتقادات در کیفی کردن فضا (در مراحل طراحی و ساخت و حتی استفاده از آنها) نقش ایفا می‌کنند و لذا نباید ایجاد فضاهای خاص مرتبط با باورها را به بی‌باورها سپرد.

- حضور انسان سنتی و معتقد به متافیزیک در فضا، چه بخواهیم و چه نخواهیم، فضا را نامتجانس و بالنتیجه کیفی خواهد نمود. باز تأکید می‌کنیم مراد انسان معتقد و متکی به ماوراءالطبیعه است و نه انسانی که خویش را قطب عالم و مرکز جهان می‌داند.

- فضای موجود در آثار هنری با بهره‌گیری از هنرهای خاص خویش کیفیت مورد نظر تفکر موجود خویش را به نمایش می‌گذارند.

در ادراک کیفیت فضا یا تعریف فضای کیفی دو دسته عوامل قابل بررسی هستند که این دو دسته مابه‌ازاء ساحت‌های وجودی روانی (ذهنی) و روحی (معنوی) انسان هستند. دسته اول، همان عواملی هستند که با عنایت به مباحث روان‌شناسی و آنچه که در ادراک و تأثیر محیط و فضا بر انسان متداول است مطرح می‌باشند. اهمّ این عوامل عبارتند از: شدت صوت، رنگ، تمیزی، حرکت، نور، جنس، تناسبات و امثالهم؛ که در مورد این مباحث سخن بسیار گفته شده و در سال‌های اخیر نیز توجه به آن شدت یافته است.

دسته دوم مابه‌ازاء معنایی است معنوی که انسان بنا به جهان‌بینی و فرهنگ خویش از مکانی که در آن قرار گرفته است استنباط می‌نماید. ادراک این معانی به قدری پیچیده و متنوع است که حتی در افرادی با یک فرهنگ و مذهب خاص در درجات متفاوتی قابل تبیین است. در واقع، معانی که در این وادی از فضا و یا هر عنصر موجود در آن استنباط و درک می‌شود، اگر چه ممکن است همان نام‌های قلمرو روانی و حتی مادی (مثلاً زیبایی، حسن، شادی، غم، رهایی، آزادی، عدالت و امثالهم) را داشته باشد ولی جنس آن از جنس دیگری است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۸ و همو، ۱۳۸۹آ).

در نگاهی دقیق‌تر، فضا واجد سه ویژگی است که متناظر و مرتبط با قلمروهای حیات انسانی می‌باشند. در وهله اول مصالح و شکل و ابعاد هستند، در مرحله بعد کیفیاتی است که ناشی از شکل و فرم و مصالح و ابعاد و تناسبات فضا بوده و ذهن انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در نهایت، کیفیات معنوی هستند که با تأثیر پذیرفتن از جهان‌بینی و فرهنگ طراح و جامعه، ارزش‌هایی را به ناظر القا می‌نمایند. در واقع، این سه نوع ادراک از فضا، بسته به ابعاد وجودی انسان است که تسلط هر کدام بر انسان وجه مرتبط با آن را در فضا برجسته می‌نماید. بنابراین، یکی از موضوعات تعریف‌کننده فضا، نگرشی است که طراح به ماده و به جهان هستی دارد. برای مثال، تعاریفی که دو فرد با دو دیدگاه یعنی کسی که

برای عالم دو وجه کالبد (ماده) و ملکوت قایل است، و فرد دیگری که عالم را متشکل از ماده بی‌شعور می‌داند، از فضا اراده می‌نمایند، کاملاً متفاوت هستند؛ و بالتبع، فضایی که اینان بر اساس باورهای خویش می‌آفرینند نیز متفاوت خواهند بود. نمونه بارز آن را در مقایسه جملگی آثار هنرمندان الهی اعم از شعرا و موسیقی‌دانان و نقاشان و معماران، با همکاران غیرمتأله‌شان می‌توان به وضوح مشاهده کرد. آثاری که در عین پذیرش تأثیرگذاری بسیار شدیدشان بر انسان، تأثیراتی از جنس تحریک و تهییج مشتتهیات مادی و فیزیکی می‌باشد، برخاسته از تمرکز بر زندگی دنیایی هستند؛ و در مقابل، آثاری که در کنار پاسخ‌گویی معقول و منطقی به نیازهای فیزیکی، از تهییج و تحریک آنها احتراز نموده و بالعکس تذکردهنده و یادآور مبانی و ارزش‌های معنوی می‌باشند.

کیفیت درک انسان از معنای فضا به میزان تطابق معنایی که از فضا درک می‌شود با تجربه فضایی است که انسان از آن فضا دارد. برای مثال، دو نفر که با اعتقادات و فرهنگ‌های مختلف در فضاهایی واحد همچون حسینیه، مسجد، یک معبد، یک میدان شهری و یا یک ورزشگاه قرار می‌گیرند، هر کدام تجربه فضایی خاص خویش را خواهند داشت که از نظر مادی تشابهات بسیاری با یکدیگر دارند، اما ادراک معنایی این افراد از این فضاها متفاوت و یا به عبارتی درجات مختلفی خواهد بود. برای نمونه، احتمالاً دریافت معنایی معنوی و روحانی از حسینیه یا یک معبد برای جملگی ناظرین، البته با درجات و مراتب مختلف، امری محرز خواهد بود؛ حتی از احساس این که جهت فضای مسجد، کلیسا و حسینیه و یا حتی یک خانه متفاوت‌اند ممکن است وجود معنایی را القا نماید که دریافت جزییات آن نیازمند آشنایی ناظر با مبانی نظری و جهان‌بینی طراح و درجه ارتباط و نزدیکی این دو جهان‌بینی خواهد بود.

برخی از حالات افراد در شرایط و فضاهاى مختلف اگر چه از نظر مادى و ظاهرى یکسان هستند ولی از نظر "علی" کاملاً با یکدیگر متفاوت‌اند. فی‌المثل، بی‌خودى یک نفر عزادار را در یک مراسم آیینى، با شور مولانا در بازار زرکوبان،^۱ با بی‌خودى فردى در یک مجلس مهیج موسیقى بزمى، با بی‌خودى ورزشکار و قهرمان پرستى در میدان مسابقه کاملاً متفاوت مى‌باشند.

۲-۶. درچه‌های ارتباط انسان با پیرامونش

اگر چه فرآیند ادراک انسان از محیط و پیرامون خویش فرآیندى نسبتاً پیچیده است که با موضوعات عدیده‌ای همچون احساس، تداعی، توجه، حقیقت، واقعیت، استدلال، استنباط، استنتاج، تعقل، بصیرت، شهود و مکاشفه، محرمیت، تأویل، تفسیر، تفکر، تأمل و تصور، ارتباط، تلقین، دریافت و فهم مرتبط است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۶)، اما اولین مرحله، مرحله احساس یا دریافت اطلاعات ساده و خام از محیط است که از طریق حواس پنج‌گانه حاصل می‌شود. بدون دخول در فرآیند و فیزیولوژی عملکرد حواس انسان، در این مجال، به اصلی‌ترین حواسی که از محیط و فضای شهری کسب اطلاع می‌کنند و به نوع اطلاعات دریافتی اشاره می‌شود.

۱-۲-۶. حس لامسه (بساوایی)

حس لامسه، امری فیزیکی است که محتاج هیچ واسطه‌ای نیست و نیازمند تماس مستقیم و بلاواسطه پدیده مورد نظر با ابزار حس (پوست انسان) است. حس لامسه ویژگی‌های

^۱ برای مطالعه در این زمینه، ر.ک: زرین‌کوب، ۱۳۸۱، صص ۱۷۲-۱۷۰.

فیزیکی متفاوت و متنوعی از محیط را به انسان منتقل می‌کند که اهم آنها عبارت‌اند از: احساس گرمی، احساس سردی، احساس درد، احساس فشار، احساس سوزش، احساس خارش، احساس چسبندگی، احساس پستی و بلندی، احساس نرمی و زبری (صافی و ناصافی)، احساس نرمی و صلبیت (انعطاف‌پذیری)، احساس اندازه (بزرگی و کوچکی) و احساس شکل.

مهم‌ترین دریافت‌های حس لامسه از محیط پیرامون که می‌توانند در ادراک انسان از فضا و در نتیجه در اظهارنظر و ارزش‌گذاری او در باره فضا و پیرامون خویش ایفای نقش نمایند، عبارت‌اند از: حرکت، دما، پستی، بلندی و سایر اطلاعاتی که با کمک سایر حواس و به صورتی ارادی خواهد بود.

۶-۲-۲. حس شامه (بویایی)

حس بویایی حسی شیمیایی است. حس بویایی دو طیف اصلی "بوی خوش" و "بوی ناخوش" را دریافت می‌کند. البته در فرهنگ‌ها و جوامع متفاوت جابه‌جایی و تمایز اندکی در طبقه‌بندی بوهای خوش و ناخوش وجود دارد. علی‌رغم این محدودیت، حس بویایی اطلاعات وسیعی از محیط به انسان می‌دهد. از جمله آنها احساس وجود فضاهای سبز، کاربری‌ها و عملکردهای خدماتی مثل رستوران‌ها و غذاخوری‌ها، وجود انواع آلودگی‌ها، تراکم ترافیک، رایحه عطر انسان‌ها، وجود برخی کارگاه‌های تولیدی مثل چرم‌سازی و مواد شیمیایی، بعضی فروشگاه‌ها مثل عطرفروش‌ها و عطاری‌ها، و بسیاری از عملکردها و فضاهای شهری هستند که ذرات بوداری را به نحوی در فضا می‌پراکنند. حس بویایی حسی برخی فعالیت‌ها مثل آب‌پاشی روی سطوح (و به ویژه سطوح خاکی) و برخی اتفاقات مثل بارندگی (از طریق بوی رطوبت و مصالح مصرفی بالاخص گل و آجر) را از فضای پیرامون

خویش دریافت می‌کند. جملگی این اطلاعات در ادراک انسان از فضای شهری و اظهار نظر وی در مورد شهر و کیفیت فضا تأثیر خواهند داشت.

۶-۲-۳. حسّ سامعه (شنوایی)

حسّ شنوایی، حسّی ارتعاشی است و محرک شنوایی نیز یک موج صوتی است. در واقع، حسّ شنوایی حسّی فیزیکی است. و نکات قابل ذکر در مورد حسّ شنوایی آن است که گستره قابل احساس آن توسط انسان بین ۲۰ تا ۲۰۰۰۰ هرتز است. شدت صوت را بر حسب دسی‌بل اندازه می‌گیرند، که اگر (۰) دسی‌بل آستانه شنوایی باشد، ۲۰ دسی‌بل صدای در گوشی صحبت کردن و ۴۰ دسی‌بل شدت صوت در یک دفتر کار آرام است. گفتگوی عادی بین ۵۰ تا ۷۰ دسی‌بل است. اتومبیل معمولی بین ۷۰ تا ۸۰ تا ۹۰، قطار زیرزمینی ۱۰۰ و رعد شدید ۱۱۰ دسی‌بل شدت دارند. شدت صدای دردآور موسیقی راک ۱۲۰ دسی‌بل است و از آن به بالا احتمال آسیب رسیدن به گوش وجود دارد.

شنوایی، عمده‌ترین حسّی است که ارتباط اجتماعی انسان را برقرار می‌کند. حسّ شنوایی، حسّی است که می‌توان گفت بعد از حسّ بینایی بیشترین اطلاعات یا مؤثرترین اطلاعات را از محیط و فضای پیرامون اخذ نموده و در ادراک انسان از محیط ایفای نقش می‌کند. میزان و شدت و ویژگی‌های امواج صوتی در فضا حتی تأثیرات متفاوتی بر سلامت روانی و جسمی انسان دارد به نحوی که شاید (در مقایسه حواس مختلف) بتوان گفت که بحران یا آلودگی صوتی در فضا به آن دلیل که از راه عضو شنوایی و با تأثیری فیزیکی بر انسان تحمیل می‌شود، بیشترین تأثیر منفی را بر انسان خواهد داشت. برای نمونه، اگر چه اثرات منفی زشتی و آلودگی بصری بر انسان مورد تأکید است اما اثرات جسمی مستقیمی برای آن ثبت نشده است. همچنین حواس لامسه و ذایقه و بویایی نیز چنین هستند.

علی‌الیه، اطلاعاتی که انسان از طریق حسّ شنوایی از محیط دریافت نموده و بر چگونگی ادراک او از محیط تأثیر دارند عبارت‌اند از:

- اصوات ناشی از وجود پدیده‌های طبیعی (حرکت هوا، رعد، صدای حیوانات و آوای پرندگان)،

- زمزمه انواع حرکت و ریزش و فوران آب (اعم از طبیعی یا مصنوعی)،

- صداهای حرکت انواع خودروها و اصوات صادره از آنها، کار کردن انواع موتورها،

- سر و صداهای انواع فعالیت‌های انسانی (مثل سر و صدای دوره‌گردها، دست‌فروش‌ها، بازی‌های کودکانه و حتی سخن‌گفتن انسان‌ها با یکدیگر)،

- صداهای انواع وسایل صوتی و حرکت وسایل نقلیه (مثل مترو، قطار، هواپیما، هلی‌کوپتر، قایق و امثالهم؛ بسته به موقعیت طبیعی و سایر ویژگی‌های شهر).

۶-۲-۴. حسّ باصره (بینایی)

حسّ بینایی، مهم‌ترین و غنی‌ترین حسّ انسان است که حدود دو سوم از معلومات انسان در باره عالم از این راه به او می‌رسد. بینایی "حسّ شگفت‌انگیزی" است، که امکان توضیح آنچه که حس می‌شود برای کسی که امکان دیدن آنچه را که قرار است توضیح داده شود، نمی‌بیند، وجود ندارد. اگر محرک‌های بینایی کاملاً یکسانی به دو نفر نشان داده شوند و آنها تجربه‌های روان‌شناختی متفاوتی را گزارش دهند این نتیجه به دست می‌آید که این تفاوت‌ها معلول افراد است، نه معلول مقداری تغییر در خود محرک فیزیکی.

مهم‌ترین عامل برای بهره‌گیری از حسّ بینایی وجود "نور" به عنوان محرک حسّ بینایی است. طیف نور قابل رؤیت از بنفش با طول موج ۳۸۰ نانومتر^۱ تا قرمز با طول موج ۷۸۰

^۱ هر نانومتر معادل یک میلیاردیم متر است.

نانومتر می‌باشد که کمتر از آن را ماوراءبنفش و بیش از آن را مادون قرمز گویند؛ و چشم انسان قادر به رؤیت و حس آنها نمی‌باشد. محرک‌های بینایی، انسان‌ها را تحریک می‌کنند تا عمل کنند و پاسخ دهند. به این ترتیب، هر چه بتوان محرکی را که واکنش معینی را فرامی‌خواند دقیق‌تر مشخص کرد، بهتر می‌توان خود رفتار را درک کرد.

با عنایت به جایگاه حس بینایی در ادراک فضا، در این مجال، فقط به برخی از موضوعات مربوط به حس بینایی اشاره می‌شود. مهم‌ترین موضوع، مربوط به عواملی است که حس بینایی را به مشاهده پدیده‌ها و اجزاء محیط آن گونه که هستند، قادر می‌سازد. این عوامل اعم‌اند از: چشم‌ها و سلامت آنها، وجود نور (با شدت و جهت تابش مناسب)، وجود جو شفاف و عاری از مواد زاید و پاکی اشیاء. بروز اشکال در هر یک از این عوامل سبب تقلیل توان حس بینایی در مشاهده و تشخیص چشم می‌شود. برای نمونه، انطباق امر مهمی در همه حواس است که در حس بینایی اهمیتی در خور توجه دارد. نمونه آن را به هنگام ورود به یک سالن تاریک یا بالعکس به هنگام ورود به فضایی روشن می‌توان مشاهده کرد. نمونه دیگر، کمبود نور است که می‌توان روش‌هایی را برای رفع اشکال برگزید. مثلاً در شب بهترین حالت استفاده از دید کناری است، یعنی مستقیم به شیء مورد نظر ننگریم، بلکه اندکی به راست یا چپ آن بنگریم، تا آن را واضح ببینیم. نمونه بعدی که به برخی از بیماری‌ها برمی‌گردد، "ضعف"هایی چون شب‌کوری و کوررنگی هستند، که می‌توانند در شناخت افراد و در نتیجه در نظر مردم نسبت به یک موضوع ثابت مؤثر باشد. حدود ۵٪ مردم نسبت به یک یا چند رنگ، روی دایره رنگ، کور هستند. انواع کوررنگ جزیی عبارت‌اند از: نقص قرمز- سبز یا نقص آبی-زرد (ر.ک: مک‌کونل، ۱۳۷۹، صص ۹۸-۸۹).

علی‌اِیحال، برخی اطلاعاتی که حس بینایی انسان از محیط دریافت می‌نماید، و این

دریافت‌ها بر ادراک او از محیط تأثیر دارند عبارت‌اند از:

- مناظر عمومی محیط زندگی
- عناصر و مناظر طبیعی
- عناصر و مناظر مصنوع
- رنگ‌ها
- اندازه‌ها و تناسبات
- گشودگی‌ها
- افق دید
- عمق
- حرکت (انسان‌ها، حیوانات، خودروها، عناصر ثابت تحت تأثیر باد و امثالهم)
- انواع زیبایی‌های محیطی
- انواع زشتی‌ها، آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها
- تخریبات و صدمات وارده به محیط (طبیعی و مصنوع)
- جنس اجزاء موجود در محیط و منظر
- کیفیت سطوح موجود در فضاهای شهری، اعم از کف‌ها و جداره‌ها
-
- علاوه بر اینها، حسّ بینایی (با توجه به سوابق و تداعی) می‌تواند ادراکات قبلی سایر حواس از محیط را نیز دریابد. برای نمونه، انسان با مشاهدهٔ سطوحی که قبلاً لمس و تجربه شده‌اند، یا با رؤیت ابزاری که قبلاً صدای خاص آن شنیده شده است، یا با دیدن غذایی که مزه آن چشیده شده یا چیزی که قبلاً بوییده شده است، بدون لمس یا شنیدن یا چشیدن یا بوییدن آنها ویژگی‌هایشان را بیان کند.

۳-۶. زمینه‌ها و عوامل تحلیل و ادراک انسان از پیرامونش

علاوه بر حواس انسان که اطلاعات اولیه را درباره فضا و هر پدیده‌ای به همراه ویژگی‌های آنها به انسان منتقل می‌کنند، عوامل متعدّد دیگری نیز در فرآوری این اطلاعات و تبدیل آنها به ادراک (یا به عبارت بهتر تبدیل آنها به صور ادراکی) ایفای نقش می‌کنند که اهمّ این عوامل و موضوعات به شرح زیر قابل طبقه‌بندی شدن هستند:

۳-۶-۱. سابقه ذهنی

سابقه ذهنی مردم نسبت به یک موضوع، یک فضای شهری، یک اتفاق، یک آیین و خلاصه نسبت به همه موضوعاتی که در پهنه فضاهای شهری رخ می‌نمایند، در ادراک مردم از فضایی که در آن قرار می‌گیرند، ایفای نقش اساسی را عهده‌دار است. به این ترتیب است که طراحان و مدیران شهر باید مراقبت کنند تا هر گونه تغییر در فضاهای شهری و موضوعات مربوط به آنها به موقع و به طریق مناسب در اختیار جامعه قرار دهند؛ تا این تغییرات که معمولاً در تقابل با سابقه ذهنی مردم هستند، شوک یا ضربه‌های روانی به آنها وارد نکند.

۳-۶-۲. تداعی معانی

تداعی معانی یا به عبارت بهتر "تداعی" نیز از موضوعات قابل تأمل در ادراک انسان‌ها از موضوعاتی هستند که با آنها مواجه می‌شوند. اتفاقاتی که در گذشته برای انسان به وقوع پیوسته، به انضمام مطالعات وی در زمینه‌های مختلف و قانون‌مندی‌هایی که برای پدیده‌ها می‌شناسد، همگی بر ادراک و تفسیر او از آنچه که احساس می‌کند تأثیرگذار هستند.

شرایط طبیعی و اقلیمی از زمینه‌هایی هستند که به عنوان عوامل مؤثر در ارتباط پدیده‌ها و تداعی معانی خاص ایفای نقش می‌کنند.

۳-۳-۶. ویژگی‌های فرهنگی

بی‌گمان فرهنگ‌های مختلف برای رفتارها، پدیده‌ها، اشیاء، هنرها، رنگ‌ها، اصوات، فرم‌ها، آیین‌ها، زمان‌ها، فضاها و سایر محسوسات انسانی، تفاسیر و معانی متفاوتی ارائه می‌نمایند. مردمان نیز با توجه به سابقه و ارزش‌های فرهنگی خویش در مواجهه با موضوعات (واحد و همسان)، برداشت‌ها و ادراکاتی خواهند داشت، که برداشت و ادراک هر کس با برداشت‌ها و ادراکات افرادی از فرهنگ‌های دیگر از همان پدیده‌ها متفاوت خواهد بود. قابل توجه این که این تمایز برداشت‌ها و ادراکات و در نتیجه تفاوت در رفتارها و عکس‌العمل‌ها در مقابل پدیده‌های خاص در فرهنگ‌های مختلف، بیشتر از هر جای دیگری، در عرصه‌های زندگی جمعی و در فضاها و شهرها و عمومی خویش را می‌نمایاند.

۴-۳-۶. خاطره‌های جمعی

خاطره‌ها (به طور عام) زمینه‌ساز دریافت و ادراک خاص انسان از فضاها و شهرها می‌باشند؛ هرگاه موضوع خاطره‌ها در ذهن بسیاری یا همه مردم حاضر شوند، آنگاه خاطره‌ها به خاطره‌های جمعی تبدیل می‌شوند؛ که خاطره‌های جمعی از اصلی‌ترین عواملی هستند که عامل هویت‌بخشی فضاها و شهرها در ذهن شهروندان می‌شوند. اهمیت این موضوع تا جایی است که عده‌ای اصولاً، فضای شهری را مکان وقوع اتفاقات و در نتیجه خاطره‌ها می‌دانند؛ که در این زمینه در جاهای دیگر به تفصیل بحث کرده‌ایم (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۶ و همو، ۱۳۸۹ب).

۴-۶. صفات اصلی فضای باز شهری مطلوب

پس از آشنایی مختصر با فرآیند ادراکات انسان از پدیده‌ها و موضوعات پیرامون خویش، و با زمینه‌ها و عواملی که در تفسیر و تحلیل او از دریافت‌های خود ایفای نقش می‌کنند، در این مجال، اصلی‌ترین صفات و ویژگی‌هایی که وجود آنها فضای شهری را برای انسان مطلوب و قابل استفاده می‌نماید به اختصار معرفی می‌شوند.

۴-۶-۱. زیبایی

زیبایی بارزترین صفتی است که برای هر پدیده‌ای و از جمله برای فضای شهری می‌توان قایل شد. این اهمیت برای فضای شهری تا جایی است که برخی از متخصصین اصولاً فضایی را به عنوان فضای شهری می‌شناسند که در کالبد آن فضا تناسبات زیبایی‌شناسانه وجود داشته باشد. علاوه بر آن، با عنایت به این که فضای باز شهری با بسیاری از موضوعاتی که صبغه هنری دارند (از جمله: معماری، هنرها، گرافیک، رنگ‌ها، تناسبات و امثالهم) و هنر نیز با زیبایی عجین است، می‌توان گفت که زیبایی بارزترین ویژگی یک فضای شهری مطلوبی است که همه اجزاء آن هنرمندانه خلق و کنار هم قرار گرفته باشند.

در عین حال، توجه کنیم که زیبایی به زیبایی محسوس و بصری منحصر و محدود نشده و دو قلمرو زیبایی کیفی و زیبایی معنوی نیز (که مابه‌ازاء ساحت‌های نفسانی و روحانی انسان هستند) در تفسیر زیبایی‌شناسانه شهر و فضای شهری ایفای نقش می‌کنند. علاوه بر عناصر و اجزاء انسان ساخت فضا، عناصر طبیعی و به ویژه انواع گیاهان و آب از عواملی هستند که می‌توانند زیبایی فضا را ارتقاء ببخشند و فضای انسان ساخت را زیباتر نمایند.

۶-۴-۲. جاذبه

جاذبه یک فضای شهری، به معنای وجود ویژگی‌هایی در فضا است که به عنوان جاذب و مشوق مردم برای حضور در فضا ایفای نقش می‌کنند. این ویژگی‌های جاذب اعم از زیبایی، امکانات تفریح و سرگرمی، عملکردها و کاربری‌های پاسخ‌گو به نیازهای مختلف انسان، مشارکت در فعالیت‌های جمعی، ملاقات‌های دوستانه و تعاملات اجتماعی، بهره‌مندی از طبیعت مناسب، گذران مطلوب اوقات فراغت، دسترسی مناسب و امثالهم می‌باشند؛ که همه اینها به تنهایی یا توأم مردم را به حضور در فضا تشویق و ترغیب می‌کنند. در این زمینه، باید مراقبت کرد تا همراه با گسترش اقبال عمومی به یک فضای شهری، امکانات و جاذبه‌های آن را تقویت کنند، تا روند عکس اتفاق نیفتد، و با افزایش حضور مردم، جاذبه‌ها افت نکنند. در این زمینه توجه کنیم که اگر چه زیبایی می‌تواند یکی از اصلی‌ترین جاذبه‌ها باشد، اما جاذبه‌ها الزاماً وجوهی کاملاً زیبایی‌شناسانه ندارند؛ و به عبارت دیگر، “جاذبه” و “زیبایی” علی‌رغم هم‌پوشانی‌هایشان، بر یکدیگر منطبق نیستند.

۶-۴-۳. روزآمدی

اگر چه روزآمد بودن فضاهای شهری (و روز آمد بودن هر چیزی که مورد استفاده انسان قرار می‌گیرد) از قدیم‌الایام موضوع مهمی بوده است، اما امروزه که شدت تغییرات در همه زمینه‌ها افزایش چشمگیری یافته است، روزآمد بودن فضاهای شهری، از اصلی‌ترین عوامل مطلوبیت و کارایی آنهاست. به عبارت دیگر، فضاهای شهری باید به گونه‌ای طراحی و ایجاد شوند و مورد بهره‌برداری قرار گیرند، که این فضاها از کهنگی و بی‌فایدگی و ناکارآمدی مصون بمانند. در واقع، رعایت انعطاف‌پذیری و همچنین چند عملکردی بودن و قابلیت مورد استفاده بودن در زمان‌های مختلف که اصول مهمی در طراحی فضاها هستند، می‌توانند

زمینه‌ساز روزآمدی فضاهای باز شهری باشند. یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های روزآمدی فضاهای باز در شهر، قابلیت آنها برای برپایی آیین‌ها و مراسم و جشن‌های مختلفی هستند که جامعه به آنها می‌پردازد. همین‌طور توانایی فضای شهری در پاسخ‌گویی به آن دسته از نیازهای فردی و جمعی شهروندان که مدام در حال تحوّل هستند نشانه روزآمدی یک فضای عمومی در شهر می‌باشد.

۶-۴-۴. ایمنی و امنیت

احساس ایمنی و امنیت از جنبه‌های مختلف فیزیولوژیکی، روانی، معنوی و فرهنگی از ویژگی‌ها و شرایطی است که برای محیط مطلوب زندگی ضرورت دارد. اگر چه تأمین شرایط امن و ایمن برای هر زمینه و فضا و محیطی یک نیاز اصلی و اساسی است، اما این شرایط در فضاهای باز و عمومی شهری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

احراز شرایط امن و ایمن، مطلوبیت فضا را افزایش داده و فضا را برای فعالیت‌های عمومی فراهم می‌کند. البته تأمین امنیت و ایمنی از موضوعاتی است که تقریباً کسی در ضرورت آن تردیدی ندارد؛ اما نکته مهم این است که امنیت مورد نظر، به امنیت فیزیولوژیکی منحصر نشده و جنبه‌های روانی و معنوی و فرهنگی آن که می‌توانند از سوی بسیاری از موارد، از جمله کالاها و رفتارها و افراد و فرم‌ها و تبلیغات و گروه‌های دیگر خدشه‌دار شوند نیز باید به جد مورد توجه قرار گیرند؛ که در این زمینه، در فصل‌های گذشته و همین‌طور در مطالعات دیگر بحث شده است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹ ب و همو، ۱۳۸۹ د).

۶-۴-۵. راحتی، آسایش و آرامش

فضاهای عمومی به طور عام و فضاهای باز شهری به طور خاص، به هر طریق و برای هر فعالیت و توسط هر گروهی که مورد استفاده قرار گیرند، وقتی مطلوب تلقی می‌شوند و مناسب زندگی جمعی و حیات اجتماعی هستند که بتوانند متضمن راحتی، آسایش و آرامش شهروندان باشند. در واقع، بدون تأمین راحتی، آسایش و آرامش، فضای شهری امکان پذیرش مردم و ایفای نقش به عنوان فضای حیات اجتماعی را دارا نبوده و نخواهد توانست پذیرای مردم باشد.

۶-۴-۶. دسترسی آسان

اگر فضایی بخواهد کارآیی لازم را داشته باشد و همه ویژگی‌های لازم برای کارآمدی را در خود داشته باشد، اما امکان دسترسی مناسب به آن فراهم نباشد، نخواهد توانست به عنوان فضایی مطلوب قلمداد شود. وقتی که از دسترسی آسان می‌گوییم، الزاماً به معنای وجود راه یا سامانه حمل و نقل عمومی و امثالهم نخواهد بود. بلکه مراد اصلی این است که هر کس با هر وسیله‌ای اعم از وسیله نقلیه شخصی، حمل و نقل عمومی و حتی پیاده بخواهد به فضای شهری مراجعه کند؛ مشکلی نداشته باشد. مثلاً ایستگاه‌های مناسب، تواتر تردد وسیله کارآمد، پارکینگ کافی، مسیر پیاده‌ایمن و سرپناه‌های مناسب ضرورت‌های دسترسی آسان و سهل و کارآمد هستند.

۶-۴-۷. مقیاس انسانی

توجه به انسان و رعایت موضوعات مربوط به او اصلی‌ترین و (شاید) یگانه معیار و عاملی است که برای همه رفتارها و آثار انسانی ایفای نقش می‌کند. اما نکته اصلی این است که هر تفکر و جامعه و تمدنی یک یا چند زمینه و بستر را ملاک اصلی قرار داده، بر آن متمرکز

می شود و از سایر جهات (و شعبه های مربوط به انسان) غفلت می ورزد. برای نمونه، توجه به نیازهای انسانی در طرح ها و برنامه ها، دقیقاً بسته به نگرش طراح و برنامه ریز دارد که برای انسان چه ساحت هایی قابل است و چگونه به نیازهای هر ساحت توجه دارد (ر.ک: نقی زاده، ۱۳۸۵).

مقیاس انسانی نیز از موضوعاتی است که نوشته یا نانوشته، به عنوان معیار اصلی در فعالیت های انسانی و از جمله در طراحی شهر و فضاهای باز شهری ایفای نقش می کند. نکته اصلی در این زمینه این است که اگر به توانایی ها و تناسبات فیزیولوژیک انسان توجه می شود، باید توانایی ها و نیازها و ظرفیت ها و غایت های روانی و معنوی و فرهنگی انسان نیز به جد مورد توجه و ملاک عمل قرار گیرند، تا فضا بتواند بالاترین درجه مطلوبیت را داشته باشد. برای نمونه، موضوعاتی چون تبلیغات، فرم های مورد استفاده، شدت صدا، رنگ ها، اثاثیه شهری، نورپردازی، میزان آلودگی ها و تناسبات زمینه ها و عواملی هستند که می توانند به عنوان جلوه های مختلف مقیاس انسانی مطرح شوند؛ و رعایت آنها مطابق با ویژگی هایی که هر فرهنگ جامعه ای برای انسان تعریف می کند، مطلوبیت فضا را برای مردم آن فرهنگ و جامعه ارتقا خواهد بخشید.

۶-۴-۸. هویت

از آنجایی که درباره هویت در موضوعی دیگری به تفصیل بحث شده است. (ر.ک: نقی زاده، ۱۳۸۶ و همو، ۱۳۸۷)، در این مجال، به برخی نکات اصلی در این باره اشاره می شود. بارزترین نکته در باره هویت انسان (که هویت آثار انسانی نیز منتسب و متأثر از آن است) با توجه به معنای "هویت" که به "هو" اشاره دارد نوع و تناسب انسان با او (حضرت احدیت) است. در واقع، موضوع هویت به تناسب و نسبت رابطه "انسان" با "خداوند" جل و علا

مربوط می‌شود. این اصل قضیه است^۱ و آنچه که در مواضع و مواقع دیگر از هویت ذکر می‌شود، جلوه‌هایی از آن هستند، که البته آراء و نظرات سایر ملل نیز به آن افزوده شده است. با توجه به جمیع جهات مربوط به انواع و مراتب هویت، عوامل و عناصر متنوعی را می‌توان به عنوان نشانه‌های هویتی یک فضای باز شهری نام برد: مؤلفه‌های هویتی در دو گروه اصلی "شکل" و "محتوا" قابل طبقه‌بندی هستند، که البته نام‌گذاری‌های دیگری از جمله: ظاهر و باطن، پیدا و پنهان، کالبدی و معنایی، عینی و ذهنی یا از این قبیل را می‌توان برای این دو گروه برگزید. این، در عین حالی است که هر یک از این تعبیر در فرهنگ‌ها و تفکرات مختلف واجد طیفی از معانی نیز می‌باشند. در گروه اول (گروه بارزهای شکلی) می‌توان از نشانه، اندازه، تعداد جمعیت، تمیزی، آلودگی، عملکرد، شلوغی، تاریخ و امثالهم نام برد. در گروه دوم یا بارزهای محتوایی هویت نیز موضوعاتی چون نمادها، معنی، تاریخ، فرهنگ مردم، عملکرد، رفتار، زیبایی، پاکی و از این قبیل قابل ذکر هستند. مضافاً این که، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، برخی از مؤلفه‌های هویتی، در هر دو گروه ذکر شدند، که این موضوع به وسعت و چندبعدی بودن آن مؤلفه مربوط می‌شود.

با عنایت به مباحثی که در مورد فضا در موضعی دیگر شرح شده است، با احتراز از تکرار مباحث، در اینجا تنها به برخی موضوعات که در باب هویت فضا و توضیح آن ایفای نقش می‌کنند، اشاره می‌شود. یکی از مهم‌ترین این موضوعات، ارزش و جایگاه و مقام و (حتی) تقدس مکان و فضا است. این امر مسلمی است که مکان‌ها (و به ویژه برخی از آنها) از نظر انسان (جامعه، تمدن، فرهنگ یا پیروان یک دین) واجد مدارج و مراتب مختلف ارزشی هستند.

^۱ این اصل در واقع به رابطه‌ای از انسان با خداوند سبحان متوجه است که در تعالیم اسلامی مطرح شده است.

۶-۴-۹. پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی جمعی

نکته دیگری که در مورد فضا و به ویژه فضاهای شهری مطرح است، انتظاری است که از فضا می‌رود. مقایسه یا ذکر نمونه‌هایی می‌تواند این بیان را روشن‌تر کند. در گذشته، فضاهای عمومی غالباً برای برپایی آیین‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند؛ و به این ترتیب، فضاها و مکان‌ها واجد صبغه‌ای معنوی و روحانی بودند. این در حالی است که فضاهای عمومی امروز، اکثراً به منظور تفریح، وقت‌گذرانی و شادمانی‌های کاذب ایجاد می‌شوند. این موضوع، موضوع بنیادینی است که غفلت از آن تبعات منفی متعددی را برای جامعه در پی خواهد داشت. اصلی‌ترین تبعات مغفول نهادن این موضوع، دگرگونی در بافت و سیما و سازمان فضایی شهرها و شبیه شدنشان به فضاهای بیگانه و همچنین تغییر در شیوه زیست و گرایش آن به سمت شیوه زیست جوامعی است که الگوها و معیارهای طراحی و برنامه‌ریزی از آنها اقتباس شده است.

فضاهای عمومی شهرهای ایرانی در گذشته فضاهایی برای تجمعات خاص و عموماً انجام مراسم و آیین‌های مذهبی و ملی بودند. این فضاها، واجد ویژگی‌های کالبدی خاصی نیز بودند که به تناسب مراسم خاص و همچنین فرهنگ جامعه شکل گرفته بودند. از جانب دیگر، فرهنگ جامعه، ویژگی‌های ویژه‌ای را برای تجمع و مشارکت افراد مختلف در مراسم و آیین‌ها تعریف می‌نمود. گذران اوقات فراغت^۱ (و اصولاً خود اوقات فراغت) تعریف و ویژگی‌هایی داشت که با تعریف و ویژگی‌های آن در سایر جوامع و به خصوص با تعاریف

^۱. این امر مهمی است که موضوع "فراغت" از چه چیزی مدّ نظر قرار گیرد. فراغت از شغل و حرفه، فراغت از امور شخصی (و گاهی جمعی) مثل عبادات، فراغت از انجام وظایف اجتماعی و فردی و خانوادگی و شغلی (که ملحوظ داشتن جملگی آنها وجود فراغت را منتفی می‌نماید)، فراغت از دنیا یا فراغت از معنویت، فراغت از جسم یا فراغت از روح و قس علی‌هذا.

رایج آن در دوران معاصر متفاوت بود. فضاهای این گذران به همراه فعالیت‌هایی که اوقات فراغت را پر می‌کرد نیز تفاوت‌هایی جدی با فضاهایی که در سایر تمدن‌ها رایج بوده‌اند، داشت. امروزه به دلایلی از قبیل به اسارت ماشین درآمدن انسان و به جهت تغییر در شیوه زیست و در معماری و از همه مهم‌تر به دلیل تغییر نگرش به حیات و برای جوامعی به جهت تقلید از الگوهای غربی (در همه چیز) نوع فضای مورد نیاز، نوع تعریف از اوقات فراغت و گذران آن، و به طور کلی شیوه زیست انسان (خوب یا بد، صحیح یا ناصحیح یا مخلوطی از اینها) تغییر نموده است. برای نمونه، اگر در گذشته هر کسی امکان ارتباط با طبیعت و استفاده از آن را در خانه و مسکن خویش داشت، امروزه باید به پارکی برود که در بسیاری موارد نمی‌تواند به خوبی (به ویژه از جهات روانی و فرهنگی و اجتماعی) پاسخ‌گوی نیازهای شهروند ایرانی باشد. در گذشته، بسیاری از فضاهای مذهبی مثل حسینیه‌ها و تکایا در متن زندگی جاری بودند و در بسیاری موارد فضاهای عمومی و خصوصی زندگی به حسینیه و تکیه تبدیل می‌شدند. امروزه اکثریت قریب به اتفاق حسینیه‌ها و تکایا (شاید به پیروی از برخی فضای جمعی بیگانه مثل سینماها و تئاترها) به فضایی محصور، با در و دروازه و قفل تبدیل شده‌اند که فقط در ایام خاصی مورد استفاده‌اند.

۶-۴-۱۰. تقویت حس وحدت در جامعه

اصلی‌ترین عامل دوام و بقا و پایداری هر امت و جامعه و ملت و تمدنی وجود وحدت آحاد آنهاست. زمینه‌ها و عواملی نیز در ظهور و تقویت این وحدت ایفای نقش می‌کنند؛ که یکی از اصلی‌ترین آنها ویژگی‌های اتفاقاتی است که در فضاهای عمومی رخ می‌دهند. اهم موضوعاتی که می‌توانند به عنوان تأثیرات فضای شهری بر ایجاد و تقویت حس وحدت در

جامعه منجر شود عبارتند از: احساس هویت جمعی، احساس تعلق به مکان و امکان تماس های رو در رو بین افراد جامعه.

• هویت جمعی: هویت جمعی وسیله و زمینه بسیار مهمی در نمایش وحدت جامعه است. هر چقدر که این احساس ریشه دارتر و نشأت گرفته از ارزش های معنوی باشد پایدارتر می باشد؛ و بالعکس، هر چه که به سمت مشترکات مادی سوق پیدا کند، به محض تحصیل اهداف مادی زمینه وجودی آن از بین می رود؛ و با از بین رفتن آن، وحدت جامعه نیز تضعیف می شود. نمادها و نشانه ها (و به ویژه نمادها که معانی معنوی را در خویش مستتر دارند) از عواملی هستند که وجود و تکرار آنها در فضای شهری با توجه به احساس واحدی که در مردم به وجود می آورند کمک شایانی به احراز هویت واحد جامعه می نمایند. البته این احساس مشترک وقتی به وجود خواهد آمد که معانی مستتر در نمادها ریشه در فرهنگ ملی و ارزش های مشترک فرهنگی داشته باشند. و وقتی این احساس مشترک در جهت وحدت جامعه کارآیی خواهد داشت که حتی الامکان از ابعاد مادی حیات دور بوده و به قلمرو معنوی حیات انسانی متعلق باشد.

• احساس تعلق به مکان: احساس تعلق به مکان از موضوعات مهم مطرح شده در شهرسازی قرن حاضر می باشد. تبعات انجام شده نشان می دهد که هر چه احساس تعلق به مکان در آحاد جامعه ای بیشتر باشد گرایش به وحدت و اتخاذ تصمیمات جمعی و تبعیت از قراردادهای و قوانین اجتماعی افزایش خواهد یافت. و بالعکس، هر چه که آحاد جامعه نسبت به مکان احساس تعلق کمتری نموده و محیط را متعلق به خود ندانسته و یا ریشه خویش را در محیط جستجو نمایند امکان عدم رعایت قوانین و مقررات افزایش می یابد. نکات و موضوعات متفاوتی در سیمای شهر می توانند بیانگر وحدت جامعه باشند که این نکات را در زمینه هایی چون هماهنگی فرمها (به ویژه فرم های مجاور)، هماهنگی مصالح و از همه

مهم‌تر در زمینهٔ قطب‌بندی‌های شهری می‌توان مورد توجه قرار داد. یکی از عوامل تقویت احساس تعلق به مکان ارتباط هویت جامعه با هویت مکان است. برای نمونه، می‌توان به عوامل و مؤلفه‌های هویت ایرانی و رابطهٔ ایرانیان با ایران و هر آنچه که ایرانی است اشاره کرد.^۱ به طور اجمال می‌توان گفت که سیمای عمومی شهری وقتی می‌تواند عاملی در جهت وحدت اهل شهر باشد که زمینه و نمایش فردگرایی و تفاخر در آن وجود نداشته و یا به حدّ اقل رسیده باشد. سیمای عمومی شهر باید به گونه‌ای باشد که امکان ظهور و بروز تفاخر در آن از بین برود. چرا که این خود تجلی کالبدی رشد و گسترش تفکر فردگرایی به عنوان یکی از دست‌آوردهای مدرنیسم در عصر حاضر می‌باشد که می‌تواند احساس تعلق به مکان (شهر) را تضعیف نماید.

• تماس‌های رو در رو: تماس‌های رو در رو که یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های حیات جمعی در گذشته بوده است، امروزه نیز در جوامع جدید و شهرهای بزرگ ضرورتش خود را کاملاً نمایانده و برنامه‌ریزان و طراحان را متوجه تبعات منفی و مضر فقدان آن نموده؛ و بالتّیجه، آنان را به سمت ایجاد فضاها و تسهیلاتی برای افزایش امکان تماس‌های رو در رو مردم هدایت نموده است. فضاهای شهری در میزان امکان تماس رو در رو بین اعضاء جامعه نقشی بنیادین ایفا می‌نمایند. در گذشته عناصری چون مسجد، حسینیه و تکیه، میدان، حمام، بازار و امثالهم به عنوان مکان‌های تجمع آحاد جامعه در یک سلسله‌مراتب منطقی شهری ایفای نقش می‌نمودند. در وهلهٔ اول شاید به نظر برسد که روزگار این فضاها و عناصر شهری گذشته است و فضاها و عملکردهایی جدید چون سینما، تئاتر، میادین ورزشی و امثالهم بایستی جایگزین آنها گردند. بر این نظریه ضمن آن که متضمن واقعیّاتی است ایراداتی چند وارد است. اولاً در اکثریت عملکردهای جدید انسان‌ها به صورت تماشاگر و نه فعال در

^۱. برای مطالعه در مؤلفه‌های هویت ایرانی، ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹.

صحنه حضور دارند. ثانیاً بسیاری از عناصر شهری گذشته (مادامی که باورها و عقاید جامعه تغییر نکرده) می توانند همچنان به عنوان محلی برای برخوردها و تماس های اجتماعی و عامل وحدت مردم عمل کنند. و ثالثاً این که باید توجه داشت که اصل مورد نظر (وجود تماس رو در روی آحاد جامعه) اصلی ثابت است؛ و لهذا، بایستی فضاها را به گونه ای طراحی و ایجاد نمود که بتوانند به این اصل پاسخگو باشند. ضمن آن که هم فضاهای شهری گذشته (از نظر معماری و عملکرد) نیازمند اصلاحاتی می باشند تا بتوانند نقش گذشته خویش را در وحدت جامعه ایفا نمایند و هم این که فضاهای جدید نیازمند تجزیه و تحلیل و تعیین محسنات و اشکالات و تقابلهایی که با فرهنگ بومی دارند می باشند تا بتوان حدّ اکثر استفاده را در این جهت نیز از آنها به عمل آورد.

۶-۴-۱۱. حضور انسان

ناگفته پیداست که اصل حضور متناسب انسان در هر فضایی، یکی از معیارهای مطلوبیت فضا است. نکته قابل تأمل گنجایش فضا و تطبیق و هماهنگی میزان تمایل مردم به حضور در فضا با گنجایش آن است. در این حال است که موضوعاتی همچون خلوت، خصوصیت، شلوغی، ازدحام، تجمع و امثالهم و مقیاس ها و تناسب آنها با هر فضایی مصداق پیدا می کند.

۶-۴-۱۲. مجاورت های فرهنگی تفریحی

مجاورت فضاهای باز شهری با عناصر و فضاهایی که به ایجاد بهجت و سرور و فرح فکری و روانی و فرهنگی بینجامند، از ویژگی هایی است که بی گمان مطلوبیت فضاها، و به ویژه فضاهایی را که به فعالیت های مالی و مادی متمرکز هستند، تعدیل و تقویت خواهد کرد.

۶-۴-۱۳. دلپذیری

دلپذیری که به همراه زیبایی و جاذبه و سایر ویژگی‌ها می‌تواند ضمن دعوت مردم به حضور در فضا پاسخ‌گوی نیازهای آنان نیز باشد، از ویژگی‌هایی است که اتصاف یک فضا به آن، میزان مطلوبیت آن را ارتقاء می‌بخشد. برای دلپذیر بودن یک فضا یا هر چیز دیگر ویژگی‌هایی را می‌توان برشمرد که اصلی‌ترین این ویژگی‌ها که در واقع تعریفی برای دلپذیری است، "تطابق ویژگی‌های ذهنی و عینی انسان در مورد فضا" یا آن چیز است. به عبارت دیگر، میزان تطبیق انتظاراتی که هر کس از یک فضا دارد، با وضع موجود (و به بیان دیگر پاسخ‌گویی و تطبیق ویژگی‌های فضا با انتظارات انسان) میزان دلپذیری فضا را تعیین خواهد کرد.

۶-۴-۱۴. ارتباط منطقی فضاهای شهری یک شهر

وجود طرحی جامع و عالی که همه فضاهای باز شهری را در یک مجموعه و به عنوان یک واحد مدنظر قرار دهد، می‌تواند فضاها را از تکراری بودن و کسالت‌بار بودن برهاند؛ به تناسب هر فضا برای آن هویت و عملکرد و فعالیت و اندازه‌ای متناسب را تعریف کند. به این ترتیب، مجموعه فضاهای باز شهری در عین تمایزاتی که با یکدیگر خواهند داشت، هر کدام به عنوان یک عضو نقش محوله را ایفا نموده و در کل، به عنوان یک واحد، جلوه‌ای از وحدت در کثرت خواهند بود.

۶-۴-۱۵. پیاده‌مداری

موضوع پیاده‌مداری، موضوعی است که اولاً با ماهیت فضای شهری که حضور انسان را طلب می‌کند و با تعاملات اجتماعی و برپایی آیین‌ها و مراسم و زندگی جمعی (یا زندگی در جمع) رابطه دارد و ثانیاً امروزه به دلایل عدیده‌ای رواج یافته و شهرها (و به ویژه شهرهای بسیار بزرگ) سعی در داشتن فضاهایی به عنوان فضاهای خاص پیاده‌ها دارند. در این زمینه نیز که مباحث و تحقیقات و مطالعات مستقل و مستوفایی را طلب می‌کند و هر شهری نیز ویژگی‌های خاص خود را دارد، فقط به برخی نکات عام اشاره می‌شود.

- یکی از بهترین حالت‌ها آن است که عملکردهای پیرامون یک فضای شهری پیاده، مجموعه‌ای از عملکردهای مورد نیاز و مورد مراجعه مردم باشند. برای نمونه، منحصر شدن عملکردها به عملکردهای تجاری (فقط خرید، یا فقط یک صنف خاص) بدون آن که با عملکردها و فضاهای دیگر تلفیق و تجمیع شود کارآیی و حیات مطلوب را نخواهد داشت.

- شبکه‌ای مرتبط و هماهنگ از فضاهای پیاده‌مدار می‌تواند به انحاء مختلف مطلوبیت محدوده وسیعی از شهر را افزایش دهد.

- وجود خدمات متناسب و مورد نیاز مراجعین در حاشیه پیرامونی فضا مطلوبیت و کارآیی فضا و میزان تمایل عمومی به حضور در فضای پیاده را افزایش خواهد داد.

- اصل قرار دادن انسان (مراجعین) و نیازهای او، در مقابل اصل قرار دادن خواسته‌های صاحبان و مالکان عملکردهای مجاور فضای پیاده، بی‌گمان مطلوبیت‌های متفاوتی را برای فضا در پی خواهد داشت.

- ارتباط بین فضاهای شهری به گونه‌ای که مجموعه فضاهای باز و عمومی شهر و همچنین فضاهای طبیعی از قبیل سواحل و حاشیه‌ها و کناره‌ها و کرانه‌ها و مسیره‌های دسترسی به جنگل‌ها و کوه‌ها نوعی وحدت فضایی را جلوه‌گر کنند. وحدتی که کلیت شهر را به مثابه فضای شهری واحد متجلی می‌نماید.

خلاصه

این انتظاری طبیعی است که وقتی توضیح موضوعی و معرفی مصادیق آن موضوع مدّ نظر قرار می گیرد، ویژگی های وجه مطلوب آن موضوع نیز معرفی و توضیح شوند. بنابراین، این فصل به معرفی اصلی ترین ویژگی های فضای مطلوب شهری می پردازد. قبل از معرفی این ویژگی ها نیز درباره ادراک انسان و ابزار دریافت اطلاعات از محیط، به اجمال توضیحاتی ارائه شده است.

خودآزمایی

- ۱- اصلی ترین اطلاعاتی که انسان از طریق حسّ بینایی اش از فضای پیرامونش دریافت می کند کدامند؟
- ۲- حسّ شنوایی انسان چه اطلاعاتی را از محیط اخذ می کند؟
- ۳- اصلی ترین صفات یک فضای شهری مطلوب، چه ویژگی هایی هستند؟ به طور خلاصه آنها را توضیح دهید.
- ۴- عوامل مؤثر بر ادراک انسان از فضا کدامند؟
- ۵- روزآمدی فضاهای باز شهری در چه موضوعاتی است؟

- ۶- جنبه‌های مختلف احساس امنیت در فضای شهری کدامند؟
- ۷- اصلی‌ترین تفاوت زیبایی و جاذبه فضاهای باز شهری چه موضوعاتی هستند؟
- ۸- در زمینه هویت شهر و فضای شهری چه موضوعاتی واجد اهمیت بیشتری هستند؟
- ۹- نظر شما در باره فضاهای پیاده‌محور در شهر چیست؟
- ۱۰- نقش فضاهای باز شهری در تقویت وحدت جامعه چگونه است؟

فهرست منابع و مراجع

۱. ابن‌خوه، محمداحمد قرشی، آیین شهرداری، ترجمه جعفر شعار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۰
۲. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱
۳. ابن حوقل، ایران در صورالارض، ترجمه جعفر شعار، امیرکبیر، تهران
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه تاریخ ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۹
۵. الیاده، میرچا، مقدس و نامقدس، ترجمه نصرا... زنگویی، سروش، ۱۳۷۵
۶. -----، دایره‌المعارف دین، به نقل از مجله آبادی، سال پنجم، ش ۱۹، زمستان ۱۳۷۴
۷. انجمن شهرسازی آمریکا، استانداردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری، ج ۴، مکان‌ها و مکان‌سازی، ترجمه گیتی اعتماد و دیگران، جامعه شهرسازان، تهران، ۱۳۸۷
۸. بحرینی، سیدحسین، فرآیند طراحی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷
۹. پاکزاد، جهان‌شاه، راهنمای طراحی فضاهای شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۸۴
۱۰. توسلی، محمود، طراحی شهری خیابان کارگر، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۷۹
۱۱. توسلی، محمود و ناصر بنیادی، طراحی فضای شهری (۲)، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۲

۱۲. -----، طراحی فضای شهری (۱)، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۱
۱۳. تولستوی، لئون، هنر چیست؟، ترجمه کاوه دهگان، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳
۱۴. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ج ۲۲ و ۲۵، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶
۱۵. -----، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳
۱۶. -----، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۶۹
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۹، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵
۱۸. حبیبی، سیدمحسن و ملیحه مقصودی، مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۲
۱۹. حکیمی، محمدرضا، دانش مسلمین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۷
۲۰. داوری اردکانی، رضا، ملاحظات در باب طرح مدینه اسلامی، مجله آبادی، ش ۲۲، پاییز ۱۳۷۵
۲۱. سازمان حفاظت محیط زیست، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران (ج ۲، معاهدات بین‌المللی)، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۹
۲۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۸
۲۳. ریخته‌گران، محمدرضا، هایدگر و تلقی هندویی از مکان مقدس، مجله رواق، ش ۳، تابستان ۱۳۷۸
۲۴. زرین کوب، عبدالحسین، پله پله تا ملاقات با خدا، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۸۱
۲۵. شایگان، داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵



۲۶. سازمان بهداشت جهانی، شهر سالم، ترجمه منیره مدرس مصدق، نشر طب گستر، تهران، ۱۳۷۹
۲۷. -----، پروژه شهر سالم در کشورهای در حال توسعه، ترجمه عنایت‌الله عسائی و عبدالمحمود صیرفیانیپور، دبیرخانه شورای هماهنگی پروژه شهرهای سالم کشور، تهران، ۱۳۷۵
۲۸. -----، بیست گام برای توسعه شهر سالم، ترجمه حسن سلماش‌منش ستاد شهر سالم، تهران، ۱۳۷۳
۲۹. سلامی، حسن، مبانی جامعه مدنی در اندیشه سیاسی اسلام، مجله پژوهش (فصلنامه پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی)، ش ۶، پائیز و زمستان، ۱۳۸۰
۳۰. سلطان‌زاده، حسین، معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷
۳۱. شووان، فریدهوف، اصول و معیارهای هنر جهانی، ترجمه سیدحسین نصر، در مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی (گردآورنده: علی تاجدینی)، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۷۲
۳۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان (ج ۱۸)، محمدی، تهران، ۱۳۶۲
۳۳. -----، تفسیر المیزان (ج ۳۶)، محمدی، تهران، بی تا
۳۴. -----، تفسیر المیزان (ج ۴ و ۷)، دارالعلم، قم، بی تا
۳۵. غزالی، محمد، کیمیای سعادت، انتشارات طلوع و زرین، تهران، ۱۳۶۱
۳۶. فقیهی، ابوالحسن و طاهره فیضی، سرمایه اجتماعی در سازمان، نشریه پیک نور، ویژه-نامه علوم اجتماعی، سازمان انتشارات پیام نور، تهران، ۱۳۸۶
۳۷. قیومی، مهرداد، واژه‌های معماری در رساله معماریه، مجله رواق، شماره ۲، بهار ۱۳۷۸

۳۸. کربن، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، انتشارات کویر، تهران،
۱۳۷۳

۳۹. کلمن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران،
۱۳۷۷

۴۰. گلشنی، مهدی، از علم سکولار تا علم دینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷

۴۱. گلشنی، مهدی و رضا غلامی، گزارش پژوهش ملی ایران و جهانی شدن، پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷

۴۲. گنون، رنه، سیطره کثیبت و علائم آخر زمان، ترجمه علیمحمد کاردان، نشر دانشگاهی،
تهران، ۱۳۶۱

۴۳. لسترنج، گ، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان،
انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷

۴۴. لنگ، جان، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه
علیرضا عینی‌فر، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳

۴۵. مدنی‌پور، علی، طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و
برنامه‌ریزی شهری، تهران، ۱۳۷۹

۴۶. مظاهری، علی، زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه مرتضی راوندی، نشر سپهر،
تهران، بی تا

۴۷. مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد، احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم، شرکت مؤلفان و
مترجمان ایران، تهران

۴۸. مک کونل، جیمز، وی، روانشناسی احساس و ادراک، ترجمه و تألیف مهدی محی‌الدین بناب، نشر دانا، تهران، ۱۳۷۹
۴۹. نجومی، سیدمرتضی، لطافت هنر، مجله‌نامه فرهنگستان علوم، شماره ۱۵-۱۴، پاییز زمستان ۱۳۷۸
۵۰. نصر، سیدحسین، عالم خیال و مفهوم فضا در مینیاتور ایرانی، مجله هنرهای تجسمی، ش ۱۰، ۱۳۷۹
۵۱. نصر، سیدحسین، سه حکیم مسلمان، ترجمه احمد آرام، کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۶۱
۵۲. -----، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹
۵۳. -----، نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹
۵۴. نقی‌زاده، محمد، روایتی ایرانی از حکمت، معنا و مصادیق هنر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹
۵۵. نقی‌زاده، محمد، تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها، شیوه‌ها)، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۹.
۵۶. -----، شهر آرمانی اسلام (فضای حیات طیبه)، (زیر چاپ) ۱۳۸۹
۵۷. -----، تأملاتی در نسخه ایرانی توسعه پایدار شهری (زمینه‌ها، مبانی، مصادیق)، (زیر چاپ) ۱۳۸۹
۵۸. -----، مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی (مبانی نظری، نظام فکری، تجلیات و عینیات)، نشر شهر، تهران، ۱۳۸۸
۵۹. -----، ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، شهرداری اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۶

۶۰.-----، معماری و شهرسازی و اسلامی (مبانی نظری)، انتشارات راهیان، اصفهان،

۱۳۸۵

۶۱.-----، جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی، انتشارات

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۳۸۴

۶۲. وینترز، ادوارد، معماری، معنا و دلالت، در مبانی فلسفی و روانشناختی فضا، ترجمه آرش

ارباب جلفایی، نشر خاک، تهران، ۱۳۷۹

۶۳. یعقوبی، ابن‌واضح (ابن ابی‌یعقوب)، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، انتشارات بنگاه

ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶

64. Burckhardt, Titus. Sacred Art in the East and West, Perennial Books, London, 1967

65. Cooper, Jean C. An Illustrated Encyclopaedia of Traditional Symbols, Thames and Hudson, London, 1978

66. Eliade, Mircea, The Sacred and the Profane, the Nature of the Religion. Harcourt Brace Jovanovich, New York, 1959

67. Hall, Edward T. The Hidden Dimension. Anchor Books Doubleday and Company, New York, 1966

68. Kubler, Gorge., The Art and Architecture of Ancient America: The Mexican, Maya and Andean Peoples. Penguin Books, Harmondsworth, England, 1962

69. Millon, Rene, “Teotihuacan Studies: from 1950 to 1990 and beyond”, in Janet C. Berlo (ed.), Art, Ideology, and the city of Teotihuacan. Dumbarton Oaks Trustees for Harvard University, Washington, D.C. 1992

70. Schulz, Christian Norberg, Existence, Spase And Architecture. Oslo, 1971

برای مطالعه بیشتر

۱. بل، سایمون، منظر: الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین‌زاده، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۲
۲. بنتلی، ای‌ین و دیگران، محیط‌های پاسخده، ترجمه مصطفی بهزادفر، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ۱۳۸۲
۳. پاکزاد، جهان‌شاه، مبانی نظری و فرایندهای طراحی شهری، شهیدی، تهران، ۱۳۸۵
۴. توسلی، محمود، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، پیام و پیوند، تهران، ۱۳۸۱
۵. -----، اصول و روش‌های طراحی شهر و فضاهای مسکونی در ایران (ج ۱)، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۶۵
۶. داوری اردکانی، شهر و ساکنانش، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۷، بهار ۱۳۸۲
۷. کریر، راب، فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی‌نژاد، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۵
۸. گلکار، کورش، از تولد تا بلوغ طراحی شهری، مجله صفه، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۲
۹. -----، کند و کاوی در تعریف طراحی شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۸
۱۰. گیدیون، زیگفرد، فضا زمان و معماری، ترجمه منوچهر مزینتی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵
۱۱. لوکربوزیه، منشور آتن، ترجمه محمدمنصور فلامکی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۵

۱۲. لینچ، کوین، تیوری شکل شهر، ترجمه سیدحسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۱

۱۳. -----، فرم خوب شهر، ترجمه سیدحسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷

۱۴. -----، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲

۱۵. مدنی‌پور، علی، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران، ۱۳۸۷

۱۶. -----، طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی، تهران، ۱۳۷۹

17. Barnett, J. An Introduction to Urban Design, Harpes Row, New York, 1982

18. Coleman, J. S, Doyle, W.J, Social Ties and Susceptibility to the Common Cold, in social CAPITAL. In Dekker, P. &uslaner, E.M. (Eds) (2001) Social Capital and Participation in Everyday life, Rutledge. 1988

19. Coleman, J.S. Social Capital in the Creation of Human Capital, American Journal of Sociology. 1988

20. Cluskey, Jim Mc, Road Form and Townscape, The Architectural Press, London, 1979

21. Hedman, Richard & Andrew Jaszewski, Fundamentals of Urban Design, Planners Press, Washington, DC, Chicago, Illinois, 1984

22. Naghizadeh, Mohammad, Urban Landscape and Cultural Values: A Conceptual Framework of Islamic Teaching, Proceedings of International Conference on Landscape (INCOL 2000), University of Putra Malaysia, Kualalampore, 10-11 Oct. 2000



23. Trancik, Roger, *Finding Lost Space*, Van Nostrand Reinhold Co, New York. 1986

به همین قلم:

✓ جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی، واحد علوم و

تحقیقات، تهران، ۱۳۸۴

✓ فهرست موضوعی کلام الهی (در زمینه شهرسازی، معماری، هنر، محیط‌زیست و

علوم/اجتماعی)، راهیان، اصفهان، ۱۳۸۴ (به اتفاق خانم با دکتر امین‌زاده)

✓ مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی (مبانی و نظام فکری)،

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۴

✓ معماری و شهرسازی و اسلامی (مبانی نظری)، نظام مهندسی اصفهان، اصفهان،

۱۳۸۵

✓ مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی (تجلیات عینی و کالبدی)، راهیان، اصفهان،

۱۳۸۵

✓ ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، شهرداری اصفهان، اصفهان،

۱۳۸۶

✓ جایگاه فرهنگ اسلامی در آموزش هنر، معماری و شهرسازی، سازمان

شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، تهران، ۱۳۸۶

✓ تأملی در معنای مناسک حج، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۶

✓ شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، مانی، اصفهان، ۱۳۸۷

✓ جلوه‌هایی از زیبایی و هنر در سرزمین وحی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی،

تهران، ۱۳۸۸

- ✓ مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی (مبانی نظری، نظام فکری، تجلیات و عینیات)، نشر شهر، تهران، ۱۳۸۸
- ✓ روایتی ایرانی از حکمت، معنا و مصادیق هنر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹
- ✓ شهر آرمانی اسلام (فضای حیات طیبه)، (زیر چاپ)
- ✓ نقی زاده، محمد، تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها، شیوه‌ها)، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۹.ب.
- ✓ تأملاتی در نسخه ایرانی توسعه پایدار شهری (زمینه‌ها، مبانی، مصادیق)، (زیر چاپ)
- ✓ اصول طراحی شهری، (زیر چاپ)
- ✓ فضاهای باز شهری (کتاب حاضر)



استادزادی بهرنگین
معاونت امور عمرانی
دفتر امور شهری و شوراهای



وزارت کشور
سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی

دانشیاران

پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی
تهران - بلوار کشاورز
ابتدای خیابان نادری
پلاک ۱۷

تلفن: ۸۸۹۸۶۳۹۸

نمابر: ۸۸۹۷۷۹۱۸

www.imo.org.ir

ISBN:978-964-8466-92-8



9 789648 466928

قیمت: ۴۸۰۰۰ ریال